

مواد مخدر در فقه اسلام

تألیف:

دکتر عبدالله بن محمد بن احمد الطیار

استاد شعبه فقه

در دانشگاه اسلامی امام محمد بن سعود در قصیم

مترجم:

مولانا سید محمد یوسف حسین پور

مدیر حوزه علمیه عین العلوم گشت - سراوان

این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

آدرس ایمیل:

سایت های مفید

www.aqeedeh.com

www.islamtxt.com

www.ahlesonnat.com

www.isl.org.uk

www.islamtape.com

www.blestfamily.com

www.islamworldnews.com

www.islamage.com

www.islamwebpedia.com

www.islampp.com

www.videofarda.com

www.nourtv.net

www.sadaislam.com

www.islamhouse.com

www.bidary.net

www.tabesh.net

www.farsi.sunnionline.us

www.sunni-news.net

www.mohtadeen.com

www.ijtehadat.com

www.islam411.com

www.videofarsi.com

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب

پیشگفتار مترجم	۱۳
تقریظ جناب آقای شیخ صالح بن عبدالله الفوزان	۱۵
پیشگفتار مؤلف	۱۷
تمهید در تعریف مخدر	۲۱
نخست، تعریف لغوی مخدر:	۲۱
تعریف اصطلاحی:	۲۲
مناسبت بین معنی شرعی و لغوی:	۲۲
بخش اول: تاریخ ظهور مواد مخدر و اسباب گسترش آن‌ها	۲۵
بحث اول: در تاریخ ظهور مواد	۲۶
مطلب اول: تاریخ ظهور و گسترش مواد مخدر در جهان	۲۶
مطلب دوم: ظهور و گسترش مواد مخدر در کشورهای اسلامی	۲۷
مبحث دوم: اسباب گسترش مواد مخدر	۳۰
مطلب اول: ضعف موانع دینی	۳۱
مطلب دوم: بیکاری و فراغت وقت	۳۲
مطلب سوم: همنشینی با بدان	۳۳
مطلب چهارم: مشکلات خانوادگی	۳۴
همچنین است برخورد نامناسب با فرزندان:	۳۶
مطلب پنجم: سفر به خارج	۳۷

- مطلب ششم: کُلْفَت‌های خارجی ۳۷
- مطلب هفتم: فقر و تنگدستی ۳۸
- مطلب هشتم: تقلید کورکورانه و هم‌نشینی با اجانب ۳۸
- مطلب نهم: شایعه بعضی افکار نادرست از مواد مخدر ۳۹
- مطلب دهم: استعمار ۴۰
- بخش دوم: اقسام مواد مخدر ۴۳**
- بحث اول: در باره اقسام مواد مخدر ۴۴**
- نخست انواع آن‌ها از روی رنگ: ۴۴
- ثانیاً- دسته‌بندی مواد مخدر طبق روش تولید: ۴۴
- الف- مواد مخدر طبیعی: ۴۴
- ب- مواد مخدر مصنوعی: ۴۴
- ج- مواد مخدر تخلیقی (ساختگی): ۴۵
- ثالثاً- تقسیم‌بندی مواد مخدر به اعتبار تأثیر: ۴۵
- الف- اسباب نشئه، و آرام‌کننده حیات عاطفی: ۴۵
- ب- توهم زها: ۴۵
- ج- مسکرها: ۴۵
- د- خواب‌آورها: ۴۵
- رابعاً- دسته‌بندی مواد مخدر از روی ویژگی‌های اعتیاد: ۴۵
- الف- مجموعه حشیش: ۴۵
- ب- مجموعه مرکبات: ۴۵
- ج- مجموعه کوکائین: ۴۶
- د- مجموعه قات: ۴۶
- ه- مجموعه آمفتامین‌ها: ۴۶
- و- مجموعه مواد توهم‌زا: ۴۶

۴۶ خامساً- دسته‌بندی مواد مخدر براساس بزرگی و کوچکی:
۴۶ أ- مواد مخدر بزرگ:
۴۶ ب- مخدرات کوچک:
۴۷ سادساً- دسته‌بندی مواد مخدر براساس زیر:
۴۷ الف- موادی که وابستگی روانی و عضوی را سبب می‌شوند:
۴۷ ب- موادی که تنها وابستگی روانی را سبب می‌شوند:
۴۸ بحث دوم: حشیش و ماری جوانا
۴۸ روش استعمال:
۴۸ آثار پدیدآمده از این دو:
۵۰ بحث سوم: در باره افیون (تریاک)
۵۰ روش استعمال آن:
۵۰ اثرات افیون:
۵۱ بحث چهارم: در باره مرفین
۵۱ روش استعمال آن:
۵۱ آثار مرفین:
۵۲ بحث پنجم: هروئین
۵۲ روش استعمال آن:
۵۲ اثر ناشی از آن:
۵۳ بحث ششم: قات
۵۳ روش استعمال آن:
۵۳ اثرات قات:
۵۵ بحث هفتم: کوکائین

۵۵	روش استعمال آن:
۵۵	اثرات کوکائین:
۵۶	بحث هشتم: بنگ
۵۷	بحث نهم: جوز بویا
۵۷	روش استعمال آن:
۵۷	اثرات جوز بویا:
۵۸	بحث دهم: مواد استنشاقی
۵۸	روش استعمال:
۵۸	اثرات این مواد:
۵۹	بحث یازدهم: تقسیم‌بندی اعتیادها و معتادان
۵۹	الف- استعمال آزمایشی:
۵۹	ب- استعمال موقت:
۶۰	ج- استعمال منظم:
۶۰	د- استعمال بسیار (اجباری):
۶۰	دسته‌بندی معتادان:
۶۰	الف- استعمال کنندگان به صورت آزمایش:
۶۰	ب- استعمال کنندگان موقت:
۶۰	ج- استعمال کنندگان منظم:
۶۱	د- استعمال کنندگان اجباری:
۶۳	بخش سوم: آثار مواد مخدر بر امت اسلام
۶۴	تمهید در آثار مواد مخدر بر امت اسلامی
۶۵	بحث اول: در بیان ضررهای دینی مواد مخدر

۶۸.....	بحث دوم: در بیان ضررهای بهداشتی مواد مخدر.....
۶۸.....	۱- مسمومیت الکلی:.....
۶۹.....	۲- ضعیف شدن سلول‌های پوسته مغز:.....
۶۹.....	۳- ضعف سلول‌های مخچه:.....
۶۹.....	۴- انحلال نخاع ستون فقرات:.....
۷۰.....	۵- حمله‌های مغزی - جگری:.....
۷۰.....	۶- التهاب (سوزش) اعصاب گوناگون:.....
۷۰.....	۷- التهاب عصب چشم که منجر به نابینایی می‌شود:.....
۷۰.....	۸- سوزش بلعوم:.....
۷۱.....	۹- سرطان مجرای طعام (مری):.....
۷۱.....	۱۰- استفراغ:.....
۷۱.....	۱۱- از بین رفتن اشتهای غذا:.....
۷۱.....	۱۲- سوزش روده‌های بزرگ و کوچک:.....
۷۲.....	۱۳- بزرگ شدن طحال:.....
۷۴.....	بحث سوم: در بیان ضررهای اجتماعی مواد مخدر.....
۷۸.....	بحث چهارم: ضررهای اقتصادی مواد مخدر.....
۸۱.....	بحث پنجم: در بیان ضررهای سیاسی مواد مخدر.....
۸۳.....	بحث ششم: ضررهای امنیتی مواد مخدر.....
۸۵.....	بحث هفتم: ضررهای روانی مواد مخدر.....
۸۷.....	بخش چهارم: حکم مواد مخدر در اسلام و حکمت تحریم آنها.....
۸۸.....	تمهید حکم مواد مخدر در اسلام.....

بحث اول: آیا این مواد نشئه‌آور مسکراند یا مخدر؟ ۸۹

قول اول: ۸۹

قول دوم: ۹۶

بحث دوم: حکم مداوی با مواد مخدر ۱۰۱

قول اول: ۱۰۲

۱- شیخ الإسلام ابن تیمیه: ۱۰۲

۲- ابن قیم رحمته: ۱۰۲

۳- ابن حجر هیتمی: ۱۰۳

قول دوم: ۱۰۴

۱- علامه نووی: ۱۰۴

۲- علامه ابن عابدین: ۱۰۴

۳- علامه قرافی: ۱۰۵

۴- علامه دسوقی: ۱۰۵

۵- خطاب: ۱۰۵

۶- زرکشی: ۱۰۵

۷- ابن حزم: ۱۰۶

بحث سوم: در بیان دلایل تحریم مواد مخدر ۱۰۸

منابع استدلال بالسنة: ۱۱۳

منابع اجماع: ۱۱۴

منابع از قیاس: ۱۱۶

بحث چهارم: در باره حکم کشت و زراعت مواد مخدر و تجارت آن^۱ ۱۱۷

بحث پنجم: در باره حکمت تحریم مواد مخدر ۱۲۰

بخش پنجم: در باره اقوال و فتاوی علماء در باره مواد مخدر ۱۲۷

۱۲۸	اقوال و فتاوی اهل علم نسبت به مواد مخدر
۱۳۵	بخش ششم: در داستان‌هایی واقعی از معتادان مواد مخدر
۱۳۶	مواد مخدر
۱۳۷	داستان اول:
۱۳۷	داستان دوم:
۱۳۷	داستان سوم:
۱۳۸	داستان چهارم:
۱۳۸	داستان پنجم:
۱۳۹	داستان ششم:
۱۴۰	بخش هفتم: مبارزه اسلام با مواد مخدر
۱۴۱	تمهید
۱۴۱	مبارزه اسلام با مواد مخدر:
۱۴۲	بحث اول: مبارزه با مواد مخدر از راه پرهیز و پیشگیری
۱۴۲	مطلب اول: توجه به تربیت فرد، خانواده و جامعه
۱۴۳	اول: دستور به انتخاب خوب در ازدواج:
۱۴۳	۱- همسر باید مسلمان باشد:
۱۴۴	۲- زن و شوهر هر دو باید متدین باشند:
۱۴۴	۳- هریکی از زن و مرد برای خود چنان همسری را انتخاب کند که خانواده‌اش به اصالت، شرف، صلاح و پاکیزگی معروف باشد:
۱۴۵	دوم: معاشرت خوب زوجین با یکدیگر:
۱۴۶	سوم: حل مشکلات خانوادگی در فضای خاص خانوادگی:
۱۴۸	مطلب دوم: در برانگیختن بر کسب حلال و مبارزه با بیکاری
۱۵۰	معالجه اسلام برای انگیزه‌های بیکاری:

- مطلب سوم: کاشتن نهال ارزش‌های اسلامی و تبلیغ عمومی ضررهای مواد مخدر ۱۵۱
- بحث دوم: در مبارزه با مواد مخدر به طریق معالجه ۱۵۳**
- مطلب اول: مداوی با عبادت ۱۵۳
- مطلب دوم: عقوبت (مجازات) ۱۵۵
- تعریف عقوبت: ۱۵۵
- عقوبت اصطلاحی: ۱۵۶
- اقسام عقوبت: ۱۵۷
- کیفر معتاد، توزیع‌کننده، قاچاقچی و کاشت‌کننده مواد: ۱۵۸
- نخست کیفر معتاد: ۱۵۸
- قول اول: ۱۵۹
- قول دوم: ۱۵۹
- قول راجح: ۱۶۰
- ثانیاً عقوبت ترویج‌دهنده: ۱۶۰
- مرحله سوم عقوبت سوداگر مرگ: ۱۶۱
- مرحله چهارم عقوبت کشاورز: ۱۶۱
- مطلب سوم: کوشش‌های انجام شده در مبارزه با مواد مخدر ۱۶۲
- نخست، برگزاری کنفرانس‌ها و معاهده‌های جهانی برای مبارزه با مواد مخدر: ۱۶۲
- ثانیاً، انجمن‌ها و مراکز دولتی برای مبارزه با مواد مخدر: ۱۶۳
- ۱- انجمن مواد مخدر ۱۶۳
- ۲- هیئت نظارت‌های کشوری بر مواد مخدر ۱۶۴
- ۳- صندوق بین‌المللی برای مبارزه با به کار بردن مواد مخدر ۱۶۴
- ۴- سازمان بهداشت جهانی ۱۶۴
- سوم، مراکز عربی برای مبارزه با مخدرات: ۱۶۴

چهارم، مرکزها و هیئت‌های فعال در کشور عربستان سعودی در میدان مبارزه با مواد مخدر:	
۱۶۵.....	
۱- اداره کل مبارزه با مواد مخدر:.....	۱۶۶
۲- اداره کل گمرک‌های کشور:.....	۱۶۶
۳- سلاح حدود:.....	۱۶۷
۴- مراکز بحث‌های مبارزه با جرم:.....	۱۶۷
۵- وزارت بهداشت:.....	۱۶۷
۶- وزارت ارشاد:.....	۱۶۸
۷- هیئت‌های امر به معروف و نهی از منکر:.....	۱۶۸
بخش هشتم:	۱۷۱
خاتمه	۱۷۲
ضمیمه	۱۷۵
فتوای علمای اهل سنت در باره‌ی حرمت مواد مخدر.....	۱۷۵
استفتاء:.....	۱۷۵
الجواب مبسلاً ومحمدلاً ومصلیاً ومسلماً:.....	۱۷۵
حرف آخر	۱۸۲
تصدیقات علمای اهل سنت.....	۱۸۲

پیشگفتار مترجم

الحمد لله الذي أحل لنا الطيبات وحرم علينا الخبائث، والصلاة والسلام على خير خلقه محمد وعلى آله وصحبه أجمعين وبعد:

در زمان حاضر که مردم از معنویات کاملاً به دور و در مادیات غرق شده‌اند، و جز حب دنیا هدف و غرض دیگری در فکر و نظرشان نمی‌آید، برای رسیدن به این هدف شبانه روز در تگ و دو قرار گرفته‌اند و اندیشه حرام و حلال آن‌ها را به سوی راه‌های مشروع متوجه نمی‌کند؛ پس کل هم و غم بر این است که پول بدست بیاید ولو این که راه بدست آوردن آن نامشروع و ناجایز باشد. از اینجاست که می‌بینیم اغلب تاجران و کاسبان موازین شرعی و قوانین اسلامی را در معاملات نادیده گرفته دست به هر نوع معامله می‌زنند ولو این که آن از روی شرع ناجایز باشد و همچنین در بکارگیری وسایل زندگی، خورد و نوش، لباس، مرکب و غیره اهمیتی به حلال و حرام نمی‌دهند و به استعمال محرمات سرگرم‌اند، شراب‌نوشی از یک طرف، قماربازی و برد و باخت از طرفی دیگر، رباخواری و معاملات ربوی از یک سو، دزدی و راهزنی، قتل و کشتار، تصرف بر اموال دیگران و غیره از سوی دیگر که همه مردم در این امور چنان سرگرم و مستغرق هستند که روی تاریخ زمان جاهلیت پرده انداخته‌اند و جاهلیت فعلی خیلی بدتر از جاهلیت قبل از اسلام است، استعمال مواد خانمان‌سوز مخدر اعم از دودگرفتن، خوردن، استنشاق، تزریق و غیره یک حرکت ویرانگری است که نه تنها دامنگیر اهل کفر و شرک شده که جوانان مسلمان را نیز آلوده کرده است، نه تنها آلوده بلکه دشمنان اسلام آن‌ها را برای از بین بردن جوانان مسلمان آله حرب قرار داده‌اند، اگرچه علماء و اندیشمندان در سطح جهان متوجه شده‌اند که باید جلوی این سیلاب مخرب و ویرانگر گرفته و علمای اسلام از قرن ششم متوجه به آن شده و روی ضرر و زیان و حلت و حرمت آن‌ها بحث نموده‌اند، ولی شیوع و گسترش آن به وسیله

دشمنان اسلام در منطقه‌ی بلوچستان از حد بالا رفت و شایعاتی انجام گرفت که اگرچه استعمال آن حرام است، اما معامله آن اشکالی ندارد و این را به سوی علماء منسوب نمودند. لیکن علماء قبل از انقلاب اسلامی در ایران و اوایل انقلاب روی آن تبادل نظر نموده بر حرمت استعمال و معامله آن فتوی دادند، و مولانا ابراهیم دامنی مدظله در این باره رساله‌ای نوشتند. اما از آنجایی که مردم به سوی حلت و حرمت توجه ندارند گسترش آن روز افزون شد. لذا نیاز پدید آمد که فتوایی اجماعی از طرف علماء صادر گردد و روی این بحث شد، در این اثنا چشم اینجانب به رساله‌ای افتاد در زبان عربی به نام «المخدرات في الفقه الإسلامي» تألیف دکتر احمد طیار که از هر جهت جامع بود آن را به فارسی ترجمه و در آخر آن فتوای اجماعی علمای اهل سنت ملحق گردانیده شد؛ خداوند متعال آن را وسیله هدایت و بیداری نسل جوانان اسلام قرار دهد.

سید محمد یوسف حسین پور

از حوزه علمیه گشت سراوان

تقریظ جناب آقای شیخ صالح بن عبدالله الفوزان

الحمد لله رب العالمین، والصلاة والسلام علی نبینا محمد وعلی آله وأصحابه أجمعین وبعد:

خداوند متعال این انسان را آفرید و او را کرامت بخشید و با امتیازات بزرگی او را از بقیه مخلوقات ممتاز گردانید؛ از مهم ترین آن امتیازات، عقل و ادراک هستند که انسان به وسیله آن ها می تواند پروردگار خویش را پرستش کند، و در خوب ساختن اجتماعی که در آن زندگی می کند شریک باشد. از اینجاست که خداوند، عاقلان را مخاطب قرار داده و آن ها را به انجام وظیفه های بزرگی مکلف ساخته است که نفع آن ها به سوی خودشان و اجتماع شان به خیر و سعادت برمی گردد؛ و خداوند متعال چیزهایی را مخل عقل باشند از قبیل مسکرات، مخدرات و مضرات حرام قرار داده است، و برای استعمال کنندگان مسکر و مخدر و هر آنچه در حکم این هاست، و برای ترویج دهندگان این مواد و وارد کنندگان آن در کشورهای اسلامی سزاهای سنگین و عبرت آمیزی مقرر کرده است.

علماء در قدیم و در عصر حاضر با اهتمام، از این مواد پلید و زهرهای کشنده برحذر داشته اند و حکم شرعی را که باید در حق ارتکاب کنندگان این جرم اجرا شود، بیان کرده اند. همچنان که والیان امور مسلمین به پیگیری و اجرای این احکام شرعی اهتمام کرده اند. کما این که حکومت سعودی [که خداوند آن را به طاعت خویش عزت بخشد و بر توفیقات و هدایت آن بیفزاید] نیز به پیگیری و اجرای این احکام اقدام می کند.

از مهم ترین کتاب هایی که در این موضوع نوشته شده اند، کتابی است که برادرمان فاضل ارجمند جناب آقای دکتر عبدالله بن محمد الطیار در موضوع مواد مخدر و بیان نمودن انواع، ضررها و آثار بد آن بر فرد و جامعه، براساس معلومات موثق و احکام ثابت شرعی نگاشته است؛ این کتاب او سهم خوبی است در جلوگیری از این جرم خبیث و نصیحتی است برای امت. پس خداوند او را جزای خیر و ثواب بی شمار بدهد، و کوشش های او را مفید بگرداند،

و او را و ما را و بقیهٔ مسلمین را علم نافع و عمل صالح نصیب بفرماید. و صلی الله علی نبینا محمد و آله و صحبه اجمعین.

صالح بن فوزان بن عبدالله الفوزان

عضو هیئت علمای بزرگ

و عضو انجمن همیشگی افتاء

پیشگفتار مؤلف

ستایش مخصوص خداست که انسان را از سایر مخلوقات ممتاز ساخته و برتری داد، و چیزهای پاکیزه را برای او حلال و پلیدی‌ها را بر او حرام گردانید. خداوند می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْوَلَدِ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا﴾ [الإسراء: 70].

«به تحقیق که تکریم کردیم بنی آدم را و آن‌ها را در خشکی و دریا سوار گردانیدیم و روزی دادیم آن‌ها را از چیزهای پاکیزه و برتری دادیم آن‌ها را بر بسیاری از مخلوقات برتری دادنی».

و درود و سلام بر کسی که به عنوان رحمت برای جهانیان فرستاده شده است، آن کسی که در احادیث نورانی خویش می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ طَيِّبٌ لَا يَقْبَلُ إِلَّا طَيِّبًا»^(۱). «همانا خدا پاکیزه است و جز چیزهای پاک را نمی‌پذیرد».

و بعد:

این رساله‌ای است مختصر در باره مهم‌ترین و خطرناک‌ترین موضوع برای فرد و جامعه، آرزو دارم که بتواند در ساختن فرد صالح که تشکیل‌دهنده خشتی در ساختمان اجتماع و عضوی در امت که ایمان به خدا داشته باشد و تمام زندگی خویش را برای دینش صرف کند سهمیم باشد، آنچنان که خداوند متعال فرموده است: ﴿قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾^(۲) [الأنعام: 162].

(۱) - صحیح مسلم، ج ۲، ص ۸۵

(۲) - ترجمه: «بگو: بی گمان نمازم و عبادتم و زندگانی‌ام و مرگم [همه] در راه خداوند، پروردگار جهانیان است».

موضوع مواد مخدر چنان مشکلی است که تمام جهان شرق و غرب را به سوی خود متوجه کرده است، و خطر آن بر جهان اسلام مملوس است به ویژه جهان امروز که چنان زندگی می‌کند که گویا دهکده‌ای بیش نیست، هر نوع حادثه‌ای که در هر گوشه آن اتفاق افتد، کسانی که در گوشه دیگر آن زندگی می‌کنند از آن تحت تأثیر قرار می‌گیرند. با در نظر گرفتن این، بر مسلمین [اگر خواهان حفاظت نسل خویش هستند] لازم است که کوشش بیشتری برای محکم‌سازی نظارت قاطع بر محل‌های مشکوک و عناصر فساد به خرج بدهند.

همچنان که بر آن‌ها لازم است کوشش‌هایی پیاپی در توجیه و بیان و ارشاد داشته باشند تا این کوشش‌ها به هم پیوسته، سد محکمی در برابر مبلغین ضلالت و مروجین رذالت قرار گیرند.

همانا خداوند متعال حفاظت ضرورت‌های پنجگانه که عبارت‌اند از: دین، جسم، عقل، آبرو و مال را لازم قرار داده است.

(اما) مواد مخدر این ضرورت‌ها را منهدم کرده و از بین می‌برند؛ زیرا از اثرهای محسوس آن‌ها، این است که استعمال‌کنندگان آن‌ها نماز و روزه را ضایع کرده و بدون از شرم و حیا مرتکب سایر منکرات می‌شوند، (و بدین وسیله دین را از بین می‌برند). همچنان که نفوس را از بین می‌برند، بسا اوقات معتادان خودکشی می‌کنند، یا بعضی از آن‌ها بعضی دیگر را می‌کشد، آمارهای جهانی بر این موضوع بهترین شاهد هستند.

اما ضایع کردن مواد، عقل را برای هر عاقلی شناخته شده است، و آن کسی که عقلش غایب شود، نداشته مرتکب کارهایی می‌شود، و آبرویش برای او آسان و سبک می‌شود؛ و این امری است قابل مشاهده در جهان مواد مخدر و معتادان که آبروی‌شان از تمام مردم سبکتر است. و العیاذ بالله.

اما در باره اتلاف مال، هر چه می‌گویی بگو، چقدر ثروتمندانی بوده‌اند که به سبب استعمال مواد مخدر تنگدست شده‌اند، چقدر صاحبان منزل، آواره و بی‌خانمان شده و چقدر

اتومبیل دارانی، پیاده شده‌اند. بنابر همه این‌ها، (این کتاب را) به خاطر شریک شدن (در زدودن مواد مخدر تألیف نمودم) از خداوند بزرگ و قادر امیدوارم که این کتاب را در میزان نیکی‌هایم قرار دهد، و آرزو دارم که خوانندگان محترم از دعا‌های غایبانه مرا فراموش نکنند. و پیشنهادات و راهنمایی‌های لازم را از من دریغ نداشته باشند؛ چرا که انسان به تنهایی کم است اما با برادرانش بسیار می‌شود، و خداست هدایت کننده به سوی راه راست. و صلی الله علی سیدنا محمد و علی آله و صحبه أجمعین.

(دکتر) ابومحمد عبدالله بن محمد احمد طیار

شهر زلفی - ظهر روز چهارشنبه، ۲۱ / ۳ / ۱۴۱۱ هـ. ق.

تمهید در تعریف مخدر

نخست، تعریف لغوی مخدر:

مخدر مأخوذ از خدر است که به معنی ضعف و تنبلی و سستی می‌آید. زمانی می‌گویند: «تخدر العضو» که عضو شل گردد و نتواند حرکت کند. (خدر) از باب «سمع» می‌آید؛ گفته می‌شود: «خدر الشارب» آن هنگام که نوشنده شراب سست و ضعیف شود، و خدر بر تاریکی مکان نیز اطلاق می‌گردد. می‌گویند: «مکان أخدر وخدر» وقتی که مکان تاریک باشد؛ و از اینجاست که به تاریکی شدید «خدره» گفته می‌شود، و به هرآنچه جلو چشم را گرفته و حایل باشد می‌گویند: «أخدره».

و هرآنچه تو را پنهان کند به آن «خدر» گفته می‌شود و از همین «خدر الجارية» مأخوذ است، یعنی آن اتاقی که «دختر» در آن پنهان می‌شود. و می‌گویند: «خدر الأسد واخدر» یعنی، شیرکنام خویش را لازم گرفت. و خدره اکمه واخدره عرینه. یعنی، کنام او آن را پنهان کرد.

و خدر بر سردی نیز اطلاق می‌گردد؛ چنانکه می‌گویند: «ليلة خدره» به شبی که سرد باشد، و «يوم خدر» به روزی که سرد باشد.

خلاصه اینکه «خدر» بر معانی زیر اطلاق می‌گردد:

۱- تاریکی. ۲- سیر و سیاحت. ۳- چشم‌پوشی. ۴- سردی. ۵- لازم گرفتن چیزی. ۶- جایگزین شدن.

که همه این‌ها بزدلی، عقب‌ماندگی، سرگردانی، کودنی و بی‌غیرتی را به دنبال دارند، و تمام این معانی در معتاد به مواد مخدر متحقق می‌باشند؛ اعم از این که مواد مایع را استعمال کند یا جامد آن را.

تعریف اصطلاحی:

علامه قزاقی رحمته الله آن را چنین معرفی کرده است: «هي ما غيب العقل، والحواس دون أن يصحب ذلك نشوة أو سرور». یعنی، (مخدر آن چیزی است که عقل و حواس را مختل کند، بی آنکه نشئه و شادی دربر داشته باشد).

ابن حجر هیتمی فرموده است که آن عبارت است از: «تغطية العقل» (پوشاندن عقل) بدون از شدت طرب، زیرا این از ویژگی‌های مسکر مایع می‌باشد.

مصنف «عون المعبود» آن را چنین تعریف کرده است: «ما يغطي العقل دون حدوث طرب أو عريضة أو نشاط». (آن چیزی که عقل را بپوشاند بدون پیش آمدن طرب، عریده یا نشاط).

و در موسوعه فقهیه آمده است: «التخدير تغطية العقل من غير شدة مطربة» (تخدير پوشاندن عقل است، بی آنکه طربی شدید دربر داشته باشد).

خلاصه این که به هر ماده خام یا ساخته شده‌ای که بیدارکننده یا آرام‌بخش باشد و بدون غرض طبی بکار گرفته شده موجب اعتیاد گردد و به دنبال آن ضرر جسمی، اجتماعی و اخلاقی پدید آید، مخدر نامیده می‌شود.

و این تعریف شامل تمام انواع مواد مخدر فعلی و آنچه در آینده پدید آید، می‌باشد.

مناسبت بین معنی شرعی و لغوی:

از لابلای تعریف اخیر روشن می‌گردد که بین معنی شرعی و معنی لغوی ارتباطی تنگاتنگ وجود دارد، زیرا معنی لغوی عبارت از: ضعف، کسالت، فتور، تاریکی و پنهانی است، و معنی شرعی نیز شامل همه این‌هاست. بنابراین، معنی شرعی با معنی لغوی هم آهنگی کامل دارد.

اما بعضی از دانشمندان در قبال یکی بودن مشروبات مسکر و بقیه مواد مخدر بر دو گروه تقسیم شده‌اند:

گروهی تمام این مواد اعم از حشیش، افیون، بنگ، و امثال این‌ها و مشروبات نشه‌آور را در یک حکم قرار داده‌اند؛ زیرا که این همه را نشه‌آور گفته‌اند.

از سرشناسان این گروه، می‌توان ابن تیمیه، حافظ ابن حجر و امام ذهبی را نام برد. گروهی دیگر این مواد را مفتر قرار داده‌اند که خاصیت آن‌ها فقط در سست و شل گردانیدن و از حرکت بازداشتن اعضا پدید می‌آید نه در پنهان کردن عقل، از حامیان این گروه می‌توان مؤلف «عون المعبود» را نام برد. او می‌گوید: خدر عبارت از آن ضعف و سستی در بدن است که برای نوشنده شراب پیش از سکر پدید می‌آید، چنانکه ابن اثیر در «النهایه»^(۱) تصریح کرده است.^(۲)

اما پس از نظر دقیق و عمیق بر وقایع معتادان، چاره‌ای نیست جز این که بر قول گروه اول مراجعه شود که این را شخصاً خودم به هنگام مصاحبه به بعضی از زندانیان معتاد ملاحظه کردم، و آنان برایم توضیح دادند که بسا اوقات تأثیر مواد مخدر بالاتر از تأثیر مسکر می‌باشد.

به هر حال تأثیر مسکر و مخدر در یک شخص فرق می‌کند، اما در شخصی دیگر فرقی ندارند. همچنین از نظر کمیت در بعضی فرق می‌گذارند و در بعضی خیر. ولی آنچه بدون منازعه مسلم است، این است که تأثیر مواد مخدر از تأثیر مسکر اگر بالاتر نباشد کمتر هم نیست.

(۱) - النهایة فی غریب الحدیث ج ۲، ص ۱۳.

(۲) - عون المعبود، ج ۱۰، ص ۱۲۹.

بخش اول:

تاریخ ظهور مواد مخدر و اسباب گسترش آنها

این بخش شامل دو بحث است:

بحث اول: در تاریخ ظهور مواد.

که شامل ۳ مطلب است:

مطلب اول: تاریخ ظهور مواد مخدر در جهان.

مطلب دوم: تاریخ ظهور آن در کشورهای اسلامی.

مطلب سوم: تاریخ ظهور آن در کشور عربستان سعودی.

بحث دوم: در اسباب و وسایل گسترش آن.

بحث اول: در تاریخ ظهور مواد

مطلب اول: تاریخ ظهور و گسترش مواد مخدر در جهان

از بررسی تاریخ ظهور مواد مخدر واضح می‌گردد که از دیر زمانی است که در جهان مورد استعمال قرار گرفته است، ولی توجه به آن در قرون اخیر به صورت بی‌سابقه‌ای رو به افزایش است، به گونه‌ای که اصلاح طلبان، سیاستمداران و مربیان را در عالم حیرت و پریشانی قرار داده است، لذا برای جلوگیری از گسترش آن حدودی مقرر کرده‌اند.

اگر از تاریخ استعمال مواد مخدر بررسی عمیقی به عمل آید، معلوم می‌گردد که میلیون‌ها نفر دست به استعمال مواد مخدر طبیعی بوده است؛ و از زمان‌های بسیار دور نسبت به استعمال آن افراط شده است. تاریخ تریاک بیش از چهار هزار سال پیش از میلاد مسیح السلامه است؛ زیرا لوحه‌ای از سومری‌ها بدست آمده است که دال بر این است، و سومریان آن را گیاه سعادت می‌نامیدند.

در اوایل قرن نوزدهم یک شیمی دان آلمانی که به نام «آقای ترونر» خوانده می‌شد، توانست مرفین را از ماده‌ی تریاک جدا سازد. و این نام را به نسبت «مورفیوس» یعنی معبود احلام و افسانه‌های یونان قدیم، بر آن گذاشته است.

بعدها مرفین در جنگل‌های داخل آمریکا برای تخفیف دردهای ناشی از جراحات‌های جنگ بکار گرفته شد، اما چون پزشکان ملاحظه کردند که استعمال‌کنندگان این دارو به آن معتاد شدند، آن را به «مرض ارتش» نام‌گذاری کردند.

و در سال ۱۸۸۹ م یک دانشمند انگلیسی توانست مرکب «دای استیسل مرفین» را شناسایی کند. وی آن را از مرفین استخراج کرد که بعداً برای معالجه معتادان مرفین به کار

گرفته شد و در بازار به نام «هروئین» فروخته شد، اما متوجه نشدند که خطر آن به مراتب بیشتر از مرفین است.

و حشیش از ۲۷۰۰ سال پیش از میلاد نزد هندیان و چینیان شناخته شد.

و **کوکابین** ۵۰۰ سال پیش از میلاد مسیح در آمریکای جنوبی شناخته شد که در آنجا برگ‌های بوته **کوکا** را می‌جویدند.

و تاریخ **قات** به سال ۵۲۵ م برمی‌گردد که آن را اهل حبشه در جنوب شبه جزیره عربستان وارد کردند^(۱).

مطلب دوم: ظهور و گسترش مواد مخدر در کشورهای اسلامی

به طور دقیق نمی‌توان آغاز ظهور مواد مخدر در کشورهای اسلامی را تخمین زد، زیرا منابع در دست، نسبت به تاریخ ظهور آن در بلاد مسلمین اختلاف دارند.

شیخ الإسلام ابن تیمیه معتقد بر این است که آغاز ظهور حشیش در بین مسلمانان در اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم می‌باشد، آنگاه که دولت تاتاری‌ها غلبه پیدا کرد، ظهور حشیش همراه بود با غلبه شمشیر چنگیز خان مغول بر کشورهای اسلامی که در اثر بروز گناهان به وقوع پیوست.

رأی امام زرکشی بر این است که تاریخ ظهور حشیش به سال ۵۵۰ هـ برمی‌گردد. او می‌گوید: «گفته شده که ظهور آن بر دست حیدر در حدود سال ۵۵۰ بوده است، از این سبب آن را «حیدریه» نامیده‌اند. صورت ظهورش این است که چون حیدر از همراهانش فرار نمود، سرگردان با این بوته برخورد نمود و دید که بدون وجود باد برگ‌هایش تکان می‌خورند، با خود فکر کرد که این راز در درون آن نهفته است. سپس از برگ‌هایش کند و

(۱) - المخدرات والعقاقیر المخدرة، چهارمین کتاب از سلسله کتب مرکز ابحاث جرم در کشور (عربستان سعودی) ص ۶۷ و ما بعد آن.

و جحیم المخدرات، از: استاد یوسف عربی، ص ۱۷-۱۸.

خورد، و هنگامی که به سوی یارانش برگشت، به آن‌ها اطلاع داد که او در آن رازی نهفته دیده است، و آنان را به خوردنش دستور داد»^(۱).

اما ذهبی می‌گوید: نخستین ظهور تاتاریان در کشورهای اسلامی در سال ۶۰۶ هـ بوده است^(۲).

مقریزی بر این باور است که ظهور حشیش در سال ۶۱۸ هـ به وسیله حیدر مرشد فقرای متصوفه پدید آمد و به این سبب آن را «حشیشه الفقراء» گفته‌اند^(۳).

اما ابن کثیر رحمه الله در حوادث سال ۴۹۴ هـ می‌نویسد: حسن بن صباح رهبر طایفه حشاشین، دو ماده جوز و شونیز را با غسل آمیخته به کسانی می‌داد که دعوت او را می‌پذیرفتند تا مزاج آن‌ها سوخته و مغزشان فاسد گردد و از او اطاعت کنند و حتی بیشتر از اطاعت پدر و مادر مطیع او باشند. پس به وقت ظهور این طایفه این نوع از مخدرات شناخته شد^(۴).

به هر حال، چه مسلمانان از قدیم با مواد مخدر آشنا شده باشند و چه به تازگی، مهم‌تر از همه آن وضعیتی است که اکنون به آن مواجه شده‌اند و همه مردم چون ملخ بر آن روی آورده‌اند چه از نظر کشت و چه از نظر تجارت و استعمال.

علت همه این‌ها دوری از منهج الهی، انحراف از صراط مستقیم و سرازیر شدن آنان به سوی دنیا و لذت و شهوات آن است. کسانی در طول و عرض ممالک اسلامی پیدا شده‌اند که در ترویج و گسترش این سم قاتل از پا نمی‌نشینند، و سعادت موهوم آنی خویش را بر بدبختی و هلاکت دیگران بنا می‌کنند.

هرکسی که دست به این سم مهلک بزند، چه از نظر کشت، و تجارت و خرید و فروش و چه از نظر استعمال، در حق خود و جامعه مرتکب جرم شده است و باید جلو دست او را

(۱) - زهر العریش فی تحریم الحشیش، تألیف: بدرالدین زرکشی، تحقیق احمد فرج، ص ۹۰.

(۲) - دول الإسلام، شمس الدین ذهبی، ج ۲، ص ۱۱.

(۳) - الخطط للمقریزی، ج ۲، ص ۵۱۷.

(۴) - البدایه والنهایه لابن کثیر، ج ۱۲، ص ۱۵۹.

گرفت حتی اگر به مرگ او تمام شود، تا جامعه در امن قرار گیرد و بازیگران مجرم آن را ملعبه خویش قرار ندهند.

شیخ محمد بن حسین مالکی می‌گوید: «ائمه مجتهدین و علمای دیگر سلف بر گیاه معروف به حشیش بحث نکرده‌اند، زیرا در زمان آنان وجودی نداشته است، و هنگامی که در اواخر قرن ششم پدید آمد و در قلمرو تاتاریان گسترش یافت، مورد بحث علماء قرار گرفت. علقمی در شرح جامع گفته است: حکایت کرده‌اند که مردی عجمی به قاهره آمد و بر حرمت حشیش دلیل خواست، و برای این موضوع جلسه‌ای برگزار کرد که علمای آن زمان در آن حضور بهم رسانیدند. حافظ زین الدین عراقی رحمته الله به حدیث حضرت ام سلمه رضی الله عنها «نَهَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَنْ كُلِّ مُسْكِرٍ وَمُفْتَرٍ» یعنی، «رسول خدا ﷺ از استعمال هر مسکر و مفتر (سست‌کننده) نهی فرمود». استدلال کرد و حاضرین در جلسه را در شگفت آورد...»^(۱).

(۱) - تهذیب الفروق بهامش الفروق، ج ۱، ص ۲۱۶.

مبحث دوم: اسباب گسترش مواد مخدر

این مبحث حاوی یک تمهید و ده مطلب است:

- مطلب اول: ضعف مانع دینی.
- مطلب دوم: بی‌کاری و فراغت وقت.
- مطلب سوم: هم‌نشینی با افراد ناباب.
- مطلب چهارم: گرفتاریها و مشکلات خانوادگی.
- مطلب پنجم: سیر و سیاحت و سفر به کشورهای خارجی.
- مطلب ششم: کار گرفتن از افراد بیگانه.
- مطلب هفتم: فقر و تنگدستی.
- مطلب هشتم: تقلید کورکورانه.
- مطلب نهم: شایعه بعضی از افکار نادرست و دروغین در بارهٔ مواد مخدر.
- مطلب دهم: استعمار.

اسباب زیادی وجود دارد که در گسترش مواد مخدر کمک می‌کنند، بعضی از این اسباب اجتماعی، و برخی اقتصادی و مقداری شخصی است. بعضی از این اسباب ملموس و مشاهد هستند که تأثیر آن‌ها در مجتمع واضح است، و بعضی دیگر غیر ملموس‌اند که آن‌ها را فقط متخصصین و خبرگان می‌دانند. من در اینجا فقط آن اسبابی را ذکر می‌کنم که کمک آن‌ها در گسترش مواد مخدر به مشاهده من رسیده است، بیشتر این‌ها را از کسانی دریافت کرده‌ام که به خاطر این سم مهلک دستگیر و بازداشت شده‌اند، لذا من آن اسباب را به خدمت خوانندگان محترم عرض می‌کنم.

مطلب اول: ضعف موانع دینی

شاید بارزترین سبب استعمال مواد، ضعف مانع دینی استعمال‌کنندگان است، زیرا شخصی که متمسک به دین باشد، بسیار بعید است که دست به مواد مخدر بزند و با خرید و فروش آن را گسترش دهد، دست به قاچاق بزند یا شخصاً آن را استعمال کند؛ زیرا وقتی کسی با خداوند ارتباط داشته باشد و عبادات فرضی از قبیل نماز، روزه، زکات، حج و سایر عبادات را انجام دهد، امکان ندارد ارتباطی با مواد مخدر داشته باشد، زیرا این راه، راه شیطان است و ممکن نیست کسی که راه رحمان را برگزیده، به راه شیطان بازگردد. اما هرگاه، کسی هراندازه از مسجد دور و از مجالس خیر گوشه‌گیر و از تربیت بزرگان کناره‌گیری کند، غالباً به مواد مخدر و راه‌های گمراهی نزدیک می‌شود، آیا پدران (اولیاء)، مربیان و اهل قلم مسئولیت خود را درک می‌کنند تا با آن جامعه را به تمسک به دین و داشتن و به سوی پروردگارشان رهنمون شوند و راه خیر و صلاح را به آن‌ها نشان دهند. امیدوارم که چنین خواهند کرد.

خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ﴾ [العنکبوت: 45]. «بدون شک، نماز از فحشا و منکر باز می‌دارد».

و رسول خدا ﷺ فرموده است: «زانی، دزد و شراب‌خوار با وجود داشتن ایمان دست به این کارها نمی‌زنند»^(۱).

مطلب دوم: بیکاری و فراغت وقت

مسلمان متدین وقتی این کلمه (بیکاری) را می‌شنود که در بین صفوف جوانان رد و بدل می‌شود، به ویژه در هنگام تعطیلات تابستانی در حیرت می‌افتند، زیرا مسلمان تعطیلی ندارد، و چگونه می‌تواند تعطیلی داشته باشد، در صورتی که تمام اوقات زندگی او از رفت و آمد، خورد و نوش، خواب و بیداری به عبادت می‌گذرند؛ و کسی که چنین وضعیتی داشته باشد، چه وقت فارغ و بیکار می‌شود؟! در حالی که خداوند می‌فرماید: ﴿قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٦٢﴾ لَا شَرِيكَ لَهُ ۚ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ ﴿١٦٣﴾﴾ [الأنعام: 162-163].

«بگو که نماز و حج و زندگانی و مرگ من برای خداست که پروردگار جهانیان است، شریکی ندارد و به این امر شده‌ام و من نخستین مسلمانم».

ولی با وجود این، ما با کمال تأسف می‌گوییم که فراغت و بیکاری یکی از مهم‌ترین اسباب روی آوردن به مواد مخدر می‌باشد، چه این فراغت از تحصیل علم و دانش باشد و یا بی‌کاری دیگری...

آمارها و تحقیقات بلکه مصاحبه‌های دوره‌ای با زندانیان ثابت کرده‌اند که بیشتر آنها (زندانیان) کسانی هستند که تازه به بلوغ می‌رسند و ارزش وقت را نمی‌دانند و شناخت اشتغال به کارهای مفید را ندارند. از این سبب است که شکار آنها و گیر افتادنشان در دام مواد مخدر بسیار ساده و آسان است، و این امری محسوس و ملموس است. شاعر (ابوالعاهیه) چه خوب سروده است:

إن الفراغ والشباب والجدة مفسدة للمرءای مفسدة

(۱)- صحیح بخاری، ج ۸، ص ۱۹۶ و صحیح مسلم، ج ۱، ص ۵۴.

ترجمه: (همانا بیکاری، جوانی و ثروت برای انسان مفسده‌ای بزرگ هستند).
و پیش از این رسول خدا ﷺ فرموده است: «نِعْمَتَانِ مَغْبُوءٌ فِيهِمَا كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ، الصَّحَّةُ وَالْفَرَاغُ»^(۱). یعنی، (دو نعمت به گونه‌ای است که بیشتر مردم در آن‌ها فریب خورده‌اند که تندرستی و فارغ‌البالی).

مطلب سوم: همنشینی با بدان

از وقایع زندگی نیز ثابت است که جوانان از یکدیگر اثر می‌گیرند و بر همدیگر اثر می‌گذارند، چه این تأثیر و تأثر در جانب مثبت باشد که به صلاح آنان تمام شود و یا در جانب منفی که به ضرر و هلاکت‌شان منتهی گردد.

نصوص بسیاری از قرآن و حدیث این مطلب را تأکید و توضیح داده است، خداوند متعال می‌فرماید: ﴿الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ﴾ [الزخرف: 67]. «دوستان در آن روز دشمن یکدیگرند مگر پرهیزکاران».

و می‌فرماید: ﴿وَيَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَلَيِّنَنِي أَنْتَ يَا رَسُولَ سَبِيلًا﴾ [الفرقان: 27-29]. «و روزی که می‌گزد ظالم دو دوست خود را، و می‌گوید: کاشکی می‌گرفتم همراه با رسول راهی، کاشکی نمی‌گرفتم فلان را دوست. او مرا باز داشت از ذکر پس از این که آمد پیش من».

رسول خدا ﷺ فرموده است: «مثال همنشین نیک و همنشین بد، مانند عطر فروش و دم‌کننده کوره آهن‌گری است که یا خود عطر فروش چیزی از آن به تو می‌دهد، یا خود از او می‌خرد و یا از او بوی خوشی به مشامت می‌رسد. ولی دم‌کننده دمه یا لباس‌هایت را می‌سوزاند و یا از او بوی بد به مشامت می‌رسد»^(۲).

(۱) - صحیح بخاری، ج ۸، ص ۱۰۹.

(۲) - صحیح بخاری، ج ۷، ص ۱۲۵ و صحیح مسلم، ج ۳، ص ۳۸.

شاعر عرب می گوید:

عن المرء لا تسأل وسل عن قرينه فكلّ قرين بالمقارن يقتدي
مپرس از مرد و می پرس از قرینش که باشد مقتدایش هم نشینش
چقدر جوانانی وجود دارند که به بدی و راه های آن آشنایی نداشته و هیچ ارتباطی با آن
ندارند، ولی به علت هم نشینی با بدان کم کم لغزش می خورند تا بالاخره در دام هلاکت
می افتند و جزئی از لشکر شیطان قرار می گیرند.

این نیز روشن است که هرگاه جوان در راه های معاصی به طور عموم و به ویژه در راه
مواد مخدر گام بردارد، به طور جدی می خواهد دیگران را هم در این دام بیفکند، حتی
برخی از آن ها پیروزی و شکست خود را در این به حساب می آورند که چقدر از همراهان
خویش را در این دام انداخته اند؛ و این چقدر مصیبت بزرگی است!

جوانی در یکی از زندان ها علت به زندان افتادنش را برایم چنین شرح داد:
«من با یکی از رفقایم گفتگو می کردم، او در بعضی از شب ها چند دقیقه ای از من پنهان
می شد. وقتی که علت غیبتش را جویا شدم، گفت: تو لذت و سعادت را نچشیده ای! و اگر
آن را می چشیدی، از من چنین جویا نمی شدی!

پس از بحث و مباحثات طولانی خواست تا راه لذت و سعادت را به من نشان بدهد که در
نتیجه ناگهان راه نهایت و نابودی را آغاز کردم و نتیجه ی کارم بدین جا (زندان) رسید که تو
می بینی».

مطلب چهارم: مشکلات خانوادگی

مشکلات خانوادگی یکی از اسباب مهم افتادن در دام اعتیاد است، زیرا اختلاف زن و
مرد در جلو فرزندان، وقوع طلاق و غیبت یکی از والدین، هریک در مبتلا ساختن افراد
خانواده به مواد مخدر اثر بسیار بزرگی دارد، چرا که هریک از این افراد می خواهد خود را
از این زندگی فلاکت بار خانوادگی برهاند.

به طور مثال، هرگاه بین پدر و مادر بر یکی از امور اختلافی پدید آید بهتر است که درگیری آنها دور از چشم فرزندان قرار گیرد، زیرا درگیری آنها در جلو فرزندان آثار معکوسی بجای می‌گذارد، و در جستجوی جوی قرار می‌گیرند که از این جو پرمشکل خانه آرامتر باشد، زیرا آنان با پدر، مادر را هرچند که رایش بر خطا باشد، خشمگین می‌سازد، و برعکس پیوستن آنان با مادر، موجب تنفر پدر از آنان می‌شود و گاهی دست به اقدام بسیار بدی می‌زند، بدینگونه که آنان را از خانه طرد می‌کند و اینجاست که [خدای نکرده] مصیبت واقع می‌شود.

و هم چنین است اگر درگیری منجر به طلاق شود؛ زیرا پدر در یک جهت به زندگی ادامه می‌دهد و مادر در جهتی دیگر، و در این بین فرزندان قربانی می‌شوند، زیرا اگر با پدر زندگی کنند، برخورد بدی از نامادری خواهند دید و اگر با مادر زندگی کنند، اغلب شاهد فشار و برخورد نامناسبی از ناپدیری خواهند بود.

ما نمی‌خواهیم با این بحث از اهمیت مشروعیت طلاق که برای بعضی از حالات یگانه راه علاج است، بکاهیم. ولی هدف ما این است که زن و مرد در هر خانواده فلسفه مشروعیت طلاق را درک کنند، تا این معالجه تبدیل به مرضی مهلک برای خانواده نشود که سبب از هم گسستن خانواده و پراکنده شدن فرزندان، بدون از ضرورت قرار نگیرد.

در هر حال، هرگاه فرزندان تحت فشار چنین جوی قرار گیرند، در تلاش جوی بهتر می‌شوند و اینجاست که دست‌های بد، آنان را به سوی مواد مخدر می‌کشاند و نابودی آنان آغاز می‌شود، بلکه چنان فاجعه و مصیبت‌هایی برای آنان و پدر و مادران شان واقع می‌شود که اصلاً در خیال آنان نبوده است.

هم چنین است غیبت والدین یا یکی از آن دو: آن فرزندانی که سرپرستی نداشته باشند، به آسانی در دام این سموم کشنده می‌افتند؛ زیرا خروج از خانه هر زمان و به هر کیفیتی که بخواهند برای آنها میسر است، بلکه با هرکسی بخواهند می‌توانند تماس برقرار کرده و رابطه داشته باشند، چرا که هیچکس مراقب آنها نیست و کسی آنها را دنبال نمی‌کند.

همچنین است برخورد نامناسب با فرزندان:

چنانکه مشاهده می‌کنیم در بعضی از خانواده‌ها والدین یا یکی از آنان در نوازش فرزندان و بر آوردن خواسته‌های آنان افراط می‌کنند، این روش آن‌ها را طوری بار می‌آورد که احساس مسئولیت نمی‌کنند و با پولی که در اختیار دارند هرچه بخواهند می‌خرند، مال در دست اولاد تربیت نیافته و نیخته نعمت و عذابی است، نه نعمت. از اینجاست که خداوند در باره یتیمان می‌فرماید: ﴿وَابْتَالُوا أَلْيَتَمَىٰ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ﴾ [النساء: 6].

«بیارماید یتیمان را تا برسند به سن نکاح، پس اگر احساس کردید از آنان رشدی بدهید به آن‌ها اموالشان را».

و برعکس گاهی مشاهده می‌شود که والدین یا یکی از آنان [به ویژه پدر] بر فرزندان فشار می‌آورند و ناآگاهانه به ضرب و شتم و بد و بی‌راه گفتن آنان می‌پردازند و آن‌ها را به باد مسخره گرفته برای‌شان ارزش قایل نمی‌شوند؛ بدون تردید اینگونه برخورد آنان را و می‌دارد تا در جستجوی فضایی قرار گیرند که در آن احساس گرمی، محبت و مهربانی داشته باشند؛ گاهی آن فضای تلاش شده، خود آلوده می‌باشد که این فرزندان ناآگاهانه در آن می‌افتند.

و از آن جمله یکی: تبعیض و تفضیل بعضی از فرزندان بر بعضی دیگر بنابر اسبابی است. این روش، در قلب آن فرزندی که تحقیر شده، داعیه‌ای پدید می‌آورد تا در جستجوی جایی دیگر که این کمبود را جبران کند، قرار گیرد. غالباً در این جستجوگیر دوستان ناباب می‌افتد، این اولین گام افتادن در دام مواد مخدر و فاجعه‌های آن است.

این‌ها مهم‌ترین گرفتاریها و مشکلات خانوادگی است که سبب لغزش خوردن در راه مواد مخدر قرار می‌گیرند. این واقعیتی است که من خود شخصاً آن را در لابلای ملاقات با زندانیان در زندان لمس کرده‌ام.

مطلب پنجم: سفر به خارج

بسا اوقات گسترش مواد مخدر در یک کشور از سفرکردن جوانان آن کشور به خارج صورت می‌گیرد، زیرا دشمنان اسلام در کشورهای کفر، به طوری جدی می‌خواهند فرزندان مسلمین را گمراه سازند.

بنابراین، هرگاه برای این دشمنان فرصت اغواکردن جوانان مسلمان بدست آید، از پا نمی‌نشینند. شاید مناسب‌ترین فرصت برای دشمنان اسلام سفرکردن جوانان مسلمان به کشورهای بی‌بند و بار و پرفساد است، چرا که این جوانان در دسترس آنها قرار گرفته و برای گمراه‌ساختن آنان به هر وسیله‌ی گمراه‌کننده‌ای دست می‌زنند که یکی از آن وسایل مواد مخدر است. اینجاست که جوان در دام مواد مخدر می‌افتد و برای به دست آوردن مواد به هر وسیله‌ای اقدام می‌کند؛ و آنگاه که به کشور خویش بازگردد، برای حصول آن با هر قیمتی حاضر به جان‌فشانی می‌شود. گاهی حصول مواد او را وادار می‌سازد تا متوسل شود به کسانی که در خارج او را گمراه کرده‌اند، و بدین وسیله خود او هم از قاچاقچیان مواد مخدر قرار می‌گیرد که این را نیز در برخورد با زندانیان لمس کردیم که آغاز آشنایی آنان با مواد مخدر در خارج از کشور بوده است و سرانجام تلاش مستمر آنان در داخل کشور آنها را به زندان انداخته است.

مطلب ششم: کُلفت‌های خارجی

خدمتکاران بیگانه به طور یقین از بزرگ‌ترین مصیبت‌هایی هستند که جامعه به آن مبتلاست؛ زیرا این خدمتکاران بیگانه عادات، اخلاق و تقلیدهای خود را منتقل می‌نمایند. توجه دارید در هر اجتماعی که زنی مربی، یا خدمتکار و کلفتی بیگانه در خانه‌ای وارد بشود، چه نقشی دارند با کودکانی که بیشترین وقت خود را با آنان می‌گذرانند تا والدین، از این زن مربی همه چیز یاد می‌گیرند، و در بسیاری از احیان او را بر مادر خود ترجیح می‌دهند. این خدمتکاران سبب اصلی ترویج و قاچاق مواد مخدر بوده و هستند، در این موضوع بحث نمی‌کنم چرا که آنان که به سبب این جرم دستگیر و بازداشت شده‌اند بسیاراند.

همانا نقش این مزدوران و کلفت‌ها، خطیر و نتایج آن در گذشته مشهور و معروف است. پس آیا به این توجه می‌کنیم و متنبه می‌شویم؟

مطلب هفتم: فقر و تنگدستی

واضح است که هرگاه جوان در خانه به اندازه‌ی کافی غذا و لباس نداشته باشد و کسی را نیابد تا بر زندگی کریمانه او را کمک کند، و در مقابل ببیند که دوستان او در عیش و عشرت زندگی می‌کنند و او در این بین محروم است، به نحوی که قوت روز و شام شب نیابد، بدون تردید این جوان مجبور به فرار از خانه می‌شود تا بدین وسیله کسی را بیابد که او را کمک کند، در این وقت رفقای سوء (بد)، بدکاران و سوداگران مرگ و تباهی را فرصت می‌رسد که او را به چنگ بیاورند، در آغاز او را کمک می‌کنند تا او را در دامی بیندازند که خود در آن افتاده‌اند.

مطلب هشتم: تقلید کورکورانه و هم‌نشینی با اجانب

تقلید در زندگی نوجوانان بسیار دیده می‌شود، کسی را که دوست داشته باشند و او را بهتر از خود تصور کنند از او تقلید و پیروی می‌کنند. جوان خوب از پدر، استاد و فلان عالم پیروی می‌کند؛ ولی جوان بد، از هنرپیشه‌گان، نوازندگان و افراد ویلگرد و بی‌بند و بار تقلید می‌نماید. شاعری چه خوب سروده است:

مشی — الطاووس یوماً باختیال	فقلده بمشیتیه بنهوه
وینشاً ناشیء الفتیان منا	علی ماکان عوده أبوه

ترجمه:

بشد طاووس روزی فاخرانه	در آن تقلید کردنش پسرها
جوانان نیز می‌گیرند نشأت	بر آن چه داده عادت‌شان پدرها

بدتر از همه این است که جوان از جرم پیشه‌گان و باندهای مجرم تقلید می‌کند، می‌بیند که جوان از فلان قاچاقچی مواد مخدر و یا فلان توزیع‌کننده پیروی می‌کند بدون آن که نسبت به عواقب این کار بیندیشد.

نباید فراموش کرد که هم‌نشینی و تعارف اثر بزرگی در آلوده‌شدن به مواد مخدر دارد، و این در عصر حاضر خیلی زیاد است.

بدترین هم‌نشینی آن است که به حساب دین و اخلاق باشد، بد نیست در اینجا خاطره‌ای از خود یادآور شوم که بر تأثیر هم‌نشینی در راه‌های گناه دلالت دارد.

من در یکی از فرودگاه‌های داخل کشور (عربستان سعودی) همراه با دو نفر نشسته بودم، با یکی از آن دو، کاملاً آشنا بودم و می‌شناختم که در زندگی خویش لب به سیگار نمی‌زده، اما آشنایی‌ام با دومی سطحی بود، ولی دوست صمیمی آن مرد آشنایم بود. وقتی که برای انجام کارهای نهایی بلیط سفر بخواستم و پس از مدت کوتاهی برگشتم، ناگاه دیدم که در دست آشنایم سیگاری هست، به او گفتم: این چیست؟... خواست آن را از من پنهان کند و بگوید که: من این را برای فلانی نگه داشته‌ام [در حالی که خود آن شخص سیگاری دیگر در دست داشت] من این موضوع را نادیده گرفتم؛ باز به جایی دیگر رفتم، او پشت سر من آمد و عذرخواهی کرد. به او گفتم: من تو را نفع و ضرری نمی‌رسانم، ولی متوجه هستی که گناهی را مرتکب شده‌ای؟! در جواب گفت: رفیقم بر من اصرار کرد و قسم خورد که من فقط یک سیگار بکشم، لذا من جهت تسلی خاطر او سیگار را در دست گرفتم. گفتم: سبحان الله! آیا در ارتکاب گناه هم خاطرداری هست؟ او شروع کرد، به قسم خوردن آن را در دهان نگذاشته است. به هر حال، این اثر هم‌نشینی است که به حساب دین و اخلاق پیش می‌آید.

مطلب نهم: شایعه بعضی افکار نادرست از مواد مخدر

بعضی از معتادان معتقداند که استعمال مواد، عمل جنسی را تقویت می‌کند؛ برخی دیگر عقیده دارند که از آن شادی و سرور به دست می‌آید. ولی همه این‌ها افکاری دروغین هستند؛ زیرا مواد مخدر عمل جنسی را تضعیف می‌کند، اما این امر بر معتاد مشتبه قرار گرفته

است که نمی‌تواند به حقیقت زمان پی ببرد، زیرا نزد او یک دقیقه و یک ساعت مساوی معلوم می‌شود، پس او در این حالت فکر می‌کند که زمان انجام عمل جنسی طولانی است. همچنین در استعمال مواد مخدر هیچگونه شادی و سروری وجود ندارد، بلکه بدبختی و شقاوت را در طول عمر به دنبال دارد، و اگر آن جز بیکاری، بدرفتاری با دیگران و دوری از اهل و عیال را به دنبال نمی‌داشت، تنها همین مصیبت‌ها کافی بود، اما مخالفان اسلام می‌خواهند اینگونه افکار نادرست نسبت به مواد مخدر را بیشتر گسترش دهند تا کالاهای خود را رواج داده و به هر وسیله‌ای که شده به شکار خود دست یابند.

مطلب دهم: استعمار

بسیاری از کشورهای اسلامی با آرامش کامل زندگی می‌کردند که از هیچ راهی از مواد مخدر اطلاع نداشته اما استعمار در گسترش آن در کشورهای اسلامی با هر وسیله‌ای پیش رفت، بلکه حتی بر کشت آن در ممالک اسلامی کمک کرد. بهترین مثال آن، فعالیت است که بریتانیا در هند انجام داده و مردم را به کشت خشخاش در کل کشور وادار نمود. از اینجاست که می‌بینیم کشورهای که خداوند آن‌ها را از استعمار محفوظ نگاه داشته است، گسترش مواد در آن‌ها بالنسبه بسیار کم است. به هر حال، در هر کجا که استعمار داخل و خارج شده است، اهل آن را در جرایم و مشکلات گوناگون مبتلا کرده است، و همین اسم [استعمار] برای تمثیل استعباد (برده گرفتن) تذلیل و به وحشت انداختن کافی است. در اینجا اسباب بسیار دیگری نیز وجود دارد، مانند مشکلات وضعیت کارها، عدم توجه به سوی خدا ﷻ در مصایب و شداید، کثرت مواد، فرار از مرض روانی و عضوی، دعوت مغرضانه، گسترش بیکاری، گسترش فیلم‌های مبتذل، مشقت‌های غربت و دوری از اهل و عیال، محیط نامناسب، زندان‌ها در بعضی از کشورهای اسلامی؛ زیرا آن‌ها محل برای گسترش مواد می‌باشند، و نبودن سزای مناسب ریشه‌کن کننده در بسیاری از کشورهای اسلامی.

این‌ها بارزترین اسباب ظاهری هستند، امکان دارد اسباب دیگری نیز وجود داشته باشد که ما به آنها پی نبرده‌ایم. از خداوند می‌خواهیم که ما را و فرزندان ما و جوانان مسلمان را از این مرض مهلک در امان خویش مصون نگه دارد.

بخش دوم:

اقسام مواد مخدر

این فصل شامل یازده (۱۱) مبحث می باشد:

بحث اول: دسته بندی های مواد مخدر.

بحث دوم: در باره حشیش.

بحث سوم: در باره تریاک (افیون).

بحث چهارم: در باره مورفین.

بحث پنجم: در باره هروئین.

بحث ششم: در باره قات.

بحث هفتم: در باره کوکائین.

بحث هشتم: در باره بنگ.

بحث نهم: در باره جوز بویا (جوزة الطیب).

بحث دهم: در باره مواد استنشاقی (مذیبات طائره).

بحث یازدهم: در باره دسته بندی استعمال مواد و معتادان.

بحث اول:

در بارهٔ اقسام مواد مخدر

مواد مخدر انواع بسیار و دسته‌بندی‌های گوناگونی دارد که به مشکل می‌توان آن‌ها را در تقسیم و دسته‌بندی منحصر کرد، زیرا صنعت شیمی و داروسازی هرروز برای ما ده‌ها نوع ترکیب که بر حسب تأثیر و نوع ترکیب و غیره باهم تفاوت دارند مطرح می‌کند. در اینجا نمونه‌هایی از آن‌ها را یادآور می‌شوم تا برای خوانندگان محترم تسهیلی به دست آید، سپس به تعریف مهم‌ترین و گسترده‌ترین آن‌ها اقدام خواهم نمود.

نخست انواع آن‌ها از روی رنگ:

از این جهت مواد مخدر به انواع زیر دسته‌بندی می‌شوند:

الف- مواد مخدر سفیدرنگ مانند کوکائین و هروئین.

ب- مواد مخدر سیاه‌رنگ مثل تریاک و حشیش.

ثانیاً- دسته‌بندی مواد مخدر طبق روش تولید:

الف- مواد مخدر طبیعی:

و آن‌ها موادی هستند که از نباتات استخراج می‌شوند، مانند حشیش و تریاک و نبات

درخت «کوکا و نبات قات»

ب- مواد مخدر مصنوعی:

که از مواد مخدر طبیعی ساخته می‌شوند، سپس روی آن‌ها عملیات شیمی بسطی انجام می‌شود که آن‌ها را به رنگ‌های مختلف دیگری درمی‌آورد، مانند مورفین، هروئین، کودائین، و کوکائین.

ج- مواد مخدر تخلیقی (ساختگی):

آن موادی هستند که نه به مواد طبیعی برمی گردند و نه به مواد مصنوعی، بلکه آن‌ها موادی هستند که از عناصر شیمیایی مرکب می شوند و دارای همان تأثیری هستند که مواد طبیعی و مصنوعی دارند؛ مانند: مواد خواب آور، مواد بیدار کننده، مواد آرام بخش و توهم زا.

ثالثاً- تقسیم بندی مواد مخدر به اعتبار تأثیر:

الف- اسباب نشئه، و آرام کننده حیات عاطفی:

مانند تریاک و فرآورده های آن (از قبیل مورفین، هروئین و کوکائین).

ب- توهم زاها:

مانند میسکالین، فطر بیتول، (قارچ بیتول) کنف هندی (شاه دانه هندی)، (چرس) فطر امانیت (قارچ امانیت) بلادون و بنگ.

ج- مسکرها:

مانند غول، ایثر، کلور فورم، بنزین و اول اکسید ازت.

د- خواب آورها:

مانند کلورال، باریتورات، بارد هیسد، سلفونال پرامید، پتاسیوم و کاو کاوا.

رابعاً- دسته بندی مواد مخدر از روی ویژگی های اعتیاد:

الف- مجموعه حشیش:

که مشتمل است بر پودرهای گیاه کنایس ساتیوا.

ب- مجموعه مرکبات:

افیون، مورفین، هروئین و همچنین داروهای مشابهی که عین تأثیر مجموعه فوق را دارند.

ج- مجموعه کوکائین:

که مشتمل است بر کوکائین و برگ‌های گیاه کوکا و آنچه از آن ساخته شده است.

د- مجموعه قات:

که حاوی مستحضرات نبات کاتا ایدیولیس.

ه- مجموعه آمفتامین‌ها:

که شامل آمفتامین و دیکسامفتامین است.

و- مجموعه مواد توهم زا:

شامل همانند «ال. سی. دی» (LCD) و سکالین است.

خامساً- دسته‌بندی مواد مخدر براساس بزرگی و کوچکی:

الف- مواد مخدر بزرگ:

آن‌هایی هستند که خطرشان به هنگام کاربرد آن‌ها و یا معتادبودن به آن‌ها بزرگ باشد، مانند: افیون، مورفین، کوکائین، هروئین، حشیش، ماری جوانا، و هند بای بیابانی.

ب- مخدرات کوچک:

و آنچه خطر کمتری دارد، مانند: داروهایی که به صورت معالجه پزشکی به کار گرفته می‌شوند، اگرچه بعداً این‌ها باعث اعتیاد و ضرر برای جسم و صحت قرار می‌گیرند، مانند: داروهای بیدارکننده، آرام‌بخش، مسکن، خواب‌آور، قات، کوکا، جوزبویا، نباتات مکزیکی، مواد استنشاقی بر ثیورات.

سادساً- دسته‌بندی مواد مخدر براساس زیر:

الف- موادی که وابستگی روانی و عضوی را سبب می‌شوند:

مانند تریاک مشتقات آن، مثل هروئین، مرفین و کوکائین.

ب- موادی که تنها وابستگی روانی را سبب می‌شوند:

مانند کوکائین، ام ویتامین‌ها، حشیش، مریونات، قات، داروهای توهم زا و مایعات فرار (استنشاقی).

این تقسیم‌بندی را دکتر محمد الحسین اختیار کرده و سپس گفته است: «...این تقسیم‌بندی اهمیت فوق‌العاده‌ای در شناسایی اندازه‌ی خطرات مواد مخدر و بیان مضرت‌ترین آن‌ها و کم‌ضررت‌ترین آن‌ها دارد».

بنابراین، موادی که سبب وابستگی روانی و عضوی باشد، ضررش نسبت به آنچه تنها سبب وابستگی روانی است، بیشتر خواهد شد^(۱).

این بارزترین مطلبی بود که این جانب راجع به دسته‌بندی مواد مخدر به آن پی بردم، لذا اکنون می‌خواهم آنچه را مهم‌تر و خطر بیشتری داشته باشد، به طور مختصر معرفی کنم.

(۱)- المخدرات والمواد المشابهة المسببة للإدمان، ص ۱۷...

بحث دوم:

حشیش و ماری جوانا

هریکی از حشیش و ماری جوانا از بوته کنف (شاهدانه) که به صورت گسترده‌ای در مناطق استوایی و معتدل کاشته می‌شود، به دست می‌آید.

حشیش: عبارت از شیرهای است که از قسمت‌های بالا و رشدکننده در گیاه و گل‌ها تراوش می‌کند، و **ماری‌جوانا** پودری است که از مخلوط برگ‌های متمر یا گلدار بوته کنف به دست آورده می‌شود.

تأثیر حشیش نسبت به ماری جوانا ۳ الی ۴ برابر بیشتر است.

روش استعمال:

هریکی از حشیش و ماری جوانا یا به تنهایی به صورت کشیدن دود آن‌ها و یا همراه با تنباکو استعمال می‌شوند، همچنان که گاهی در استعمال آن به صورت دود قلیان به کار گرفته می‌شود، در برخی از مجالس حشیش را با چای آمیخته میل می‌کنند و گاهی با حلوا و خوردنی‌های دیگر میل می‌گردد.

آثار پدیدآمده از این دو:

از اثر خطرناک آن‌ها تندشدن ضربان قلب، قرمزشدن چشم‌ها، خشکی دهان، لرزش دست‌ها، پایین آمدن فشار خون و سوزش دستگاه تنفسی است.

علامه ابن حجر هیتمی رحمته الله ضررهای زیادی برای حشیش ذکر نموده و فرموده است:

در خوردن آن صد و بیست ضرر دینی و دنیوی وجود دارد که از آن جمله می‌توان موارد

زیر را نام برد:

۱- نسیان را پدید می‌آورد.

- ۲- موت نابهنگام را به دنبال دارد.
- ۳- در عقل خلل و فساد ایجاد می کند.
- ۴- دندانها را از بین می برد.
- ۵- منجر به رعشه و لرزه بدن می شود.
- ۶- بیماریهای جذام، پسی و سل را ایجاد می کند.
- ۷- حیا و عفت را از بین می برد.
- ۸- مروت و احسان را نابود می کند.
- ۹- شب کوری پدید می آورد.
- ۱۰- ذکاوت و زیرکی را ضایع می کند.
- ۱۱- کثرت خواب و سستی به دنبال دارد.
- ۱۲- پرخوری ایجاد می کند.
- ۱۳- درد سر پدید می آورد.
- ۱۴- نسل را از بین می برد.
- ۱۵- منی را می خشکاند.
- ۱۶- نامردی پدید می آورد.
- ۱۷- به هنگام مرگ شهادتین را فراموش می گرداند^(۱).

(۱)- الزواجر، ج ۱، ص ۲۱۵.

بحث سوم: در باره افیون (تریاک)

تریاک مخدری است طبیعی که با روش شیمیایی ساخته می‌شود و از خطرناک‌ترین مواد مخدر بزرگ به حساب می‌آید. راه به دست آوردن آن، چنین است که در آغاز شب بر گرز خشخاش با تیغ یا ابزار تیز دیگری خراش‌هایی ایجاد می‌کنند که در نتیجه از آن شیرهای نرم و روان تا صبح می‌تراود و صبح آن را جمع‌آوری می‌کنند. مزه آن تلخ و اثرش مخدر و کشنده است و ساییده (پودری) آن در ترکیب بسیاری از داروهای پزشکی به کار می‌رود که از جمله، رنگ افیون و غیره می‌باشد. و از مهم‌ترین فراورده‌های آن مورفین، نارکوتین و شیبائین است.

روش استعمال آن:

بسا اوقات افیون به صورت قرص‌هایی پیچیده در برگ سیلوفان به فروش می‌رسد که طریقه استعمالش یا بلعیدن آن است، و یا آن را در مقداری قهوه یا چای حل کرده میل می‌نمایند. روش کشیدن دود آن بیشتر از راه سیگار یا جوزه یا قلیان است.

اثرات افیون:

هرگاه انسان معتاد به تریاک شود، آن جزئی از زندگی‌اش قرار می‌گیرد که جسم او نمی‌تواند بدون استعمال آن انجام وظیفه کند، و هرگاه که معتاد به آن دست‌رسی نداشته باشد، با دردهای شدیدی روبرو می‌شود، و صحت و تندرستی او رو به کاهش می‌گذارد. و این در تحلیل رفتن عضلات، ضعف حافظه کمی اشتها، پدید آمدن اضطراب (اختلال) در جگر، نیل‌گون شدن چشم، کندی تنفس و حرکت نبض، پایین آمدن درجه حرارت بدن و آثار خطرناک دیگری که از این وبای کشنده پدید می‌آید، ظاهر می‌گردد.

بحث چهارم:

در بارهٔ مرفین

مرفین از مشهورترین فراورده‌های افیون است، بلکه مرفین نسبت به افیون (تریاک) ثبات و ترکیز بیشتری دارد. بنابراین، حمل و نقلش آسان‌تر است. این دارو در بدو امرش بنابر روش اشتباهی از پزشکان، جای وسیعی را به صورت علاج تمام بیماریها به خود می‌گیرد، ولی بعداً کشف کردند که آن مخدري خطرناک است، و چون آن را استعمال کنند سبب اعتیاد قرار می‌گیرد.

روش استعمال آن:

مهم‌ترین روش استعمال آن سه طریقه است:

۱- بلعیدن و نوشیدن چای یا قهوه با آن.

۲- کشیدن دود آن.

۳- تزریق آن در زیر پوست.

آثار مرفین:

اثرات پدید آمده از مرفین کاملاً با اثرات تریاک مشابهت دارند، پس کسی که مرفین را استعمال کند، به آن معتاد می‌گردد. و هرگاه به آن دست‌رسی پیدا نکند، عوارض بسیاری دامنگیرش می‌شود؛ از قبیل: بی‌خوابی، نیلگونی چشم، پدیدآمدن دردهای عمومی در بدن، عارض شدن درد سر، تهوع و آثار روانی خطرناک دیگر.

بحث پنجم:

هروئین

هروئین عبارت است از: گرد بلوری رنگ سفیدی که با سرعت تمام در الکل ذوب می‌شود، و این از گران‌قیمت‌ترین انواع مواد مخدر و خطرناک‌ترین آن‌ها برای صحت و تندرستی عمومی است. هروئین به وسیله عملیات شیمیایی گسترده‌ای به دست می‌آید.

روش استعمال آن:

روشهای زیادی برای استعمال هروئین وجود دارد؛ از جمله:

۱- به طریق استنشام از راه بینی (استنشاق).

۲- با تزریق زیر پوست بدن.

۳- کشیدن دود آن.

اثر ناشی از آن:

کسی که معتاد به استعمال هروئین باشد، به عوارض زیر مبتلا می‌گردد:

پدید آمدن ضعف شدید جسمی، بی‌اشتهایی به خوراک، رنج بردن از بی‌خوابی و ابتلا به ترس همیشگی.

و هرگاه مقدار هروئین مورد استعمال معتاد به دستش نرسد، مبتلا به خستگی شدید جسمی، حالت تشنج، اسهال دردهای معده‌ای، کمردرد، تب، تهوع و سفت شدن عضلات می‌شود.

بحث ششم:

قات

قات: گیاهی است دارای درختچه‌های کوچک و در هر نوع خاک و آب و هوایی رشد می‌کند و چندان نیازی به توجه و سرپرستی خاصی ندارد؛ هیچگونه آفتی بر آن عارض نمی‌گردد و ملخ (و حشرات) آن را نمی‌خورند. ارتفاعش تا حدود دو متر و گاهی بیشتر می‌رسد، در جنوب شبه جزیره‌ی عربستان، افغانستان و آسیای میانه و حبشه کاشته می‌شود.

روش استعمال آن:

برگهای تازه و شاخه‌های نازک آن را به خاطر بدست آوردن عصاره و شیرۀ آن به کندی می‌جویند و این عمل را به مدتی طولانی انجام می‌دهند، و در هر جویدنی مقداری از آن را اضافه می‌کنند، تا تأثیر مطلوب از آن به دست آید و همراه با آن آب یا نوشابه‌ی گازدار نوشیده می‌شود تا مزه‌ی آن را شیرین درآورد. در صورت نبودن قات تازه، پودر برگ خشک آن استعمال کرده می‌شود.

اثرات قات:

استعمال کننده‌ی آن احساس سبکی، نشاط، پرحرفی، خوش رفتاری با رفقاء، برانگیختگی و بیداری می‌نماید. استعمال مداوم آن انسان را در دایرۀ وابستگی به نفس داخل می‌کند که به نیاز مصرانه برای به دست آوردن قات از دیگران ممتاز می‌شود.

معتاد به آن، مبتلا به عوارض زیر می‌گردد:

۱- آماس بافت‌های سلولی حدقه چشم و به درازا کشیده شدن آن‌ها.

۲- تندشدن ضربان قلب.

- ۳- بالارفتن فشار خون.
- ۴- جمع شدن خون در پرده ملتحمه چشم.
- ۵- پدید آمدن درد سر.
- ۶- از بین رفتن اشتها.
- ۷- پدید آمدن ضعف جنسی که سرانجام به ناتوانی کامل جنسی منجر می گردد.

بحث هفتم:

کوکائین

کوکائین از بوته کوکا به دست می آید، و آن عبارت است از ماده ای سفیدرنگ و بلوری شکل بوته کوکا در آمریکای جنوبی رشد می کند، اما اخیراً در سیلان و جامایکا کاشته شده و فعلاً جزایر جاوا، مرکز اصلی تولید این بوته سمی قرار گرفته است.

روش استعمال آن:

- ۱- بوییدن مقدار بسیار ناچیزی از پودر آن.
- ۲- تزریق آن در زیر پوست بدن.
- ۳- کشیدن دود معجون آن.

اثرات کوکائین:

کوکائین اثرات خطرناکی بر استعمال کننده پدید می آورد که مهم ترین آن ها از این قرار است:

- ۱- استعمال کننده آن به طور سریع معتاد می گردد.
- ۲- پدید آمدن نقص در دستگاه شنوایی و ایجاد دیوانگی و اضطراب عقلی.
- ۳- پدید آمدن اختلال در وظیفه قلب و دستگاه تنفس.
- ۴- و بالاخره، به مرگ ناگهانی منجر می شود.

بحث هشتم:

بنگ

به آن شوکران و سیکران نیز می‌گویند و بعضی آن را شیکران نیز گفته‌اند؛ بوته آن بر روی زمین به شکل دایره‌ای پهن می‌شود و از وسط تا حدود کمتر از یک گز بالا می‌رود. بسیار سبز، شاخه‌های آن پرز و کرک‌دار، و برگ‌هایش کلفت و پرآب است که در گوشه و کناره‌های آن‌ها بریدگی وجود دارد.

علامه ابن حجر هیتمی حکم آن را با حکم خمر (شراب) یکی قرار داده و گفته است: «استعمال آن‌ها (جوز بویا، شوکران و مواد مخدر دیگر) گناه کبیره و فسق است همانند استعمال شراب، و هرآنچه در وعید شراب‌خوار آمده است، در حق استعمال‌کنندگان مواد یاد شده، خواهد آمد؛ زیرا همه این‌ها در، از بین بردن عقل اشتراک عمل دارند...»^(۱).

(۱) - الزواجر، ج ۱، ص ۲۱۲.

بحث نهم:

جوز بویا

گیاهان بسیاری وجود دارد که به طور طبیعی مخدر می باشند، از آن جمله یکی: «جوز بویا» (جوزة الطیب) است که در بعضی از کشورها مانند هندوستان کاشته می شود. درختش بزرگ می شود، و ماده‌ی مورد استفاده از آن، میوه‌اش می باشد.

روش استعمال آن:

- ۱- مکیدن و نوشیدن شیرۀ آن مثل شیر.
- ۲- در جای حل کرده و مورد استفاده قرار می گیرد.
- ۳- استنشاق و بوییدن پودر آن.

اثرات جوز بویا:

جوز بویا ضررهای خطرناکی برای صحت و تندرستی دربر دارد:

- ۱- معده را برانگیخته می کند.
- ۲- دهان را خشک می کند.
- ۳- تشنگی پدید می آورد.
- ۴- تأثیر توهم زایی نیز دارد.

بحث دهم: مواد استنشاقی

هر داروی طبی که بد استعمال شود، ایجاد مسمومیت می کند، بسیار از مواد مخدری که فعلاً استعمال می شوند، در آغاز فقط برای اغراض پزشکی کشف شده اند، اما بعداً به بازار رفته و به صورت غلط استعمال شده اند و در نتیجه چنان وبایی قرار گرفته اند که کودکان را پیش از بزرگ سالان تهدید می کنند. مواد بسیاری وجود دارد که امروزه از لوازم زندگی به حساب می آیند، ولی با این وصف، به صورت مواد مخدر برای حصول لذت و شهوت به کار برده می شوند، از آن جمله است:

- ۱- چسب ها.
- ۲- مواد تمیزکننده.
- ۳- طلاء (موادی چون لاک ناخن و رنگ های اسپری و...)
- ۴- بنزین.
- ۵- مواد زایل کننده لاک ناخن.

روش استعمال:

استعمال این ها از طریق بوییدن و استنشاق بخارهایی است که از آن ها بالا می رود، و استنشاق هر نوعی از آن بر حسب نوعیتش تمام می شود.

اثرات این مواد:

معتاد به مواد استنشاقی، احساس سرگیجه، سستی و بی حالی، ضعف چشم و تهوع می کند، و گاهی سبب مرگ ناگهانی می شوند. جوانانی را شناخته ایم که به سبب استعمال چسب ناگهانی مرده اند.

بحث یازدهم:

تقسیم‌بندی اعتیادها و معتادان

اعتیاد به مواد مخدر به ظاهر در بسیاری از اوقات به صورت ساده ظاهر می‌شود، اما بعد از بحث و پژوهش به صورت پیچیده و مهم ظهور می‌کند، زیرا دسته‌بندی اعتیادها و معتادان نیازمند است به شناخت کامل افراد معتاد و انواع مواد مخدری که استعمال می‌کنند.

بعضی از پژوهشگران اعتیاد به مواد را چنین دسته‌بندی کرده‌اند:

الف- استعمال آزمایشی.

ب- استعمال عارضی (موقت).

ج- استعمال منظم.

د- استعمال بسیار (اجباری).

و استعمال کنندگان مواد (معتادان) را به گروه‌های زیر دسته‌بندی کرده‌اند:

الف- آزمایش کنندگان.

ب- استعمال کنندگان موقت.

ج- استعمال کنندگان منظم.

د- استعمال کنندگان اجباری.

در اینجا تعریفی مختصر از روش‌های اعتیاد و معتادان بیان می‌شود.

الف- استعمال آزمایشی:

استعمال آزمایشی به طور اجمال از یک الی سه مرتبه پیش می‌آید، سبب دایمی آن، فضولی (کنجکاوی) و اصرار دوستانی است که در این وبا فرو رفته و غرق شده‌اند.

ب- استعمال موقت:

آن است که گاه گاهی پیش می‌آید و در ماه بیش از یک بار الی دو بار نیست، سبب آن به طور عموم و اغلب، اجتماعی محض است که فرد در مقابل وفور مواد و سهولت بدست آمدن آن، سر تسلیم فرود می‌آورد.

ج- استعمال منظم:

و آن یک یا چند مرتبه در هفته پیش می‌آید، و آن استعمالی است اختیاری برای به وجود آوردن نشئه که بر حسب نوعیت مواد مخدر و معتاد، مختلف است.

د- استعمال بسیار (اجباری):

به طور عادت هرروز پیش می‌آید و متناوباً به استعمال مقداری زیاد در ظرف چند روز تن در می‌دهد، این استعمال اجباری است که اگر معتاد به آن دست نیابد حالاتی فلج مانند، دامنگیرش می‌شود.

دسته‌بندی معتادان:

الف- استعمال کنندگان به صورت آزمایش:

کسانی هستند که آن را فقط یک یا دو بار تجربه و آزمایش می‌کنند، این استعمال اثرهایی بر آن‌ها می‌گذارد، اما این اثرات به حد اثرهای آن استعمال کنندگان دایمی نیست.

ب- استعمال کنندگان موقت:

کسانی هستند که آن را به صورت موقت نه دایم استعمال می‌کنند و به آن عادت نکرده‌اند، اما مواد را بیشتر از آزمایش کنندگان استعمال می‌کنند، و تأثیر مواد برایشان بیشتر از تأثیر بر آزمایش کنندگان است.

ج- استعمال کنندگان منظم:

کسانی هستند که آن را به صورت منظم استعمال می‌کنند، اما با اختیار خویش (یعنی از جهت اعتیاد، مجبور به استعمال آن نمی‌شوند). اثرات آن بر این نوع استعمال‌کنندگان بیشتر از اثرات آن بر دو نوع گذشته است.

د- استعمال‌کنندگان اجباری:

کسانی هستند که به صورت اجبار آن را استعمال می‌کنند، و تأثیر آن بر استعمال‌کننده برتر از تأثیرش بر سه گروه پیش است. همین گروه است که اعتیاد آن‌ها را علاوه از انجام گناه، به سوی بی‌کاری و مظاهر دیگر انحراف، تا سرحد خودکشی پیش می‌راند. برخی دیگر از پژوهشگران، معتادان را به گروه‌هایی دسته‌بندی کرده‌اند که عبارت‌اند از:

الف- گروه اول: کسانی هستند که به خاطر نجات از تنهایی، پریشانی، غم و بعضی از دردهای جسمانی بیشتر به استعمال الکلیل مایل هستند.

ب- گروه دوم: کسانی هستند که نسبتاً مقدار زیادی از الکلیل استعمال می‌کنند که با سوء تغذیه و اضطراب روانی همراه است.

ج- گروه سوم: کسانی هستند که چون شروع به استعمال الکلیل نمودند، نمی‌توانند از نوشیدن مقدار بیشتر از آن خودداری کنند، این مرحله به کندی در بین ده تا پانزده سال پیش می‌آید.

د- گروه چهارم: کسانی هستند که به نوشیدن الکلیل اعتیاد کامل دارند و نمی‌توانند روزانه از استعمال آن خودداری کنند.

ه- گروه پنجم: کسانی هستند که گاهی در مقطعی از زمان نمی‌توانند بر استعمال الکلیل قادر باشند، و گاهی این حالت با عوارضی موقت چون غم و پریشانی همراه است.

و- گروه ششم: کسانی هستند که الکلیل را به مناسبت‌های اجتماعی و خصوصی به میزان یک یا دو بار در ماه استعمال می‌کنند.

بعضی دیگر از محققان نیز آن‌ها را چنین تقسیم کرده‌اند:

الف - سرمایه‌دار: و آن سرِ اژدر (رأس الافعی) است که دارای روش‌های مخصوصی در انجام عملیات قاچاقچیانۀ مواد مخدر است، و دارای ارتباط‌های گسترده‌ای در آن کشورهایی است که قاچاق را در آن وارد یا از آن خارج می‌کند.

ب - قاچاقچی مواد مخدر: او پل ارتباطی شرارت است که با هر وسیله‌ای که به فکرش برسد عملیات قاچاقچیانۀ خود را انجام می‌دهد.

ج - شریک قاچاقچی: کسی است که با قاچاقچی همکاری و تعاون دارد، و حتی گاهی یکی از آن دو، جهت مطمئن شدن بر عملیات قاچاق، داخل آن کشوری است که قاچاق را در آن وارد می‌کنند و دومی خارج از آن است.

د - مروج (توزیع کننده): عبارت است از فروشنده و توزیع کننده این سمومی که کلنگی منهدم کننده در اجتماع، کاشت کننده رذیلت و از بین برنده فضیلت هستند. عادتاً این شخص کسی است که دین و وجدان و روانش ضعیف و مطرود اجتماع است.

هـ - هدیه کننده: او غالباً همنشین بدی است که دوستانش را برای نخستین بار در کمند (تله) می‌اندازد. روش کارش این است که در آغاز، این مواد را بدون عوض به آن‌ها هدیه می‌کند و چون آن‌ها را به دام انداخت، از جمله قربانیان او قرار می‌گیرند.

و - استعمال کننده: او همان قربانی فریب خورده است که عملیات تحویل و قاچاق به خاطر او انجام می‌گیرند، عادتاً او شخصی ضعیف، دور از شرارت و اهل آن است؛ اما مجرمین با هر وسیله‌ای که شده او را در این بلا انداخته‌اند. چقدر هستند قربانیانی که در این بلا افتاده‌اند. و گناهی جز دوستان ناباب و فروشندگان رذیلت ندارند.

بخش سوم:

آثار مواد مخدر بر امت اسلام

این فصل شامل یک تمهید و هفت بحث است.

بحث اول: در بیان ضررهای دینی مواد مخدر.

بحث دوم: در بیان ضررهای بهداشتی مواد مخدر.

بحث سوم: در بیان ضررهای اجتماعی مواد مخدر.

بحث چهارم: در باره ضررهای اقتصادی مواد مخدر.

بحث پنجم: در باره ضررهای سیاسی مواد مخدر.

بحث ششم: ضررهای مواد مخدر در برقراری امنیت منطقه.

بحث هفتم: در باره ضررهای مواد مخدر بر روان و روح.

تمهید در آثار مواد مخدر بر امت اسلامی

مواد مخدر ضررهای زیادی برای فرد و اجتماع دارند، هیچ کسی [هرچند قدرت نویسندگی، صفای ذهن و سعه فکر و قلب داشته باشد] نمی‌تاند آن‌ها را بشمارد. ولی ما می‌خواهیم به گوش‌های از ضررهای آن اشاره نماییم، به ویژه به ضررهای مذکور در زیر:

- ۱- ضررهای دینی.
 - ۲- ضررهای بهداشتی.
 - ۳- ضررهای اجتماعی.
 - ۴- ضررهای اقتصادی.
 - ۵- ضررهای سیاسی.
 - ۶- ضررهای امنیت و آرامش.
 - ۷- ضررهای روانی.
- پس با توفیق خداوند متعال شروع می‌کنیم.

بحث اول:

در بیان ضررهای دینی مواد مخدر

مواد مخدر از چند جهت برای دین ضرر دارند؛ زیرا وقت را ضایع و عقل را از بین می‌برند. و هرگاه انسان وقت و عقلش را از دست بدهد، این منجر به از بین رفتن بزرگ‌ترین رکن از ارکان اسلام مانند نماز قرار می‌گیرد.

این از مسلمات است که بعضی از انواع مواد مخدر، استعمال‌کننده را ساعت‌های طولانی یا چند روز، چنان تحت تأثیر قرار می‌دهند که توجهی به هیچ چیز نداشته باشد. واقعاً خداوند متعال درست فرموده است: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْحُمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيُضِدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ﴾ [المائدة: 91].
یعنی: «شیطان می‌خواهد به وسیله‌ی شراب و قمار، بین شما دشمنی و بغض ایجاد نموده و شما را از یاد خدا و نماز باز دارد. آیا باز آینده هستید (یا خیر)؟»

در این هیچگونه شک و تردیدی وجود ندارد که مبارزه بین انسان و نخستین دشمن او، ابلیس تا قیام قیامت مستمر و برقرار است؛ زیرا شیطان لعین قسم خورده است که تمام نیرویش را برای گمراه ساختن انسان، و دور نگه داشتنش از عبادت پروردگار و بازداشتنش از سعادت دنیا و عقبی به کار گیرد. چنانکه خداوند متعال نسبت به آن در کتاب محکم خویش خبر داده است:

﴿قَالَ فَبِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ﴾ [الأعراف: 16].

یعنی: «(ای خدا!) از آن جهتی که تو مرا گمراه قرار دادی سوگند می‌خورم که من سر جاده‌ی مستقیم تو به خاطر گمراه کردن انسان خواهم نشست.»

و در جایی دیگر فرموده است: ﴿فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ﴾ [ص: 82].

ترجمه: «قسم به عزت و جلال تو که همه را گمراه خواهم کرد.»

و نیز فرموده است: ﴿لَا تُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَا تُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ﴾ [الحجر: 39].

یعنی: «آراسته می‌کنم برای آن‌ها در روی زمین و همه را گمراه خواهم کرد». معرکه‌ی زندگی بین دشمن لدود و انسان ضعیف در کش‌مکش است، دشمن لعین با هر وسیله‌ی ممکن در پی گمراه کردن انسان قرار گرفته است، گاهی از راه معصیت، گاهی از راه غلو در طاعت، زمانی از راه خون‌ریزی و کشتار و گاهی از راه استعمال مواد مخدر. اسلام گران قیمت‌ترین نعمتی است که به دست مسلمان رسیده است. بنابراین، هرگاه مسلمان آن را حفظ و از آن نگهداری کند، از گمراهی و اغوای شیطان در امن قرار می‌گیرد؛ ولی اگر کوتاهی نموده آن را ضایع کند، لقمه‌ی خوشگوار برای شیطان قرار خواهد گرفت، آن چنانکه به دستور او راه می‌رود و وساوس و مشورت او را می‌پذیرد و در این صورت ارتباطش با خدا ضعیف گشته و راه استعمال مواد مخدر و غیره را طی می‌کند، و هرکسی که در دام مواد مخدر افتاد، اقدام‌نمودنش به هر جرم و جنایت از قبیل قتل، دزدی، آبروریزی و غیره آسان می‌شود.

نهان شدن عقل که در اثر نشئه و تحذیر پدید می‌آید، با بیدری دایمی که اسلام آن را بر قلب مسلمان لازم قرار داده تا در هر آن با خداوند در ارتباط و در هر امر خطرناک در انتظار او باشد، منافات دارد. باز با این بیداری، باید در رشد و تجدید زندگی و نگهداری آن از ضعف و فساد، و حمایت نفس مال، آبرو و حمایت امنیت جامعه، شریعت و نظام آن از هر تجاوز و تعدی، در هر آن کارهای مثبت انجام دهد.

فرد مسلمان لگام گسیخته و آزاد نیست که در هر لذت و عیشی مشغول شود، بلکه لازم است در هر لحظه، نسبت به اجتماعی که در آن زندگی می‌کند، و همچنین نسبت به مقام انسانیت که به آن منسوب است وظایف و تکالیفی داشته باشد، و از او با این بیداریش خواسته شده تا این وظایف و تکالیف را انجام دهد.

اما معتاد کی می‌تواند اینگونه وظایف و تکالیف را انجام دهد. چرا که او عقلش را از دست داده، قلبش را فاسد گردانیده و مغلوب الحال قرار گرفته که دارد در غیوبت (عقل)،

دور از واقعیت زندگی می‌کند. آری، این غیوبت در حقیقت به جز از اینکه گریزی از واقعیت زندگی باشد چیزی دیگر نیست؛ و تمایل و توجهی است به آن اندیشه‌ها و افکاری که پس از استعمال مواد به او دست داده است.

اسلام این راه و روش را برای انسان نمی‌پسندد، زیرا این راهی منفی است و کسی که این راه را طی می‌کند، عضوی شل بیکار در جامعه است، بلکه چون خشتی فاسد برای ساختمان اجتماع است، و همانگونه که حیوان گرگ، حیوان سالم را مبتلا به گرگی می‌کند، شخص فاسد نیز شخص سالم را فاسد می‌گرداند.

بدون شک و تردید، اثرات مواد مخدر نسبت به دین خیلی خطرناک هستند، چه ضرری خطرناک‌تر از این است که کسی عقل، شرف و اخلاق را از دست بدهد؟! و آیا رخنه‌ای بزرگ‌تر از این می‌تواند در جامعه پدید آید که شیوع اعتیاد منجر به فرقه‌گرایی و درگیری و اختلاف است؟! این است دستاورد مواد مخدر! خداوند ما را از آن نجات دهد.

بحث دوم:

در بیان ضررهای بهداشتی مواد مخدر

خداوند بر بشر احسان نموده و او را نعمت صحت و سلامتی داده و او را موظف کرده تا خود را از اشیای موزی و مضر حفظ نماید، چنانکه می‌فرماید: ﴿وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا﴾ [النساء: 29].

«خود را نکشید، خداوند بر شما مهربان است».

و نیز فرموده است: ﴿وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ﴾ [البقرة: 195].

«و خود را به هلاکت نیندازید».

و جناب رسول خدا ﷺ فرموده است: (دو نعمت به گونه‌ای است که بیشتر مردم نسبت به آنها فریب خورده‌اند، یکی صحت و سلامتی است و دوم فراغت)^(۱).

مواد مخدر نسبت به نفس انسان از هرچیز دیگری بیشتر ضرر دارند؛ زیرا پزشکان کشف کرده‌اند که استعمال مواد مخدر سبب پدید آمدن چنان امراض خطرناکی است که علوم پزشکی از معالجه‌ی برخی از آنها عاجز و مانده شده است. و این ضرر به تنهایی کافی است که مواد مخدر معتاد را در چنان وضعی از زندگی می‌گذارد که گرفتار و هم و خیال است و در فکر چیزهایی قرار می‌گیرد که ممکن الحصول نیستند، و چنان در فکر چیزهای محبوبي است که آنها به طور کلی از دسترس او دوراند. خطرناک‌ترین ضررهای بهداشتی مواد مخدر که پزشکان به آنها دست یافته‌اند، به شرح زیر هستند:

۱- مسمومیت الکلی:

(۱) - صحیح بخاری، ج ۸، ص ۱۰۹.

آنگاه که میزان الککل بالا برود، در خون نوشنده ایجاد مسمومیت می‌کند و در اثر آن، معتاد به عوارض حاد زیر مبتلا می‌شود:

- ۱- تهوع و استفراغ.
 - ۲- سردی اعضای بدن.
 - ۳- سرعت نبض.
 - ۴- از خود بی‌حال شدن و در غیوبت به سر بردن.
- و هرگاه این عوارض تا مدت زمانی ادامه پیدا کنند، نوبت به مرگ ناگهانی معتاد به صورت سکته قلبی و غیره می‌رسد.

۲- ضعیف شدن سلول‌های پوسته مغز:

همان مغز که فرمانده فکر و تصمیم است، برخی از تحقیقات پزشکی بر این تأکید دارند که استعمال شراب و الککل و مواد مخدر، گرچه به صورت اعتیاد و مستمر نباشد، سبب کاهش قدرت عقلانی می‌شود.

۳- ضعف سلول‌های مخچه:

مسلم است که مخچه فرمانده عصب دهلیزی است، و همان است که انسان را قادر می‌سازد تا به وقت ایستادن تعادل خود را حفظ کند، و توانایی ثبات و حرکت داشته باشد. ولی در نتیجه استعمال مواد نشئه‌آور و مواد مخدر، سلول‌های مخچه دچار ضعف و انحلال می‌شوند، و واقعیت در بعضی از اشخاص که توانایی حرکت، مانند اشخاص سالم را ندارند، گواه این موضوع است.

۴- انحلال نخاع ستون فقرات:

وجود این مرض در معتادان بسیار است، هنگامی که نخاع [که ماده‌ای چربی است] منحل شود، نیمه پایین بدن دچار فلج خطرناکی می‌شود که اصلاً قادر به حرکت نخواهد بود.

۵- حمله‌های مغزی - جگری:

معتاد به مواد مخدر دچار دوره هذیان، رعشه، از دست دادن حافظه و تلیف کبدی [تبلی کبد در انجام وظیفه‌اش] می‌شود. این مطلب را بعضی از زندانیان به اطلاع من می‌رسانیدند؛ آنان گفتند: اولین اثر مواد مخدر به آن‌ها رعشه (لرزش) است که در عین جوانی دست‌های‌شان به وقت گرفتن و دادن اشیا می‌لرزد.

۶- التهاب (سوزش) اعصاب گوناگون:

کار گروهی از اعصاب این است که جسم را به حرکت درآورده و احساس‌های او را از پوست و جسم به سلول‌های دستگاه عصبی انتقال می‌دهند. استعمال مواد مخدر سبب تحلیل‌رفتن و ذوب‌شدن این اعصاب قرار گرفته و بالاخره آن‌ها را از بین می‌برند. معتاد در این مرحله فاقد احساس، و پیکری بدون حس و شعور است.

۷- التهاب عصب چشم که منجر به نابینایی می‌شود:

در علوم پزشکی ثابت شده است که استعمال مواد مخدر ایجاد التهاب در عصب‌های چشم‌ها می‌کند که سرانجام به کوری و نابینایی تمام می‌شود. معتاد به شراب و مواد مخدر از پریدگی رنگ چشم و رطوبت آن‌ها شناخته می‌شود و این امری است که بین مردم مشاهده می‌شود.

۸- سوزش بلعوم:

سبب آن است که میکروب‌هایی که در دهان موجوداند، از ضعف مقاومت معتاد، بهره‌برداری کرده بر او هجوم می‌آورند و در نتیجه سوزش بلعوم پدید می‌آید که گاهی سبب مرگ قرار می‌گیرد.

۹- سرطان مجرای طعام (مری):

استعمال مواد مخدر منتهی به سوزش داریم در مری می‌شود و این سوزش سبب اصلی سرطان مجرای طعام است.

۱۰- استفراغ:

بسیار اوقات معتاد به مواد مخدر به استفراغ مکرر مبتلا می‌گردد، و این در اثر اختلال گردش عادی غذا نزد آنهاست.

۱۱- از بین رفتن اشتهای غذا:

استعمال مواد مخدر راهی برای از بین رفتن اشتهای غذاست، بسیاراند کسانی که به سبب استعمال مواد مخدر اشتها را از دست می‌دهند. جوان دستگیر شده بیست ساله‌ای که در زندان با او ملاقات نمودم، به من گفت: نخستین باری که به استعمال مواد مخدر پرداختم اشتهایم به غذا کاسته شد، فکر می‌کردم که این در اثر آن حمیتی است که به آن التزام ورزیده‌ام، ولی بعد از چند ماه به این نتیجه رسیدم که من اصلاً میل به تناول غذا ندارم، وقتی که این مطلب را با پزشک در میان گذاشتم، او از من پرسید: آیا مواد مخدر استعمال می‌کنی؟ عرض کردم خیر. ولی از آن زمان متوجه شدم که علت از بین رفتن اشتها استعمال مواد مخدر است.

۱۲- سوزش روده‌های بزرگ و کوچک:

استعمال مواد مخدر سبب هیجان غشاهای مخاطی دستگاه هاضمه که آغازش دهان و منتهایش روده‌های کوچک و بزرگ است، قرار می‌گیرد. و سبب جمع شدن روده‌ها و زخم شدن آنها می‌گردد، و در نتیجه گاهی نوبت می‌رسد به اسهال، قبض، سوءهاضمه و درست جذب نشدن شیرۀ غذا.

۱۳- بزرگ شدن طحال:

استعمال مواد مخدر سبب بزرگی طحال می‌شود به گونه‌ای که در اثر ناخوشی و کم‌کاری جگر، چندین برابر حجم اصلیش قرار می‌گیرد، و آن باعث خون‌ریزی شدید بواسیر می‌شود.

بعضی از پژوهشگران^(۱) زیان‌های بهداشتی مواد مخدر را به شرح زیر خلاصه کرده‌اند:

- ۱- چین و چروک انداختن پوست و لاغری آن.
- ۲- زرد شدن مخاطها و رنگ‌پریدگی آن‌ها که نتیجه‌ی کمبود خون و کمبود آهن است، چرا که خون به سبب این سم‌ها از بین رفته است.
- ۳- التهاب شبکیه چشم.
- ۴- اضطراب و اختلال گلبول‌های سفید خون.
- ۵- آفات اعضای بدن.
- ۶- التهاب شرایین قلب که منجر به خوابیدن نبض می‌شود.
- ۷- پدید آمدن لرزه و تحرک در بدن.
- ۸- زرد شدن پرده ملتحمه چشم که نتیجه‌ی سوزش جگر است.
- ۹- فرو رفتگی حلقه چشم در اثر استعمال مواد افیونی.
- ۱۰- پدید آمدن صدا در گوش‌ها به سبب استعمال داروهای خواب‌آور.
- ۱۱- سوراخ شدن تیغه میانی بینی.
- ۱۲- فاسد شدن دندان‌ها که گاهی سبب از بین رفتن تمام آن‌ها می‌شود.
- ۱۳- دشواری جویدن.
- ۱۴- پدید آمدن زخم‌های عفونی در شاهرگ‌ها.
- ۱۵- مختل شدن کار غده‌ی در قی.
- ۱۶- سوزش شفاف قلب.

(۱)- دکتر محمد هواری: المخدرات من القلق الى الاستعباد، ص ۱۷۳.

- ۱۷- آسیب دیدن دریچه های قلب.
- ۱۸- کم کاری شرایین دریچه ی قلب.
- ۱۹- اختلال نظم کار قلب.
- ۲۰- سوزش ریه.
- ۲۱- کم کاری کلیه ها.
- ۲۲- التهاب مجاری ادرار و پدید آمدن دردهای شدیدی مشابه با دردهای سنگ کلیه.
- ۲۳- عاجز شدن مرد از عمل جنسی و سرانجام عقیم شدن او.
- ۲۴- نقص شهوت در زنان و سرد مزاج شدن آنان.
- ۲۵- پدید آمدن بواسیر در مقعد و خونریزی آن.
- ۲۶- بزرگ شدن جگر.
- ۲۷- التهاب لوزالمعده همراه با دردهای شدید.
- ۲۸- ابتلا به مرض بیهوشی مکرر.
- ۲۹- نقص بدست آمده از مصونیت جسم، (غفونت های خطرناک مثل: ایذر، هیپاتیت و کزاز).

بحث سوم:

در بیان ضررهای اجتماعی مواد مخدر

ضررهای اجتماعی مواد مخدر خطرناک‌ترین، بیشترین و واضح‌ترین ضررها به حساب می‌آیند، زیرا این‌ها دامنگیر فرد، خانواده و جامعه می‌باشند. این مطلب در لابلای مضامین ذیل روشن می‌گردد:

۱- بیمارشدن صحت فرد و پایین‌افتادنش به صورتی ترسناک و خطرناک که این بدون تردید در جامعه اثر خواهد گذاشت، زیرا فرد از جامعه جدا نیست، بلکه جزئی از آن است که در آن مؤثر و از آن متأثر می‌گردد. و هرگاه در جامعه‌ای معتادان زیاد شوند، بیماران زیاد می‌شوند؛ و آنگاه که بیماران زیاد شدند، ضعف و سستی در جامعه پدید می‌آید و جامعه نمی‌تواند از خود دفاع کند؛ بلکه به تنهایی نمی‌تواند مایحتاج خود را فراهم سازد. آن جامعه‌ای که مواد مخدر در آن گسترش یابد، از کجا می‌تواند جامعه‌ای قوی و محکم باشد که بتواند بر پای خود بایستد [در حالی که مواد مخدر همانند خوره دارند بنیاد او را از بین می‌برند].

۲- ارتکاب به جرم و جنایت برای افراد معتاد سهل و آسان قرار می‌گیرد و به هرکار زشتی دست می‌زنند؛ بلکه همه چیز را در راه به دست آوردن مطلوب خویش فدا می‌کنند؛ و بدین شکل خوف و بیم و پریشانی در جامعه راه می‌یابد و جامعه زندگی خود را در پریشانی و پراکنده‌حالی به سر می‌برد.

۳- استعمال مواد مخدر بر وضعیت معیشت، امنیت و آرامش، آموزش و پرورش و اخلاق خانواده اثر بد و خطرناکی می‌گذارد، زیرا معتاد ترجیح می‌دهد که خانواده‌اش در برهنگی و تنگدستی به سر ببرد به نحوی که زمین فرش و آسمان ملحفه‌اش قرار می‌گیرد و اصلاً چیز خوردنی گیرشان نیاید، تا او لذت‌های وهمی

خویش را به آغوش بگیرد، و آن دردی را که سبب فرار او از ریگستان داغ به سوی آتش (یا فرار او از باران به زیر ناودان) است تناول کند. چقدر خانواده‌هایی وجود دارند که شکم تاب خورده و گرسنه می‌خوابند، در حالی که سرپرست آن‌ها صدها بلکه هزاران مبلغ را در مواد مخدر مصرف می‌کند، بدون از این که پروایی داشته باشد که به او، یا خانواده‌اش چه مصایب دردناکی می‌رسد.

۴- استعمال مواد مخدر منجر به این می‌شود که فرزندان ضعیف البنیة و گاهی ناقص الخلقة به دنیا بیایند که در اثر ضعف بنیه و عدم تحمل جسم‌شان نمی‌توانند با امراض مقاومت کنند، زیرا والدین در اثر استعمال مواد مخدر به ضعف جنسی مبتلا گشته‌اند، و ضعف اسپرماتوزوئید در منی، بر جنین در شکم مادر منعکس می‌شود.

۵- در خانواده‌هایی که والدین مواد مخدر استعمال می‌کنند، وقوع طلاق و از هم‌پاشیدگی خانواده به کثرت اتفاق می‌افتد، زیرا خانواده‌ای که سرپرستش زندگی خود را چندین سال در زندان به سر می‌برد، در آتش حرمان و پراکنده حالی می‌سوزد، و بسا اوقات زن مطالبه طلاق می‌کند؛ زیرا ادامه زندگی با او به صلاح نیست، چرا که او (شوهر) اغلب عمر خود را در سلول‌های زندان سپری می‌کند.

۶- خانواده‌هایی که این مواد سمی در آن‌ها پخش و گسترش می‌یابد، ضعیف می‌شوند، زیرا خانواده‌ای از هم پاشیده ضعیف البنیة است؛ نمی‌تواند خود را نگه دارد، و در حالی که زیر بنا و خشت او جامعه قرار گرفته، لگام گیسختگی و اختلافات بر آن حکم فرماست. اینگونه خانواده‌ها در ساختار جامعه بزرگ رخنه‌ای قرار می‌گیرد، باز منزلت اینگونه خانواده و منزلت افراد آن را در مقایسه با مقدار تمسک آن‌ها به اسلام به عنوان راه زندگی باید سنجید.

و هرگاه مواد مخدر در این خانواده‌ها پخش و شایع بشود، از منهج الهی دور شده، رخنه‌ای بزرگ برای خروج شر و فساد در اجتماع پر امن قرار می‌گیرند.

۷- استعمال مواد مخدر به وسیله فردی از افراد یک خانواده سبب قرار می‌گیرد که بقیه افراد به سوی این وبای خان‌ومان سوز کشانده شوند، به ویژه وقتی که استعمال‌کننده در خانواده پدر باشد، زیرا فرزندان از او تقلید کرده بر اخلاق او رشد می‌کنند، چنانکه شاعر می‌گوید:

وینشاً ناشیء الفتیان منّا ما کان عبوده أبوه
جوانان نیز می‌گیرند نشأت بر آن چه داده عادت‌شان پدرها

یعنی، نشأت جوانان ما بر آن چیزی قرار می‌گیرد که پدر به او عادت داده است. رسول خدا ﷺ فرموده است: «كُلُّ مَوْلُودٍ يُوَلَّدُ عَلَى الْفِطْرَةِ، فَأَبَوَاهُ يَهُودَانِيهِ أَوْ نَصْرَانِيهِ أَوْ يَمَجَّسَانِيهِ»^(۱). یعنی، هر نوزاد بر دین فطری به دنیا می‌آید، باز پدر و مادرش هستند که او را یهودی یا نصرانی (مسیحی) یا مجوس بار می‌آورند.

۸- آنگاه که معتاد از بدست آوردن مواد از راه‌های درست عاجز باشد، مجبور می‌گردد آبرو و ناموس خویش را برای حاصل کردن مواد بفروشد. در این باره حکایت‌های بسیاری وجود دارد، زیاداند کسانی که دختر یا خواهر خویش را بر فحشاء اجبار می‌کنند، یار رفتار همسر خویش را به خاطر دست‌یابی مواد مخدر نادیده می‌گیرند. بنابراین، شیوع مواد مخدر در اجتماع علامتی است بر شیوع زنا و انواع رذیلت و پستی.

۹- استعمال مواد مخدر بدون تردید منجر به بیشتر شدن سوانح رانندگی قرار می‌گیرد، زیرا وقتی که راننده مواد مخدر استعمال می‌کنند، چنین فکر می‌نماید که نیروی فکریش بیشتر، هراسش کمتر و احساسش نسبتاً به امنیت بیشتر است؛ در صورتی که معامله برعکس این است، زیرا در اثر آن (استعمال مواد)، حوادث و اتفاقات ناگوار و خطرناکی به قوع می‌پیوندد.

(۱)- صحیح بخاری، ج ۲، ص ۱۱۸. و صحیح مسلم، ج ۸، ص ۵۲.

چقدرانند بی گناهای که قربانی راننده شتابزده و بی پروا شده اند!

۱۰- معتاد به مواد مخدر سربار جامعه و سبب زیان آن است، زیرا معتاد نیازمند علاج است، چه از طریق ادامه اعتیاد، یا علاج آن امراضی که از سبب اعتیاد برایش عارض شده، یا در نتیجه حوادث دیگری که برایش پیش می آید؛ در همه این حالات او نیاز به معالجه پیدا می کند. یک نفر یا گروهی از پزشکان به معالجه او روی می آورند که این به ضرر مریضان دیگری است که نیاز بیشتر به پرستاری این پزشکان دارند، علاوه از این او یک تخت از بیمارستان را اشغال کرده که امکان داشت یک بیمار نیازمندتر آن را اشغال کند، زیرا معتاد خود سبب بیماری را فراهم کرده و فقط با اراده خویش خود را به بیماری کشانده است.

۱۱- بین معتادان، دشمنی، درگیری و خصومت شیوع پیدا می کند؛ چنانکه خداوند متعال می فرماید: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقَعَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْحُمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ﴾ [المائدة: ۹۱]. ترجمه: «جز این نیست که شیطان می خواهد به وسیله استعمال شما دشمنی و بغض ایجاد کند و شما را از یاد خدا و نماز بازدارد، آیا هنوز هم باز نمی آیید؟!»

۱۲- آنان که مواد مخدر استعمال می کنند، متصف به صفات زشت می شوند، و به عادت های بد، مانند: دروغ بزدلی و بی احترامی به ارزش های اخلاقی و سرمشق های برتر خو گرفته و آن ها را بین مردم رواج می دهند.

بحث چهارم: ضررهای اقتصادی مواد مخدر

مال رگ حیات است، نیرومندی و مکان و منزلت هردولتی از وضع اقتصادی و اندازه گیری می شود؛ مواد مخدر خطرناک ترین راه پایین آوردن وضع اقتصادی هر کشور و هردولتی است هرچند قوهی اقتصادی او در وضع خوبی باشد؛ ضررهای اقتصادی مواد مخدر را می توان در امور ذیل خلاصه نمود:

۱- شریک ساختن هر فردی در تولید، در گرو نیروی بدنی اوست. هرگاه فرد به اعتبار جسم، سالم و از نظر ذهن و فکر بیدار و هوشیار باشد، در مسیر اقتصادی جامعه، زیربنای خوبی قرار می گیرد. و برعکس، هراندازه فرد، ضعیف الجسم و کوتاه فکر باشد، برای اجتماع اساس نامناسبی قرار می گیرد، و در نتیجه نمی تواند در مسیر اقتصادی جامعه سهم باشد.

۲- بسیاری از معتادان مواد مخدر در پی تأثیر مواد، چنان در پستی نفس قرار می گیرند که در نهایت از تمام کارها دست برمی دارند. و به سبب انحطاط روانی، اخلاقی و اجتماعی که نتیجه حتمی شهوت پرستی و دوری از دین و ارتباط با خداوند جل و علاشانه است، در مهلکه هایی بی انتها داخل می شوند.

۳- معالجه معتادان به مواد مخدر نیاز به بیمارستان های جسمی و روانی بسیاری دارد. و این خود، خواهان پزشکان و متخصصان و پرستاران بسیاری است که این همه هزینه سنگینی بر دوش دولت می گذارد.

۴- کار قاچاق مواد مخدر و توزیع آن، نیازمند مأموران بیشتری در دستگاه های کنترل کننده است، و این یکی از اسباب اصلی ضعف اقتصاد کشور است.

۵- در هر جامعه‌ای که استعمال مواد مخدر زیاد باشد، تنبلی و بیکاری در آن گسترش می‌یابد، همه مردم تنها مشغول به مواد مخدر می‌شوند و این منجر به تولید اندک می‌گردد.

۶- همچنین کار کشاورزی به علت کثرت بیکاری و تنبلی رو به کاهش می‌گذارد، از اینجاست که بسیاری از مردم مجبور می‌شوند از خارج کارگر بیاورند که همه این‌ها در اقتصاد کشور اثر منفی به جای می‌گذارند.

۷- داد و ستد مواد مخدر و ترویج آن کسبی نامشروع و حرام است، ولی تاجران مرگ، فقط دنبال ثروت هستند به هر وسیله‌ای که باشد ولو این که به ضرر جامعه بزرگ تمام شود.

۸- قیمت مواد مخدر خیلی در سطح بالاست. بنابراین، معتادان برای به دست آوردن آن، ثروت هنگفتی صرف می‌کنند که این همه ثروت در دست مشتی از مردم جمع می‌شود که امکان دارد این مشت مردم برای دشمن خارج از کشور فعالیت می‌کنند. و این واقعیتی است که بالفعل در برخی از کشورهای اسلامی مشاهده شده است.

۹- مواد مخدر سبب اصلی پدید آمدن بسیاری از اتفاقات رانندگی است و در اثر آن‌ها خود روه‌ای بیشماری از بین می‌رود که این ضربه بزرگی بر اقتصاد کشور وارد می‌کند.

۱۰- برای دستگیر قاچاقچیان مواد مخدر و ترویج‌دهندگان آن نیاز به بازداشت خانه‌ها و زندان‌های زیادی وجود دارد. این زندان‌ها خود نیازمند تجهیزات و خدمات امنیتی هستند و بالاتر از این‌ها هزینه خود زندانیان است.

۱۱- هزینه‌های سرسام‌آوری برای جلوگیری از مواد مخدر و تعقیب و پیگیری موافروشان صرف می‌شود که اگر این مواد مخدر نمی‌بود، این هزینه‌ها در مطرح‌های عمومی دیگری که نفع همگانی داشت صرف می‌شد.

۱۲- مواد مخدر سلاحی بس خطرناک است که دشمن آن را به خاطر جلب کردن منافع ملت اسلامی و ربودن ثروت و اموال آنها به کار می‌برد؛ این همه به ضرر افراد جامعه اسلامی داشت.

دشمنان دست به دست هم داده‌اند تا این سلاح را برای رسیدن به دو هدف بزرگ و اصلی به کار گیرند، یکی ربودن ثروت و اموال مسلمانان؛ دوم تضعیف اساس اجتماع اسلامی، و در این هدف به پیروزی دست یافته‌اند. ولی آیا جوانان مسلمانم به این هدف شوم آنان پی برده‌اند؟ و آیا برای از بین بردن نقشه‌ها و برنامه‌های دشمن قدمی برداشته‌اند؟ به امید آن روز!

بحث پنجم:

در بیان ضررهای سیاسی مواد مخدر

مراکز مختلفی وجود دارد که معامله قاچاق و ترویج مواد مخدر در جهان را مستحکم می‌سازند، به این مراکز صاحبان وجدان‌های مرده‌ای وابسته‌اند که جز به مصلحت خویش نمی‌اندیشند، حتی اگر به ضرر دیگران تمام بشود.

این مراکزهای مشابه به هم مراکزی هستند که به خاطر ضعیف ساختن جوانان مسلمان بودن ثروت آن‌ها و وابسته کردن به این مراکز مواد مخدر را در کشورهای اسلامی ترویج می‌دهند.

ضررهای سیاسی مواد مخدر خیلی زیاداند. می‌توان به طور مثنی نمونه خروار چندتایی را نام برد.

۱- دولت اسرائیل اقدام به ترویج مواد مخدر در برخی از کشورهای عربی نموده است تا بر آن‌ها فشار سیاسی وارد کند و در نتیجه بتواند اهداف توسعه‌طلبی خود در منطقه را تحقق بخشد.

۲- گسترش مواد مخدر در بعضی از کشورها سبب اختلافات سیاسی بین کشورهای همسایه قرار می‌گیرد، همچنان که بین آمریکا و بعضی از ممالک دیگر، مانند مکزیک پدید آمده و می‌آید.

۳- بسیاری از کشورها مواد مخدر را در کشوری دیگر به خاطر بهره‌برداری از آن گسترش می‌دهند، و آن هم برای به دست آوردن اسرار مهم و بزرگی که بدون آن به کارگیری مواد مخدر به دست نمی‌آیند.

۴- یگانه در سال‌های که استکبار بتواند به وسیله آن وارد کشورها برای استعمار بشود مواد مخدر است، بسا اوقات کشورهای ابرقدرت دست به توزیع و پخش مواد مخدر در

کشورهای کوچک می‌زنند، تا استعمار و سرکوب کردن آنها آسان بشود و آنها را به گونه‌ای بار آورند که بدون زحمت و کار برد سلاح، در مسیر قافله قرار گیرند.

بحث ششم:

ضررهای امنیتی مواد مخدر

مواد مخدر از بزرگ‌ترین اسباب گسترش جرم و جنایات در جامعه آلوده به آن می‌باشد، زیرا معتاد در اکثر اوقات تنبل و از کار افتاده است که توانایی انجام هیچ‌گونه کاری که به نفع خود او یا دیگری باشد، ندارد و نمی‌تواند در میدانی از میدان‌های رشد و تولیدی از قبیل اقتصادی، کشاورزی، اجتماعی، عمرانی و صنعتی شریک باشد. همچنان او عاری از احساس مسئولیت است، زیرا برای پذیرفتن هر نوع مسئولیتی هیچ‌گونه اهلیتی ندارد؛ برای این که او از نظر دیانت ضعیف و معتوه‌العقل است، و کسی که دارای چنین وضعی باشد، انگیزه و دواعی جرم و جنایت نزد او بسیار خواهد شد؛ زیرا تحقیقاتی که بر بعضی از معتادان انجام گرفته، ثابت کرده‌اند که اعتیاد و ارتکاب جرم باهم مناسبت و ارتباط تنگاتنگی دارند.

از بیانات وزارت کشور عربستان سعودی نسبت به اجرای احکام الهی بر بعضی از مجرمان روشن می‌گردد که بعضی از جرایم آن‌ها در اثر مواد مخدر پدید آمده است، از قبیل خطرناک‌ترین جرایم مانند قتل، غضب، قطع الطریق و غیره.

ضرر خطرناک امنیتی مواد مخدر با رفتار دشمنانه و گناه کارانه‌ای که قاچاقچیان مواد مخدر و ترویج‌دهندگان با مأمورین نیروهای انتظامی به هنگام دستگیری آن‌ها انجام می‌دهند، به خوبی روشن است بسیاری از شهرها (و کشورها) مشاهد معرکه‌های خونینی بین مأمورین انتظامی و سوداگران مواد مخدر بوده‌اند. شهرهای محبوب ما با وجود امنیت خدادادی وسعه معیشت و رزق باهم از این رفتارهای تجاوزکارانه و دشمنانه در امان نیستند، بلکه چندین بار بین مأمورین انتظامی و قاچاقچیان مواد مخدر برخورد و درگیری اتفاق افتاده است. ولی بازهم در اینجاست نسبت به کشورهای دیگر این امر خیلی کم اتفاق می‌افتد که باید سپاس خدا را به جای آوریم.

باز آن مجازات شدیدی که ترویج‌دهندگان در این کشور انتظار آن‌ها را دارند، آنان را وادار می‌کند که خود را به کشتن بدهند یا دست به خون‌ریزی بزنند، خداوند بزرگ چه راست گفته است:

﴿إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا
أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِّنْ خَلْفٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ﴾ [المائدة: ۳۳].

«سزای محاربان با خدا و رسول او و پدید آورندگان فساد در روی زمین، این است که کشته شوند یا به دار آویخته شوند و یا دست و پاهای‌شان برعکس قطع گردد، یا از منطقه تبعید شوند».

بحث هفتم: ضررهای روانی مواد مخدر

مواد مخدر ضررهای بزرگ روانی دارند که از بارزترین آنهاست: احساس پوшالی آزار و اذیت، افسردگی و غم گوشه‌گیری، تشنج عصبی و روانی، و ضعیف‌شدن بینایی، شنوایی و حس همانند شنیدن و دیدن صداها و شیخ‌هایی که اصلاً وجود ندارند و تخیلاتی که منجر به ترس می‌شوند و گاهی به دیوانگی و از دست دادن عقل می‌انجامند.

همچنین مواد مخدر در سرنوشت مکان و زمان ایجاد اضطراب، و در حکم کردن بر اشیاء، خطا و در فکر و حافظه ضعف و کثرت فراموشی را پدید می‌آورند؛ همچنان که فرد معتاد از تأثیر دهندگان خارجی کم تأثیر می‌پذیرد، آنگونه که چیزی هراندازه تحقیق‌بخش خوشبختی باشد، او را خوشبخت نگردانیده و در او نشاط پدید نمی‌آورد، بلکه سعادت و انس او فقط با مواد مخدر است نه چیزی دیگر^(۱).

(۱) - المخدرات والمواد المشابهة المسببة للإدمان، از: دکتر محمد ابراهیم الحسن، ص ۳۶.

بخش چهارم:

حکم مواد مخدر در اسلام و حکمت تحریم آنها

این بخش شامل یک تمهید و پنج بحث است:

بحث اول: آیا این مواد نشئه‌آور (مسکر) هستند یا مخدر؟

بحث دوم: حکم مداوی نمودن با مواد مخدر.

بحث سوم: دلایل حرمت مواد مخدر.

بحث چهارم: حکم کشت و تجارت مواد مخدر.

بحث پنجم: حکمت تحریم مواد مخدر.

تمهید حکم مواد مخدر در اسلام

خداوند متعال برای بندگان خود دینی را مشروع ساخت که شامل صلاح و بهبود دنیا و آخرت آنهاست. باز از روی مهربانی خویش چنان چیزی را بر آنها لازم نگردانید که بالاتر از توانشان باشد؛ بل تمام احکام تکلیفی به اندازهٔ وسع و توان آنهاست، چنانکه خداوند متعال می‌فرماید: ﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ﴾ [البقرة: 286].

یعنی، «خداوند هیچ کس را بالاتر از توانش مکلف قرار نداده است؛ و برای هر کسی هست آنچه کسب کرده و علیه او نیز تمام می‌شود آنچه کسب نموده است». در پرتو این قانون خداوند رزق پاکیزه را برای بندگان حلال و هر آنچه فاسدکنندهٔ دین و مضر جان و مال باشد حرام نموده است. مواد مخدر در این نهی و تحریم داخل‌اند، زیرا مضر دین و از بین‌برندهٔ صحت و مال هستند.

شریعت اسلام، شریعتی است کامل و جاویدان؛ شریعت دین و دنیاست، هیچ راه خیری نیست که اسلام به آن امر نکرده و به انجام آن وادار ننماید، و هیچ راه بدی نیست که از آن نهی نکند و از آن بر حذر نداشته باشد. ما در این زمینه چهار چیز را که با حکم شرعی مواد مخدر ارتباط دارند، مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم.

نخست اینکه آیا این مواد مسکر و نشئه‌آوراند یا مخدر هستند؟

دوم اینکه حکم تداوی و معالجه با مواد مخدر چیست؟

سوم: ذکر دلایل حرمت مواد مخدر؟

چهارم: حکم کشت و تجارت آنها چیست؟

بحث اول:

آیا این مواد نشئه‌آور مسکراند یا مخدر؟

بین مواد مخدر و خمر (شراب) وصف مشترکی وجود دارد، این از مسلمات است که هردو نوع در تخدیر عقل و پدید آوردن سستی در بدن مشترک می‌باشند، و در ضمن باعث پدید آمدن خیالات فاسد و افکار بی‌جایی قرار می‌گیرند که منجر به ارتکاب برخی از جرایم و جنایات می‌شوند. و این چیزی است که واقعیت و تحقیقات میدانی‌ای که بر معتادان انجام گرفته بر آن گواه‌اند. علماء در باره چگونگی و تطبیق مواد مخدر اختلاف نظر دارند که آیا این‌ها مواد مسکر و نشئه‌آوراند تا با مسکرات ملحق گردند یا تنها مخدراند و با مسکرات ملحق نمی‌شوند، در این باره دو قول مشهور وجود دارد:

قول اول:

بعضی از علماء معتقداند که این‌ها مسکر و نشئه‌آوراند. بنابراین، انواعی از خمر (شراب) محسوب کردند، پس تمام آن احکامی که بر شارب خمر به اجرا در می‌آیند، بر استعمال‌کنندگان مواد مخدر نیز لازم الاجرا هستند، زیرا در علت حرمت که اسکار و نشئه‌آوری است باهم اشتراک دارند.

برخی از علماء بر این باوراند که آن تخدیری که به اعضاء و حواس در اثر استعمال مواد مخدر پدید می‌آید، اثری دیگر از جمله آثار بد و بسیاری آن‌ها چنان است که ضرر و زیان آن از خمر بالاتر قرار می‌گیرد^(۱).

از جمله کسانی که مواد مخدر را ملحق به خمر می‌دانند، می‌توان افراد زیر را نام برد:

(۱) - المخدرات بین الطب والفقه، ص ۵۸ و ۵۹.

۱- حافظ ابن حجر عسقلانی رحمته الله که در فتح الباری می‌نویسد: (از مطلق بودن حدیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله «كُلُّ مُسْكِرٍ حَرَامٌ» «هر مسکر حرام است» بر تحریم هر نشئه‌آور [اگرچه شراب نباشد] استدلال شده است. بنابراین، حشیش و غیره در این داخل هستند. علامه نووی وعده‌ای دیگر به طور قطع فرموده‌اند که: این‌ها نشئه‌آوراند، و گروهی دیگر به یقین گفته‌اند که: این‌ها مخدراند؛ اما این گفته آن‌ها مکابره‌ای بیش نیست، زیرا مشاهده می‌شود که آن طرب و نشئه‌ای که از خمر پدید می‌آید، از این‌ها نیز پدید می‌آید و تداوم و انهماکی که در شراب وجود دارد، در این‌ها هم موجود است^(۱).

۲- امام نووی در کتاب «المجموع» به نقل از رویانی می‌نویسد: «النبات الذي يسكر وليس فيه شدة مطربة يحرم أكله ولا حد على أكله»^(۲). یعنی، گیاهی که نشئه‌آور است ولی طرب شدیدی دربر ندارد، خوردنش حرام است و بر کسی که آن را می‌خورد، حد شرعی واجب الاجرا نیست. و در روضة الطالبین نوشته است: «وأما ما يزيل العقل من غير الأشربة والأدوية كالبنج حرام»^(۳). یعنی، آنچه غیر از آشامیدنی‌ها و دواها عقل را از بین می‌برد مانند بنگ، حرام است.

۳- شیخ الإسلام ابن تیمیه، در فتاوی خود در باره حشیش می‌گوید: «وأما الحشيشة الملعونة المسكرة فهي بمنزلة غيرها من المسكرات والمسکر منها حرام باتفاق العلماء. بل كل ما يزيل العقل فإنه يحرم أكله ولو لم يكن مسكراً كالبنج»^(۴). یعنی، حشیش لعنتی مسکر، مانند مسکرات دیگر است، و هر آنچه از آن‌ها مسکر

(۱)- فتح الباری، ج ۱۰، ص ۳۸.

(۲)- المجموع، ج ۹، ص ۳۰.

(۳)- روضة الطالبین، ج ۱۰، ص ۱۷۱.

(۴)- مجموع فتاوی شیخ الإسلام ابن تیمیه، ج ۲۴، ص ۲۰۴.

باشد به اتفاق علماء حرام است، بلکه هرچه عقل را از بین ببرد خوردنش حرام است اگرچه نشئه آور نباشد، مانند بنگ.

و در جایی دیگر از **فتاوی** خود می‌فرماید: «وكانت هذه الحشيشة الملعونة من أعظم المنكرات، وهي شر من الشراب المسكر من بعض الوجوه، والمسكر شر منها من وجه آخر، فإنها مع أنها تسكر آكلها حتى يبقی مصقولاً تورث التخنيث والديوثة وتفسى المزاج...»^(۱). ترجمه: «این حشیش لعنتی از بزرگ‌ترین منکرات است که از شراب نشئه آور از چند وجه بدتر است و (شراب) مسکر از یک جهت از این بدتر است؛ زیرا این در ضمن این که نشئه آور است تا آن حدی که استعمال‌کننده را عاری از عقل قرار می‌دهد، معتاد را نامرد و دیوث و مزاج را فاسد می‌گرداند».

۴- علامه زرکشی در زهر العریش فی تحریم الحشیش می‌گوید: «والذي أجمع عليه الأطباء والعلماء بأحوال النبات إنها مسكرة...»^(۲). یعنی، حشیش به اتفاق پزشکان و علماء نشئه آور است.

و در جایی دیگر می‌نویسد: «وأما الفقهاء فقد صرحوا بأنها مسكرة... إلى أن قال: ولا يعرف فيه خلاف عندنا...»^(۳). یعنی، فقهاء تصریح کرده‌اند که حشیش مسکر است... و در این باره اختلافی شناخته نشده است.

۵- مؤلف **عون المعبود** نوشته است: «وفي القهستاني: هو أحد نوعي شجر القنب، حرام لأنه يزيل العقل وعليه الفتوى...»^(۴). یعنی، در قهستانی آمده است که آن

(۱)- مجموع فتاوی شیخ الإسلام، ج ۳۴، ص ۲۰۵.

(۲)- زهر العریش، ص ۱۰۱.

(۳)- همان مدرک، ص ۱۰۲-۱۰۳.

(۴)- عون المعبود، ج ۱۰، ص ۱۳۲ و حاشیه ابن عابد (شامی)، ج ۶، ص ۴۷۵.

یکی از دو نوع درخت (گیاه) کنف و حرام است، زیرا عقل را زایل می‌کند، و فتوی بر همین است.

۶- علامه منوفی مالکی:

مؤلف **تهذیب الفروق** می‌فرماید: «اتفق فقهاء أهل العصر على المنع من النبات المعروف بالحشيشة التي يتعاطا الفسوق أعني كثيراً المغيب للعقل. واختلفوا بعد ذلك في كونها مفسدة للعقل من غير مسكر فتكون طاهرة ويجب فيها التعزيز، أو مسكرة فتكون نجسة ويجب فيها الحد قولان... إلى أن قال: والثاني للمنوفي قال: يبيعون لها بيوتهم فدل على أن لهم بها طرباً وفرحاً... وهذا يقتضي أن لها مسكرة فإنهم يصفونها بذلك في كتبهم...»^(۱).

ترجمه: (فقهائ عصر حاضر بر منع و جلوگیری از آن مقدار زیاد حشیش که عقل را از بین می‌برد و اهل فسق آن را استعمال می‌کنند، اتفاق نظر دارند.

سپس در این باره اختلاف نظر دارند که آیا آن، اگرچه عقل را فاسد می‌کند اما نشئه‌آور نیست لذا پاک می‌باشد و در آن تعزیر واجب می‌گردد، و یا نشئه‌آور و نجس است که در آن حد واجب گردد؛ در این باره دو قول وجود دارد: ...- تا آن که گفت:- قول دوم از منوفی است و او فرموده است: اعتیاد به آن تا جایی رسیده است که مردم خانه و کاشانه خود را به خاطر به دست آوردن آن به فروش می‌رسانند که این خود دال بر طرب و سرور در استعمال آن است، و این مقتضی مسکر و نشئه‌آور بودن آن است؛ و خود آنان در کتاب‌های شان آن را اینچنین توصیف می‌کنند...).

۷- ابن قیم، او در **زاد المعاد** فرموده است: «فأما تحريم بيع الخمر فيدخل فيه تحريم بيع كل مسكر مائيا كان أو جامداً أو عصيراً أو مطبوخاً فيدخل فيه عصير العنب وخمر الذبيب والتمر والذرة والشعير والعسل والحنطة. واللقمة الملعونة- الحشيش- لقمة

(۱)- تهذیب الفروق، بر حاشیه الفروق، ج ۱، ص ۲۱۴.

الفسق والقلب، التي تحرك القلب الساكن إلى أخبث أماكن، فإن هذا كله خمر بنص رسول الله ﷺ الصحيح الصريح الذي لامطعن في سنده ولا إجمال في متنه إذ صح عنه قوله: «كُلُّ مُسْكِرٍ خَمْرٌ» وصح عن أصحابه الذين هم أعلم الأمة بخطابه ومراده أن- الخمر- ما خامر العقل فدخل هذه الأنواع تحت اسم الخمر كدخول جميع أنواع الذهب والفضة والبر والشعير والتمر والزبيب تحت قوله ﷺ: «وَلَا تَبِيعُوا الذَّهَبَ بِالدَّهَبِ...»^(۱) الحديث.

ترجمه: (تحریم بیع خمر شامل بیع هر مسکر و نشئه آور اعم از مایع، یا جامد، یا شیر و یا مطبوخ می باشد. لذا عصیر انگور، شراب های کشمش، خرما، ذرت، جو، عسل و گندم در آن داخل می باشند.

لقمة لعنتی (حشیش)، لقمة فسق و قلب است که قلب آرام را به سوی خبیث ترین اماکن تحریک می کند، پس همه این ها بنا به نص صحیح و صریح رسول خدا ﷺ که در سندش هیچ جای طعنی وجود ندارد و نه در متنش اجمالی هست، در خمر داخل اند. زیرا آن حضرت ﷺ فرمود: «كُلُّ مُسْكِرٍ خَمْرٌ» (یعنی هر نشئه آور شراب است). از صحابه نیز به نص صحیح ثابت است که «الخمر ما خامر العقل» یعنی، خمر آن است که عقل را پنهان کند؛ و صحابه کرام ﷺ از همه امت نسبت به شناخت خطاب نبوی و مراد آن حضرت ﷺ از آن خطاب واقف تر هستند. پس دخول تمام این انواع زیر اسم خمر، مانند دخول تمام انواع ذهب، نقره، گندم، جو، خرما و کشمش در قول آن حضرت ﷺ است که فرمود: «وَلَا تَبِيعُوا الذَّهَبَ بِالدَّهَبِ...» یعنی، طلا را به طلا نفروشید...

۸- ابن حزم در **المحلی** فرموده است: (هر آن چیزی که بسیار آن برای یکی از مردم نشئه آور باشد، از قطره ای از آن گرفته تا هر مقدار که به بالا برود خمر به حساب

(۱)- زاد المعاد، ج ۴، ص ۴۶۳.

می‌آید که تملک، خرید و فروش نوشیدن و استعمال آن حرام است مانند عصیر انگور، نبید خرما، شراب گندم و شوکران...^(۱).

۹- ابن حجر هیتمی در **الزواجر** فرموده است: (استعمال مواد مخدر گناه کبیره و فسقی است مانند خمر؛ پس هر وعیدی که در باره شارب خمر آمده است، در حق استعمال کننده‌ی مواد مخدر می‌آید؛ زیرا هردو در ازاله عقل [که بقایش از نظر شرع مطلوب است] شریک می‌باشند، پس در حق کسی که چنین چیزی بکار برد که عقل را زایل کند، وعید شارب خمر تحقق پیدا می‌کند)^(۲).

۱۰- علامه ابن عابدین رحمته الله در **ردالمحتار** می‌نویسد: (... همانند حشیش، بنگ، افیون و زهرالقطن (گل پنبه) جوزبویاست؛ زیرا این قوی التفریح است که به حد نشئه‌آور می‌رسد، چنانکه در التذکره آمده است. لذا این همه و نظایر آنها اگر به قدر نشئه‌آوری مورد استعمال قرار گیرند، حرام می‌باشند نه مقدار قلیل، چنانکه قبلاً ذکر کردیم - فافهم - و مثل آنها بلکه بالاتر از آنها - تاتوره (برش) است؛ و آن چیزی است که از بنگ، تریاک و غیره ساخته می‌شود...)^(۳).

از اقوال نقل شده از این گروه بزرگ علماء که معاصر با زمان پدید آمدن این مواد بودند، چنین واضح می‌شود که ایشان این مواد مخدر را مسکر می‌دانستند، و وعید شارب خمر که در قرآن کریم آمده شامل حال استعمال کنندگان مواد مخدر می‌باشد، و بعضی از این گروه به دلایل عام و خاصی بر این مطلب استدلال نموده‌اند؛ از آن جمله، برخی در ذیل نقل می‌گردد:

۱- قول خداوند: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقَعَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْحَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ﴾ [المائدة: ۹۱].

(۱) - المحلی، ج ۷، ص ۵۶۲، مسأله ۱۰۹۸.

(۲) - الزواجر، ج ۱، ص ۲۱۲.

(۳) - حاشیه ابن عابد (شامی)، ج ۶، ص ۴۵۸.

یعنی، «شیطان می‌خواهد تا به وسیلهٔ خمر (شراب) و میسر (قمار) بین شما عداوت و بغض ایجاد نموده شما را از ذکر خدا و نماز باز دارد. پس آیا هنوز هم از آنها دست‌بردار نمی‌شوید؟»

۲- قول خداوند: ﴿إِنَّمَا سُكِّرَتْ أَبْصَرُنَا﴾ [الحجر: 15]. یعنی، «جز این نیست که پوشانده شدند چشم‌های ما».

و این دلیلی است بر این که حشیش مسکر است؛ زیرا معنی اسکار پوشاندن عقل است، و معنی (سُكِّرَتْ) در اینجا پوشاندن است، چنانکه ابن منظر می‌گوید: «كَانَ الْعَيْنُ الْحَقُّهَا مَا يَلْحَقُ شَارِبَ الْمُسْكَرِ إِذَا سَكَرَ». و به خود این آیه استشهاد نموده است^(۱)؛ یعنی همچنان که وقتی نوشندهٔ مسکر در چه وضعی قرار می‌گیرد، برای چشم‌هایشان همان وضعیت پیش می‌آید.

۳- عن ابن عمر رضی الله عنهما النبی صلی الله علیه و آله قال: «كُلُّ مُسْكَرٍ خَمْرٌ وَكُلُّ مُسْكَرٍ حَرَامٌ»^(۲). یعنی، هر نشئه‌آور خمر است و هر خمر حرام است.

این حدیث را به روایت‌های متعددی نقل شده است که همه، همین مطلب را می‌رسانند.

۴- همچنین این‌ها از یاد خدا و نماز باز می‌دارند. و هر چیزی که چنین صفاتی داشته باشد، مانند خمر حرام قرار می‌گیرد؛ خداوند فرموده است: ﴿وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ﴾ [الأعراف: 157]. یعنی، خداوند چیزهای خبیث را بر آنها حرام قرار می‌دهد.

و چه چیزی از آنچه عقل را [که تمام آیین‌ها و شریعت‌ها حفظ آن را واجب قرار داده اند] از بین ببرد، می‌تواند خبیث‌تر باشد؟ در حالی که خداوند بردن عقل را با استعمال از

(۱)- لسان العرب، ابن منظور، ج ۳، ص ۲۰۴۸.

(۲)- صحیح بخاری، ج ۵، ص ۲۰۵، و صحیح مسلم، ج ۶، ص ۱۰۱.

بین‌برندگان یا فاسدکنندگان، یا آنچه آن را از حالت عادی خارج کند حرام قرار داده است^(۱).

۵- عقل بر این دلالت دارد که به هنگام استعمال مواد مخدر وضعیت و حالتی پدید می‌آید که قبلاً نبوده است؛ و این وضعیت آغاز تغیر عقل است^(۲).

قول دوم:

بعضی از علماء بر این معتقد هستند که این مواد فقط مخدراند، مسکر و نشئه‌آور نیستند. افراد زیر حامی این نظریه هستند:

۱- امام قرافی مالکی رحمته الله وی فرموده است: (این‌ها مخدر هستند نه مسکر، به دو علت: یکی این که: ما درمی‌یابیم که این مواد خلط‌های مخفی در بدن را چگونه و هرچه باشند برمی‌انگیزانند. پس کسی که خلط صفرا داشته باشد، صفرایش تیزتر می‌شود، و کسی که بلغم دارد، سنگینی و خاموشی به او دست می‌دهد. و آن که دارای سوداست، گریه و پریشانی بر او طاری می‌شود، و کسی که دموی است سرور و شادی برایش پیش می‌آید. پس از جمله بعضی را می‌بینی که گریه‌اش شدت گرفته و بعضی را می‌بینی که خاموش و سکوتش بالا رفته است. ولی از استعمال‌کنندگان خمر و چیزهای نشئه‌آور کسی را نمی‌بینی که چنین وضعیتی داشته باشد، بلکه همه مست و مسروراند؛ از گریه و خاموشی دور قرار گرفته‌اند.

دوم اینکه: نوشندگان شراب را می‌بینیم که بسیار عربده می‌کشند و بر یکدیگر با سلاح حمله می‌کنند و به کارهای بزرگی هجوم می‌برند که در حال هوشیاری دست به چنین کاری نمی‌زنند، و همین است معنی قول شاعر که می‌سراید:

ونشر—بها فترکنا ملوکاً وأسداً ما ینهننا اللقاء^(۱)

(۱)- همان مدرک، ص ۱۱۲.

(۲)- زهر العریش، ص ۱۱۷.

ترجمه: آن را می‌نوشیم که در نتیجه ما را پادشاه و شیر قرار می‌دهد که لقا مانع ما نمی‌شود.

در صورتی که استعمال کنندگان حشیش وقتی باهم جمع شوند، چنین پیش‌آمدی بین آنها اتفاق نمی‌افتد و چنان عربده کشی‌ای که از شراب‌خوار شنیده می‌شود بلکه اینان افسرده و خاموش می‌باشند... پس بنابراین دو علت، من معتقدم که مواد مخدر از مفسدات اند نه از مسکرات و من بر استعمال کنندگان مواد حد را واجب قرار نمی‌دهم، نماز را در این وضع باطل نمی‌گوییم؛ بلکه بر این‌ها تعزیر زاجر را لازم قرار می‌دهم»^(۲).

۲- شیخ محمد بن حسین در کتاب «تهذیب الفروق» فرموده است: «علماء در این باره که آیا مواد مخدر تنها عقل را فاسد می‌کنند و نشئه‌آور نیستند که بنابراین، باید پاک باشند و در استعمال آنها تعزیر واجب شود، یا نشئه‌آور هستند که در این صورت نجس قرار می‌گیرند و در آنها حد لازم می‌گردد؛ به دو قول اختلاف نظر دارند»^(۳).

۳- علامه دسوقی در حاشیه خود برالخلیل، بعد از این که نجاست مسکر و وجوب حد در آن را به اثبات رسانیده است می‌نویسد: «... بخلاف المفسد ویقال له المخدر، وهو ما غیب العقل دون الحواس لامع نشوة وطرب ومنه الحشیشه... فإنه طاهر»^(۴). (به خلاف مفسد که به آن مخدر گفته می‌شود و آن عبارت است از آنچه عقل را پنهان کند نه حواس را و همراه با آن نشئه و طرب نباشد که از جمله آنها یکی حشیش است... که این مخدر پاک است).

(۱)- دیوان حسان بن ثابت، ص ۶۰، نشر دارالاندلس.

(۲)- الفروق للقرافی، ج ۱، ص ۲۱۷، ۲۱۸.

(۳)- تهذیب الفروق، ج ۱، ص ۲۱۴.

(۴)- حاشیه دسوقی برالخلیل، ج ۱، ص ۴۶.

۴- در «مواهب الجلیل» آمده است: «وإذا تقرر ذلك فللمتأخرين في الحشيشة قولان هل هي من المسكرات أو من المفسدات مع اتفاقهم على المنع من أكلها...» إلى أن قال - «... وبهذا يندفع ما أورده بعضهم على قوله إلا المسكر من شموله للنبات المغيب للعقل كالبنج والسيكران فإنها مفسدات أو مرقدات لا مسكرات»^(۱).

ترجمه: «وقتی که این (سه حکم تحریم قلیل و کثیر مسکر، وجوب حد در آن و نجاست آن) ثابت گردید، پس متأخرین در باره حشیش دو قول دارند، آیا از مسکرات است یا از مفسدات. در صورتی که بر جلوگیری از خوردن آن اتفاق نظر دارند...» - تا این که می‌فرماید: (با بیان این مطلب آن ایرادی که بعضی بر قول او: «إلا المسكر» وارد کرده بودند که آن شامل گیاهانی است که عقل را پنهان می‌کنند، مانند بنگ و شاکران که این‌ها مفسداند یا خواب‌آور و مسکر نیستند، دفع می‌گردد).

۵- مولانا عظیم آبادی در «عون المعبود» فرموده است: «... حقیقت این است که در اینجا دو اطلاق وجود دارد: یکی اطلاق اسکار، دوم اطلاق فساد و این از آنجاست که هرگاه اسکار اطلاق گردد، مراد از اسکار اطلاق شده، پنهان کردن عقل همراه با نشئه و طرب است، و این اطلاق خصوصی است. و هرگاه اسکار به صورت مطلق بکار گرفته شود، منظور از آن همین معنی دوم است، لذا در اطلاق اول بین مسکر و مخدر نسبت عموم خصوص مطلق وجود دارد؛ زیرا هر مخدر مسکر است، ولی هر مسکر مخدر نیست. پس مراد از اسکاری که بر حشیش، جوزبویا و امثال این‌ها اطلاق می‌شود، تخدیر است. و کسانی که آن را نفی می‌کنند هدف آنان معنی خصوصی آن است»^(۲). وی این مطلب را از ابن حجر هیتمی نقل کرده است.

(۱)- مواهب الجلیل، ج ۱، ص ۹۰.

(۲)- عون المعبود، ج ۱۰، ص ۱۳۷، الزواجر، ج ۱، ص ۲۱۳، ۲۱۴.

صاحبان این نظریه از حدیث ام سلمه رضی الله عنها به روایت شهر بن حوشب که «رسول خدا صلی الله علیه و آله از هر مسکر و مفتر نهی فرمود»^(۱) استدلال کرده و گفته‌اند: در اینجا کلمه مفتر بر کلمه مسکر عطف شده است و عطف متقاضی مغایرت است، لذا مسکر حکمی جداگانه و مفتر حکمی جداگانه دارد.

علامه ابن حجر هیتمی در «الزواجر» خواسته است بین این دو نظریه تطبیق دهد، لذا فرموده است: گاهی اسکار اطلاق می‌شود و مقصود از آن مطلق تغطیه عقل است، و این اطلاقی عمومی است و گاهی اطلاق می‌شود و از آن معنی خصوصی که عبارت از تغطیه عقل همراه با نشئه و طرب است منظور می‌گردد، و هرگاه اسکار به صورت مطلق استعمال بشود، منظور همین معنی است.

بنابراین، کسانی که اسکار را بر حشیش و امثال آن اطلاق می‌نمایند، منظورشان معنی اعم که همان تخدیر است، می‌باشد و آنان که اسکار را از حشیش نفی می‌کنند، مراد آنها معنی خصوصی است که همراه با نشئه طرب باشد^(۲).

شاید نتیجه دو رای مختلف گذشته در بیان این دو امر اساسی واضح شود:

اول: حکم مداوی با مواد مخدر.

دوم: مجازات استعمال‌کننده آن.

بدون شک و تردید نظریه اول که این مواد مسکر هستند، و حکم آنها از هر جهت مانند حکم مسکر است، ترجیح دارد؛ زیرا مواد مخدر در عموم مسکرات که عقل را پنهان می‌کنند داخل‌اند. برای این که مواد مخدر و مسکرات هر دو دارای یک تأثیر هستند، و آن عبارت است از: پنهان کردن و از بین بردن عقل. باز در مواد مخدر بعینه آن مفاصد و ضررهایی وجود دارد که در خمر موجوداند، از قبیل ضایع نمودن مال، برانگیختن عداوت و بغض بین

(۱) - این حدیث را امام احمد در مسندش روایت کرده است، ج ۴، ص ۲۷۳. همچنین ابوداود، در سنن، ج ۴، ص ۹۰.

(۲) - الزواجر، ج ۱، ص ۲۱۳ و ۲۱۴.

مردم و بازداشتن از یاد خدای تعالی و از نماز. پس شراب‌خوار و استعمال‌کننده مواد مخدر هردو نیروی حافظه خود را از دست می‌دهند و کارهایی می‌کنند که پدید آورنده تشمت و اختلاف و ایجاد‌کننده عداوت و بغض است.

و بدون شک مدار تکلیف عقل است، پس در آن حالی که عقل به وسیله مواد مخدر از بین رفته یا در شرف از بین رفتن است چگونه می‌تواند تکالیف شرعی را انجام دهد.

بحث دوم: حکم مداوی با مواد مخدر

علماء بر حرمت آن مقدار از مواد مخدر که بر عقل اثر بگذارد، اتفاق نظر دارند. همچنان که متفق القول هستند بر حرمت تناول مقدار کمی از آن به قصد لهو یا لذت و مقاصد دیگری که شرع آن‌ها را اعتبار نمی‌دهد. شیخ الإسلام ابن تیمیہ رحمہ اللہ فرموده است: «این حشیش سفت حرام است؛ برابر است که نشئه آور باشد یا خیر، و نشئه آور آن به اتفاق مسلمانان حرام است...»^(۱).

در **تہذیب الفروق** آمده است: «فقہای عصر حاضر بر جلوگیری از گیاه معروف به حشیش که فساق و فجار آن را استعمال می‌کنند، یعنی آنقدر زیاد که عقل را از بین می‌برد، اتفاق نظر دارند»^(۲).

علامہ ابن عابدین در «رد المحتار» نوشته است: «... حرمت مواد مخدر به نیت لهو محل خلاف نیست که متفق علیہا می‌باشد...»^(۳).

آنچه ذکر شد قدر متفق علیہ بود، البتہ مداوی نمودن به (پزشک متخصص) و ماهر در طب و متدین بعضی از بیماران را به استعمال مقداری اندک به نیت معالجه بعضی از حالات، مانند تسکین درد مشورہ بدهد.

(۱) - مجموع فتاوی شیخ الإسلام ابن تیمیہ، ج ۳۴، ص ۲۱۰.

(۲) - تہذیب الفروع بر حاشیۃ الفروق، ج ۱، ص ۲۱۳.

(۳) - رد المحتار، ج ۶، ص ۴۵۵.

قول اول:

کسانی که مواد مخدر را مسکر و نشئه آور قرار داده و آن را در حکم خمر گفته‌اند؛ از مداوا نمودن با آن منع کرده‌اند اگرچه مقدار مورد استفاده بسیار اندک هم باشد، از این جمله افراد ذیل را می‌توان نام برد.

۱- شیخ الإسلام ابن تیمیه:

او در «السیاسة الشرعية» فرموده است: «... حق آن است که جمهور مسلمان می‌گویند که، هر مسکر خمر است و بر استعمال‌کننده آن باید حد شراب‌خوار زده شود. اگرچه قطره‌ای از آن بنوشد و چه آن را به نیت دوا استعمال کند، یا به نیتی دیگر. زیرا از رسول خدا ﷺ سؤال شد: آیا می‌توان با خمر مداوی نمود؟ آن حضرت ﷺ فرمود: «إِنَّهَا دَاءٌ وَلَيْسَتْ بِدَوَاءٍ، وَإِنَّ اللَّهَ لَمْ يَجْعَلْ شِفَاءَ أُمَّتِي فِيمَا حَرَّمَ عَلَيْهَا»^(۱).^(۲) یعنی، «این دوايي نیست که بیماری است؛ و خداوند شفای امت مرا در آنچه بر او حرام نموده، قرار نداده است». و در فتاوی خود فرموده است: «هرآنچه عقل را غایب می‌کند، حرام است اگرچه به سبب آن نشئه و طرب دست ندهد، زیرا پنهان کردن عقل به اجماع مسلمانان حرام است، اما استعمال بنگ که نشئه آور نباشد و عقل را از بین نبرد، تعزیر دارد»^(۳).

۲- ابن قیم رحمه الله:

او در زادالمعاد فرموده است: «اما حرمت تداوی با محرّمات از نظر عقل این است که خداوند آن را به بنابه خبائث حرام قرار داده است؛ زیرا خداوند چیزهای لذیذ و پاکیزه را بر این امت به خاطر عقوبت آنها حرام قرار نداده است، آنچنان که بر بنی اسرائیل جهت

(۱)- صحیح مسلم، ج ۶، ص ۸۹

(۲)- السیاسة الشرعية، ص ۱۲۷.

(۳)- مجموعه فتاوی ابن تیمیه، ج ۳۴، ص ۲۱۱.

سزای‌شان چیزهای پاکیزه حرام قرار گرفت. خداوند می‌فرماید: ﴿فَيُظْلَمُ مِّنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمًا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٌ أُحِلَّتْ لَهُمْ﴾ [النساء: 160]. یعنی، «بنابر ظلمی که از یهود سر زد، چیزهای پاکیزه‌ای را بر آنها حرام قرار دادیم».

و آنچه بر این امت حرام قرار گرفته است بنابر خبثت آن (چیز) است، و این تحریم یک نوع حمایت و صیانتی است برای آنها از استعمال آن، لذا نباید به وسیله آن از امراض و علل شفا جست؛ زیرا اگرچه موقتاً در دور گردانیدن بیماری اثر دارد، اما امراض خطرناک‌تری را به دنبال خواهد داشت، و آن عبارت از آثار بد آن در قلب به سبب خبثتش می‌باشد. لذا مداوا کردن امراض جسمانی با آن تلاشی است برای تولید مرض در قلب...»^(۱).

۳- ابن حجر هیتمی:

وی در «الزواجر» فرموده است: «وقتی ثابت گردید که همه این مواد مخدر مسکر و یا مخدر هستند، پس استعمال آنها گناه کبیره و فسقی است به مثل استعمال خمر، و هر وعیدی که در باره شراب‌خوار آمده است، عیناً در باره این مواد مخدر مذکور هم خواهد آمد، زیرا هردو در از بین بردن عقل که از نظر شرعی بقایش مقصود است شریک هستند، زیرا عقل وسیله فهم است که هرآنچه از جانب خدا و رسول ﷺ بیاید به وسیله عقل درک می‌شوند، و با همین عقل است که انسان از سایر حیوانات ممتاز می‌گردد، و به ذریعه همین است که انسان به دست آوردن کمالات را بر نقایص ترجیح می‌دهد. بنابراین، در استعمال آنچه عقل را زایل بکند، وعید شارب خمر خواهد آمد...»^(۲).

(۱)- زاد المعاد ابن قیم، ج ۳، ص ۲۴۰.

(۲)- الزواجر، ج ۱، ص ۲۱۲.

قول دوم:

بسیاری از علماء معتقد هستند که مداوا نمودن با مخدرات جایز است، به شرطی که دوا بودن آن توسط پزشک ماهر و متدین و امین اعلام گردد. از این جمع افراد زیر را می‌توان نام برد:

۱- علامه نووی:

وی در «روضة الطالبین» فرموده است:

«... آنچه غیر از نوشیدنی‌ها عقل را زایل می‌کند، مثل بنگ حرام است؛ ولی در استعمال آن حد جاری نمی‌شود. و اگر در عمل جراحی نیاز به بیهوشی پیش بیاید، آیا استعمالش جایز است یا خیر؟
گویم: اصح جواز است. و اگر نیازی برای زایل کردن عقل به خاطر غرضی صحیح باشد، استعمالش قطعاً صحیح است...»^(۱).

۲- علامه ابن عابدین:

او در «رد المحتار» نوشته است: «... امام محمد فرموده است: (آنچه کثیرش نشئه‌آور باشد، مقدار کمی از آن هم حرام است) گویم: (گوینده ابن عابدین است) از نظر ظاهر، این گفته امام محمد مختص به نوشیدنی‌هاست، و با جامدات مانند بنگ و تریاک ارتباطی ندارد، لذا استعمال مقدار قلیل از آن حرام نمی‌باشد، بلکه مقدار زیاد که نشئه بیاورد حرام است. چنانکه ابن حجر در «تحفه» و غیره تصریح نموده است، و آنچه از کلام ائمه ما مفهوم می‌شود همین است؛ زیرا آنان این را از دواهای مباح قرار داده‌اند اگرچه نشئه‌آور آن‌ها به اتفاق حرام است...»^(۲).

(۱)- روضة الطالبین، ج ۱۰، ص ۱۷۱. نگا: مجموع ج ۹، ص ۳۰.

(۲)- رد المحتار، ج ۶، ص ۴۵۵.

۳- علامه قرافی:

وی در «الفروق» گفته است: «... تناول مقدار کم جایز است، پس کسی که جبه‌ای از تریاک، یا بنگ، یا شوکران تناول نماید جایز است، به شرطی که آنقدر نباشد که تأثیرش در عقل یا حواس پدید آید. ولی کمتر از آن، جایز است...»^(۱).

۴- علامه دسوقی:

ایشان در «حاشیه» خود بر «شرح کبیر» می‌نویسد: «... ظاهر این است که خوردن مواد خواب‌آور به خاطر عمل جراحی و مانند آن جایز است، زیرا ضرر خواب‌آور مأمون است و ضرر عضو، غیر مأمون است...»^(۲).

۵- خطاب:

در «مواهب الجلیل» می‌نویسد: «... ابن فرحون نیز گفته است: ظاهر این است که نوشیدن مواد خواب‌آور به خاطر عمل جراحی و مانند آن جایز است، زیرا ضرر خواب‌آور مأمون و ضرر عضو، غیر مأمون است...»^(۳).

۶- زرکشی:

وی در «زهرالعریش» گفته است: «... از آن جمله یکی جواز مداوی با آنهاست، اگر ثابت شود که در بعضی از بیماری‌ها مفیداند...»^(۴).

(۱)- الفروق للقرافی، ج ۱، ص ۲۱۸.

(۲)- حاشیه الدسوقی، ج ۱، ص ۴۶.

(۳)- مواهب الجلیل، ج ۱، ص ۴۶.

(۴)- زهرالعریش، ص ۱۳۵.

۷- ابن حزم:

از این بیشتر سعه صدر نشان داده اباحت محرمات به خاطر ضرورت را بدون قید کم و کاست، عام قرار داده و گفته است: «... هر آنچه مقدار زیادش کسی را نشئه کند، از نقطه (ذره‌ای) گرفته تا هر مقداری که بیشتر باشد، همه خمر به حساب می‌آیند که تملک، خرید و فروش و استعمالش بر همه حرام است، مانند عصیر عنب، نیذ انجیر، شراب گندم و شکوکران...»^(۱).

و در جایی دیگر از همین کتاب می‌گوید: «... هر آنچه خداوند، از خوردنی و نوشیدنی از قبیل، خوک، شکار حرام، مردار، خون و گوشت پرندگان درنده، درندگان چهارپا، حشرات، خمر (شراب) یا چیزهایی دیگر حرام قرار داده است. تمام این‌ها بنابر ضرورت حلال است به استثناء گوشت انسان و آنچه استعمالش منجر به کشتن شود. پس از این دو نوع هیچ چیزی حلال نیست نه بنا به ضرورت و نه بدون ضرورت...»^(۲).

آنچه برای من واضح و روشن است این است که استعمال مواد مخدر از هر جهت حرام است، چه به صورت خرید و فروش و چه به صورت تملک، استعمال و معالجه و مداوا با آن؛ اما حالت‌های اضطراری احکام جداگانه‌ای دارند که به قدر ضرورت و حدود مقرر سخت و بعد از بین تمام وسایل دیگر اجرا می‌شوند. اما با وجود این، من فکر می‌کنم که استعمال بنگ برای انجام عمل‌های لازم که اجرای آن‌ها بدون تخدیر کامل امکان ندارد، جایز است. آنچه مرا برای صدور این رأی (حرمت استعمال و از جمله مداوا با آن) وادار داشته امور آتی است:

الف- علمایی که تداوی با مخدرات را مجاز دانسته‌اند، از ضررهای مهلک آن‌ها [که امروزه برای ما نمایان هستند] و تمام کشورها را وادار کردن تا با این وبا مبارزه کنند و صدها

(۱)- المحلی لابن حزم، ج ۷، ص ۵۶۲، مسألة ۱۰۹۸.

(۲)- محلی، ج ۷، ص ۵۰۰، مسألة ۱۰۲۵.

میلیون جهت از بین بردن آن و راندن قاچاقچیان و توزیع کنندگان آن صرف کنند، اطلاع نداشتند.

ب- نهی صحیح و صریحی که در منع تداوی بالخمّر وارد شده است، مختص و منحصر به خمر نیست؛ بلکه به طریق اولی شامل تمام مواد مخدر است، زیرا در آن نهی از تداوی با تمام محرّمات است.

ج- طب جدید ثابت کرده است که مواد مخدر سبب امراض بسیار خطرناکی قرار گرفته‌اند، پس چگونه علاج کامل می‌شود، با آن چیزی که خود تولید کننده امراضی، چند برابر مرض قلبی است؟! این به عینه مصداق قول شاعر است که می‌گوید:
 والمستجیر بعمر و عند کربته کالمستجیر من الرضاء بالنار
 «مثال آن که به هنگام پریشانی به عمر و پناه می‌برد، مانند کسی است که از شدت گرمای سنگریزه‌ها به آتش پناه می‌برد».

د- مقایسه نمودن این، بر حلت خوردن مردار برای مضطرّ موجه و درست نیست، زیرا بین این دو وجه فاروق وجود دارد، و آن عبارت است از این که داعیه‌های طبعی از خوردن مدار نفرت‌انگیزاند، و هرگاه نیز به خوردن آن پیش بیاید، نمی‌توان بیش از ضرورت خورد. اما میل طبعی به سوی مواد مخدر کاملاً موجود است. بنابراین، هرگاه ضرورتی پیش بیاید، و ما طبق میل او به اباحتش فتوی صادر کنیم، استعمال کننده بر قدر ضرورت اکتفا نخواهد کرد، بلکه در اثر رغبت شدید و انگیزه شهوت و لذت از حد ضرورت تجاوز خواهد کرد^(۱).

(۱) - المخدرات بین الطب والفقه، ص ۶۵-۶۷.

بحث سوم: در بیان دلایل تحریم مواد مخدر

نص صریحی در باره حرمت مواد مخدر در قرآن مجید نیامده است، البته در احادیث نصوصی وجود دارد که می‌توان از آن‌ها بر حرمت مواد مخدر استدلال نمود، زیرا در آن‌ها وصف جامع تمام مواد مخدر [که از آن جمله یکی صفت تخدیر است] به صراحت مورد بحث قرار گرفته است. ولی نصوص به طور عموم و قاعده کلی وارد شده‌اند که می‌توان از آن‌ها بر تحریم مواد مخدر استدلال کرد.

ائمه مجتهدین در زمان خویش روی مواد مخدر بحث و بررسی نکرده‌اند، زیرا در عصر آنان وجودی از این مواد نبود. اما از زمان پدید آمدن آن‌ها در قرن ششم به بعد، علماء روی آن به طور کامل بحث و بررسی کرده‌اند. در این (تمهید ادله تحریم مواد مخدر) از هر مذهب یک نص و نصوصی چند از ائمه‌ای مجتهدین خواهیم آورد تا از لابلای آن‌ها، آنچه را علماء ذکر کرده‌اند واضح و روشن گردد.

پیش از همه پاسخ شیخ الإسلام ابن تیمیه به کسانی که معتقد بودند راجع به مواد مخدر در کتاب الله و سنت رسول الله ﷺ هیچ نصی وجود ندارد را که ذکر خواهم کرد. ایشان فرموده است: «... و اما قول قایللی که می‌گوید: در باره مواد مخدر هیچ آیه و حدیثی وجود ندارد، این از جهل و نادانی اوست، زیرا در قرآن و حدیث کلمات جامعی وجود دارد که قواعد عمومی و قوانین کلی هستند و شامل تمام آن چیزهایی هستند که در زیر آن‌ها (قواعد درمی‌آیند، و هرچه در زیر آن‌ها درآید، در قرآن و حدیث مذکور است، اما با اسم عمومی؛ زیرا ذکر همه اشیای دنیا به اسم ویژه آن‌ها امکان‌پذیر نیست...»^(۱).

(۱) - مجموع فتاوی ابن تیمیه، ج ۳۴، ص ۲۰۶، ۲۰۷.

۱- علامه محمد امین شامی معروف به ابن عابدین در «رد المحتار» می گوید: «وقال محمد ما أسكر كثيره فقليله حرام» «امام محمد رحمته الله گفته است: آنچه کثیر آن مسکر باشد، مقدار کم از آن هم حرام است».

من می گویم: این قول امام محمد مختص به نوشیدنی های مایع است، شامل جامداتی مثل بنگ و تریاک نمی باشد، لذا مقدار کم از آنها حرام نیست، بلکه مقدار کثیر که مسکر و نشئه آور باشد حرام است... تا آن که گفت: اگرچه مسکر آن بالاتفاق حرام است»^(۱).

۲- در «تهذیب الفروق» آمده است: «علماء در باره این گیاه اختلاف نظر دارند که آیا مطلقاً در جمع مسکرات داخل است که در نتیجه، نجس و موجب حد باشد و قلیلش همانند کثیرش حرام قرار گیرد، یا این که از مفترات است مطلقاً که فقط در اطراف (اعضاء) استرخا و تخدیر به وجود می آورد که منجر به سستی و انکسار می شود، مانند حشیش که در پدید آوردن نشئه با اولیت (حقیقت) خمر مشارکت دارد، لذا آن مقدار که در عقل اثر می گذارد بالاتفاق حرام است...»^(۲).

۳- امام نووی رحمته الله در «روضه» فرموده است: «... هر آنچه از غیر اشربه عقل را زایل کند، مانند بنگ حرام است...»^(۳).

۴- شیخ الإسلام ابن تیمیه فرموده است: «اما حشیش مسکر لعنتی مانند سایر مسکرات است، و مسکرات به اتفاق علماء حرام اند؛ بلکه هر آنچه عقل را زایل کند، خوردنش حرام است اگر چه نشه آور نباشد مانند بنگ، زیرا در استعمال مسکر حد واجب می شود و در استعمال غیر مسکر تعزیر واجب است؛ اما مقدار کم حشیش که سکر بیاورد، نزد جمهور علماء حرام است؛ بل مقدار کم از بقیه مسکرات...»^(۴).

(۱)- رد المحتار، ج ۶، ص ۴۵۵.

(۲)- تهذیب الفروق، ج ۱، ص ۲۱۸.

(۳)- روضة الطالبین، ج ۱۰، ص ۱۱۷.

(۴)- مجموع فتاوی شیخ الإسلام ابن تیمیه، ج ۳۴، ص ۲۰۴.

- ۵- علامه زرکشی در «زهرالعریش» فرموده است: «... فصل چهارم در باره این که این‌ها (مواد مخدر) حرام هستند، و ادله شرعی و عقلی در این باره به حد کافی زیاداند...» و در جایی دیگر فرموده است: «... فقهای اصحاب ما و دیگران اجماع کرده‌اند که تناول مسکر حرام است، و این شامل گیاه و غیره می‌باشد»^(۱).
- ۶- علامه ذهبی در «الکبائر» فرموده است: «... به هر حال این (مواد مخدر) در محرمات خدا و رسول ﷺ از قبیل خمر مسکر، لفظاً و معنی داخل‌اند...»^(۲).
- ۷- علامه ابن قیم در «زادالمعاد» فرموده است: «... لقمه لعنتی - حشیش - لقمه فسق و قلب است که قلب آرام و ساکن را به سوی اماکن خبیث تحریک می‌کند، پس همه این‌ها حرام‌اند به نص صحیح و صریح رسول خدا ﷺ که در سندش هیچ جای طعن و تنقیدی و در متنش هیچگونه اجمالی وجود ندارد...»^(۳).
- ۸- علامه ابن حجر هیتمی در «الزواجر» فرموده است: «... از آنچه متحقق شد، ثابت گردید که این (جوزبویا) نزد ائمه اربعه حرام است. ائمه ثلاثه حرمت آن را به طور نص بیان کرده‌اند و احناف با مقتضاء النص بیانگر آن هستند، زیرا وضع آن از دو صورت خالی نیست: یا مسکر است و یا مخدر، و اصل این در حشیش است که بر جوزبویا قیاس می‌شود...»^(۴).
- ۹- صنایعی در «سبل السلام» نوشته است: «... مسکر از هر چیزی که باشد حرام است؛ اگرچه نوشیدنی نباشد مانند حشیش...»^(۵).

(۱)- زهرالعریش، ص ۱۱۵ و ۱۲۰.

(۲)- الکبائر للذهبی، ص ۸۶.

(۳)- زاد المعاد، ج ۴، ص ۴۶۳.

(۴)- سبل السلام، ج ۴، ص ۵۰.

(۵)- الزواجر، ج ۱، ص ۲۱۳.

علمای یادشده و گروهی دیگر بر حرمت مواد مخدر به کتاب الله (قرآن)، سنت رسول الله ﷺ (حدیث)، اجماع امت و قیاس استدلال کرده‌اند. مواضع استدلال از کتاب الله به شرح زیر است:

۱- ﴿الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الَّذِي يَحْدُوهُمْ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ﴾ [الأعراف: 157].

ترجمه: «آنان که پیروی می‌کنند آن پیامبری را که نبی امی است، آن که می‌یابند نعت او را نوشته شده نزد خویش در تورات و انجیل می‌فرماید ایشان را به کار پسندیده و منع می‌کند ایشان را از ناپسندیده و حلال می‌سازد برای ایشان پاکیزه‌ها را و حرام می‌کند بر ایشان ناپاکیزه‌ها را و ساقط می‌کند از ایشان بار گران را و آن مشقت‌هایی را که برایشان بود».

علماء از آیه یادشده یک قانون کلی استنباط نموده‌اند که «هر طیب و پاکیزه مباح و هر خبیث حرام است». پس وقتی که بخواهیم مواد مخدر را زیر این قانون در بیاوریم، آیا عاقلی می‌تواند بگوید: این‌ها جزو طیب و مباح هستند؟! فکر نمی‌کنم کسی مطلقاً چنین بگوید، بلکه عموم عاقلان به طور اتفاق آن‌ها را از خبیث و حرام قرار داده‌اند؛ زیرا چنان ضررهای خطرناکی دارند که از عموم مخفی نمانده‌اند، چه برسد به خواص.

۲- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلُمُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٩١﴾ إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنتَهُونَ ﴿٩٢﴾﴾ [المائدة: 90-91].

ترجمه: «ای مسلمانان! جز این نیست که خمر و قمار و نشان‌های معبودان باطل و تیرهای فال پلید است، از کردار شیطان است پس احتراز کنید از وی تا باشد که شما رستگار شوید. جز این نیست که می‌خواهد شیطان که بیندازد در میان شما دشمنی و ناخوشی به سبب خمر و قمار و باز دارد شما را از یاد خدا و از نماز، پس آیا الحال شما باز ایستادید».

۳- ﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا﴾ [البقرة: 219].

«سؤال می کنند تو را از شراب و قمار، بگو: در این هردو گناه سخت است و نفع هاست مردمان را [یعنی در دنیا] و گناه این هردو سخت تر است از نفع آن‌ها».

۴- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَرَىٰ حَتَّىٰ تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ﴾ [النساء: 43].

«ای مؤمنان! به نماز نزدیک مشوید در حالی که شما مست باشید تا آن که بفهمید آنچه به زبان می گوید».

این آیات نصوصی هستند دال بر حرمت خمر با تفاوت دلالت‌ها و خمر عبارت است از آنچه عقل را پنهان نماید، و این مطلب در مواد مخدر کاملاً بلکه با شدت بیشتری وجود دارد.

شیخ الإسلام ابن تیمیه می گوید: «... مقدار کم از حشیش که مسکر باشد نزد جمهور علماء حرام است، مانند مقدار کم سایر مسکرات...» تا این که فرمود: «فرقی در این نیست که مسکر مأکول باشد یا مشروب، جامد باشد یا مایع...»^(۱).

۵- ﴿وَلَا تُقَاتِلُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ﴾ [البقرة: 195].
«و خود را به سوی هلاکت میفکنید».

۶- ﴿وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا﴾ [النساء: 29].
«مکشید خویشتن را، هر آینه خدا به شما مهربان است».

این دو آیه یاد شده نگهداری سلامت نفس را واجب قرار داده‌اند و نیز واجب کرده‌اند که نباید نفس را در مهلکه یا ارتکاب خطرهایی قرار داد که منجر به قتل نفس شوند، مگر این که مصلحت راجحی وجود داشته باشد مانند جهاد در راه خدا.

(۱)- مجموع فتاوی شیخ الإسلام، ج ۳۴، ص ۲۵۴.

ضررهای مواد مخدر برای صحت و سلامتی از نظر علوم پزشکی به ثبوت رسیده است، بلکه ثابت شده است که گاهی به جنون و دیوانگی و گاهی به مرگ منجر می گردند و پزشکان و علماء بر این تنصیص نموده اند و هریکی از شیخ الإسلام ابن تیمیه و علامه زرکشی به گوش های از آنها اشاره نموده اند.

شیخ الإسلام ابن تیمیه می گوید: «... این (حشیش) در ضمن این که استعمال کننده خود را نشئه می گرداند، او را مست و از خود بی خبر می سازد، و در نتیجه مخنث و دیوث بودن را به ارمغان می آورد و مزاج را فاسد و شخص بزرگ را مانند اسفنج می گرداند، پرخوری را به دنبال دارد و دیوانگی پدید می آورد؛ بسیاری از مردم به سبب خوردن آن دیوانه شده اند...»^(۱).

علامه زرکشی فرموده است: «... گروهی آن را استعمال نموده اند و در نتیجه عقل آنان از کار افتاده است و بسا اوقات استعمال آن کشنده بوده است...»^(۲).

منابع استدلال بالسنة:

- ۱- روایتی است از حضرت عبدالله بن عمر رضی الله عنهما که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «كُلُّ مُسْكِرٍ خَمْرٌ وَكُلُّ خَمْرٍ حَرَامٌ»^(۳). یعنی، هر مسکر خمر است و هر خمر حرام است.
- ۲- روایت جابر بن عبدالله رضی الله عنه که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «مَا أَسْكَرَ كَثِيرُهُ فَقَلِيلُهُ حَرَامٌ»^(۴). یعنی، هر آنچه مقدار زیادش سکر بیاورد مقدار اندکش هم حرام است.
- ۳- روایت حضرت ام سلمه رضی الله عنها است که «نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله عَنْ كُلِّ مُسْكِرٍ وَمُفْتَرٍ»^(۱). رسول خدا صلی الله علیه و آله از هر چیز نشئه آور و فتور آور نهی فرموده است.

(۱)- مجموع فتاوی شیخ السلام، ج ۳۴، ص ۲۰۵.

(۲)- زهر العریش، ص ۱۰۲.

(۳)- متفق علیه، بخاری، ج ۵، ص ۲۰۵، و مسلم، ج ۶، ص ۲۰۵.

(۴)- ابوداود، ج ۴، ص ۸۷ - نسائی، ج ۸، ص ۳۰۰.

این احادیث در باره حرمت خمر بلکه در تحریم هر مسکر نیز صریح هستند، بنابه آن ترجیحی که قبلاً ذکر شد، مسکر شامل مواد مخدر می‌باشد؛ بلکه ضررش بیش از مسکرات است.

علامه ابن حجر عسقلانی در **فتح الباری** فرموده است: «از مطلق قول رسول خدا ﷺ «كُلُّ مُسْكِرٍ حَرَامٌ» بر حرمت هر مسکر اگرچه آشامیدنی نباشد استدلال شده است، لذا این حدیث شامل حشیش و غیره می‌باشد»^(۲).

مولانا عظیم آبادی در **عون المعبود** از علامه طیبی نقل کرده است که «بعید نیست که بر تحریم بنگ و شعشاع و مثال آنها [که عقل را سست یا زایل می‌کنند] از حدیث فوق استدلال نمود، زیرا علت ازاله عقل است که در همه یکنواخت وجود دارد»^(۳).

شوکانی در رد قول کسی که خمر را به عصیر عنب اختصاص داده می‌گوید: «قول او مخالف با لغت عرب و سنت صحیح و اصحاب کرام است، زیرا صحابه به هنگام نزول حرمت خمر از دستور اجتناب از خمر، فهمیدند که هر مسکر حرام است و فرقی در میان عصیر عنب و غیره قایل نشدند، بلکه همه را یکی قرار داده حرام گفتند و در حرام گفتن نه توقف نمودند و نه به تفصیل قایل شدند و نه به مشکلی مواجه گشتند»^(۴).

منابع اجماع:

شیخ الإسلام ابن تیمیہ اجماع اهل علم را بر تحریم مواد مخدر که یکی از آنها حشیش است نقل کرده است، و همچنین علامه زرکشی و صحاب الفروق.

(۱) - مسند امام احمد، ج ۴، ص ۲۷۳.

(۲) - فتح الباری، ج ۱۰، ص ۳۸.

(۳) - عون المعبود، ج ۱۰، ص ۱۲۷.

(۴) - نیل الأوطار، ج ۸، ص ۱۸۴.

ابن تیمیه می گوید: «حشیش لعنتی مسکر به منزله‌ی مسکرات دیگر است و مقدار مسکر از آن به اتفاق علماء حرام است»^(۱).

علامه زرکشی می گوید: «اجماع بر تحریم آنها را عدۀ زیادی از علماء نقل کرده‌اند، از آن جمله یکی **قرافی** است که در قواعدش نقل نموده و دیگری ابن تیمیه...» و در جایی دیگر فرموده است: «فقهای اصحاب ما و دیگران بر حرمت تناول مسکر اجماع کرده‌اند و این را بر گیاه و غیره عام قرار داده‌اند»^(۲).

صاحب **تهذیب الفروق** می گوید: «فقهای عصر حاضر اتفاق کرده‌اند بر منع و جلوگیری از گیاه معروف به حشیش که اهل فسق آن مقدار از آن را که زایل کننده‌ی عقل باشد استعمال می کنند...»^(۳).

صاحبان **عون المعبود** می گوید: «عراقی و ابن تیمیه بر این که حشیش حرام و مستحل آن کافر است، اجماع را نقل کرده‌اند...»^(۴).

صاحبان **زواجر** فرموده است: «قرافی و ابن تیمیه بر حرمت حشیش اجماع را نقل کرده‌اند و باز فرموده است: هرکس آن را حلال بداند کافر است، و گفته است که ائمه اربعه از این جهت روی آن صحبت نکرده‌اند که در زمان آنان کشف نشده بود...»^(۵).

در **سبل السلام** آمده است: «علامه خطابی فرموده است: مفتر هر آن شرابی هست که فتور و سستی در اعضا پدید آورد. و باز فرموده است: عراقی و ابن تیمیه بر حرمت حشیش و این که مستحل آن کافر است اجماع را نقل کرده‌اند»^(۶).

(۱) - مجموع فتوی شیخ الإسلام، ج ۳۴، ص ۲۰۴۳.

(۲) - زهر العریش، ص ۱۱۹ - ۱۲۰.

(۳) - تهذیب الفروق، ج ۱، ص ۲۱۴.

(۴) - عون المعبود، ج ۱۰، ص ۱۲۷.

(۵) - سبل السلام، ج ۴، ص ۵۱.

(۶) - الزواجر، لابن حجر الهیتمی، ج ۱، ص ۲۱۲.

منابع از قیاس:

- ۱- در استعمال مواد مخدر بر پنج چیزی که شرع حفظ و نگهداری آن‌ها را لازم قرار داده است تعدی و تجاوز انجام می‌گیرد، و تعدی و تجاوز بر هر یکی از آن‌ها را شدیدترین جرم قرار داده است که مرتکب آن سزاوار شدیدترین عقوبت است تا بدین طریق از فرد حمایت، و جامعه را از آنچه آن را تضعیف و سست بنا قرار می‌دهد مصون بگرداند و دشمن، امید تجاوز هتک حرمت آن‌ها را در دل نپروراند.
- ۲- مواد مخدر آثار خطرناکی برای دین، صحت و سلامتی، اجتماع، اقتصاد، امنیت و جسم فرد و جامعه دارد، و همین تنها برای منع از آن و سزا دادن استعمال‌کنندگان آن کافی است.
- ۳- مواد مخدر مانند خمر بلکه بیشتر از آن، از ذکر خدا و نماز باز می‌دارند؛ زیرا در ضمن این که روی عقل پرده می‌افکنند و آن را می‌پوشانند، ضعف و سستی و تبلی بار می‌آورند و این وضعیت گاهی تا چندین ساعت طول می‌کشد. واقعاً خداوند راست فرموده است که ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقَعَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ ۝۹۱﴾ [المائدة: ۹۱].
- «شیطان می‌خواهد به وسیله شراب و قمار بین شما عداوت و بغض ایجاد نموده شما را از یاد خدا و نماز باز دارد، آیا هنوز هم شما باز نمی‌آیید».
- ۴- استفاده از مواد مخدر راه را برای ارتکاب جرایم باز می‌کند و استعمال‌کننده را به سوی جرایم سوق می‌دهد، زیرا معتاد هرگاه تحت فشار درد قرار گیرد، در بدست آوردن آن خود را به کشتن می‌دهد حتی اگر حصول آن به وسیله ربودن و سلب مال مردم و قتل کسی منجر گردد، تحقیقات وسیعی که بر بسیاری از زندایان انجام گرفته صدق گفتار ما را به اثبات رسانده است.

بحث چهارم:

در باره حکم کشت و زراعت مواد مخدر و تجارت آن^(۱)

چون وضعیت به گونه‌ای است که ذکر شد، پس با کشت و تجارت آن ضرر بسیار بزرگی بر افراد و جامعه وارد می‌گردد، و در این کمک و همکاری است بر اثم و عدوان و گسترش صفات رذیله در اجتماع و پخش جرم، و همکاری است با جریمه پیشه گان؛ حال آن که خداوند می‌فرماید: ﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ﴾ [المائدة: 2].

«یعنی به نیکی و تقوی با همدیگر همکاری نمایید و به گناه و عداوت باهم همکاری نکنید».

نصوص زیادی در سنت وارد شده که معامله به خمر و شراب را به همین علت حرام قرار داده‌اند.

چنانکه حضرت جابر رضی الله عنه می‌گوید: که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «خداوند معامله شراب، مردار، خوک و بت‌ها را حرام قرار داده است»^(۲).

و از احادیث دیگر مستفاد می‌شود که آن چیزی که خوردن و نوشیدن آن حرام باشد خرید و فروش و استفاده از پول آن نیز حرام می‌باشد، از جمله آن احادیث: حضرت ابوهریره رضی الله عنه از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که فرمود: «خداوند یهود را لعنت کند، خداوند بر آن‌ها پیه را حرام کرد، آن‌ها آن را فروخته پولش را خوردند»^(۳).

(۱) - در اینجا تعرضی نسبت به حکم توزیع‌کننده و واردکننده مواد نمی‌کنیم، زیرا در بحث علاج مخدرات از آنها بحث خواهیم کرد.

(۲) - متفق علیه بخاری، ج ۳، ص ۴۱.

(۳) - بخاری، ج ۳، ص ۱۱۰، مسلم، ج ۵، ص ۴۱.

قبلاً برای ما روشن گردید که اسم خمر شامل مواد مخدر است، لذا نهی از بیع خمر شامل تحریم بیع مواد مخدر نیز خواهد شد. همچنان که دلایل بیع کلی محرمات الهی نیز بر حرمت بیع مواد مخدر دلالت دارند، با این دلیل واضح می‌شود که تجارت و سوداگری مواد مخدر و وسیله کسب قرارداد آن حرام است، همچنین سود به دست آمده از آن نیز حرام است؛ زیرا خداوند می‌فرماید: ﴿وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ﴾ [البقرة: 188].

«اموال یکدیگر را بین خود بطریق نامشروع و باطل نخورید».

خوردن مال بطریق باطل آن چنانکه اهل تفسیر بیان کرده‌اند بر دو گونه است:

- ۱- گرفتن آن بصورت ظلم، دزدی، خیانت، غصب و امثال آن.
- ۲- گرفتن آن از راه ممنوع و نامشروع مانند گرفتن آن به وسیله قمار، یا معاملات حرام مثل ربا و معامله در اموری که خداوند استفاده از آن‌ها را حرام قرار داده است مانند: خمر و مواد مخدر، زیرا همه‌ی این‌ها حرام هستند اگرچه آن را مالک با رضایت کامل خویش بدهد.

و از آنچه بر حرمت کسب مواد مخدر دلالت دارد حدیثی است که رسول خدا ﷺ در آن فرمود: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى إِذَا حَرَّمَ شَيْئًا حَرَّمَ ثَمَنَهُ»^(۱).

(یعنی، هرگاه خداوند چیزی را حرام قرار دهد قیمت و بهای آن را نیز حرام قرار خواهد داد).

کشت و زراعت مواد مخدر نیز حرام است، زیرا در آن کم و همکاری بر معصیت وجود دارد، و آن گسترش دادن مواد مخدر در صفوف جامعه است. باز کشاورز با کشت آن راضی است که مردم آن را استعمال کنند و رضا به معصیت، خود معصیتی می‌باشد که این واضح است.

فقه‌های کرام فروختن انگور را برای کسی که از آن شراب و خمر درست کند حرام قرار داده‌اند، همچنان که فروختن سلاح در ایام فتنه را حرام قرار داده‌اند؛ و کشت و زرع مواد

(۱)- سنن دارقطنی، ج ۳، ص ۷، سید هاشم مدنی فرموده همه راویانش ثقه هستند.

مخدر و خرید و فروش آن حق دارتر و سزاوارتر به ممنوع بودن هستند، رسول خدا ﷺ چه خوب فرموده است: «لعن الله الخمر وعاصرها وشاربها وساقيتها وبائعها ومبتاعها وحاملها والمحمولة إليه وأكل ثمنها...»^(۱).

«لعنت کند خداوند شراب و شیره گیر و نوشنده و نوشاننده و فروشنده و خریدار و حمل کننده و آن که برایش حمل می شود و خورنده قیمت و بهای آن را...».

ابن حزم در «محلی» می گوید: «... هر آنچه مقدار زیاد از آن نشئه آور باشد مقدار بسیار کم از آن تا هرچه بالا برود خمر محسوب می شود که تملک و خرید و فروش و نوشیدن و استفاده از آن همه حرام است، از قبیل شیرۀ انگور و نبید انجیر و شراب گندم و شوکران»^(۲).
ابن عابدین می فرماید: «... از ابن نجیم در باره فروختن حشیش سؤال شد که آیا جایز است؟ در پاسخ نوشت که جایز نیست، مرادش از عدم جواز این است که حلال نیست»^(۳).

ابن قیم می گوید: «... تحریم خمر شامل تحریم هر نشئه آور است چه مایع باشد و چه جامد... و لقمه ی ملعونه [حشیش]... همه این ها خمر هستند به نص صحیح و صریح رسول خدا ﷺ که نه در سندش جای طعن هست و نه در متنش اجمالی وجود دارد...»^(۴).

(۱) - معجم کبیر طبرانی، ج ۹، ص ۵۰.

(۲) - محلی، ج ۷، ص ۵۶۲، مسأله ۱۰۹۸.

(۳) - رد المحتار، ج ۶، ص ۴۵۴.

(۴) - زاد المعاد، ج ۴، ص ۴۶۳.

بحث پنجم:

در باره حکمت تحریم مواد مخدر

این دین مبین اسلام رحمتی است برای بندگان، چنانکه خداوند به پیامبر خود حضرت محمد ﷺ فرمود: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾ [الأنبياء: 107].

یعنی: «ما تو را فقط برای رحمت کردن برای جهانیان فرستادیم».

و این رحمت بدین شکل آغاز و نمایان شد که جناب رسول خدا ﷺ جامعه بشری را از تاریکی‌ها به سوی نور و از جهل، گمراهی و عبادت بندگان به سوی عبادت پروردگار و از تنگی دنیا به سوی وسعت آخرت فرا خواند، چنانکه خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُم مِّنْهَا كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ ءَايَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾ [آل عمران: 103].

«شما بر لبه جهنم بودید خداوند شما را از آن نجات داد، این چنین بیان می‌کند خداوند آیات خود را تا شما راه یاب گردید».

و از مظاهر رحمت الهی برای جامعه بشری یکی این است که امر به خیر می‌کند و از شر باز می‌دارد، و چیزهای پاکیزه را حلال و خبیث را حرام اعلام می‌دارد و از بندگان مشکلات و سنگین‌ها را برمی‌دارد، پس چنین حکمی در شریعت اسلامی وجود ندارد که بالاتر از توان بشر باشد، این فضل و احسان خداوندی است؛ چنانکه می‌فرماید: ﴿وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَعْنَتَكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ [البقرة: 220].

«اگر خدا می‌خواست، شما را در مشقت قرار می‌داد؛ یقیناً خداوند غالب و حکیم است».

بلکه خداوند در حرام قرار دادن بعضی محرمات جهت آسانی بندگان تدریج را کار بسته و سهولت و آسانی را در نظر گرفته است تا نفوس آن‌ها برای منع نهایی آمادگی داشته باشد، اینجا مناسب است که مثالی بیاوریم ولی ما در صدد بحث پیرامون آن نیستیم و آن مثال خمر

است، دیدیم که خداوند حکیم و دانا در بدو امر به پاسخ سائلان می گوید: ﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا﴾ [البقرة: 219].

«نسبت به شراب و قمار از شما پرسند، بگو: در این ها گناه بزرگ و نفع ناچیزی وجود دارد (یعنی در دنیا) اما گناه آنها از نفع آنها خیلی سخت تر است».

سپس فرمود: ﴿لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَرَى﴾ [النساء: 43].

«در حال نشئه و مستی نزدیک نماز نروید».

باز فرمود: ﴿إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَمُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ ﴿٩٠﴾ إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقَعَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ ﴿٩١﴾ [المائدة: 90-91].

«جز این نیست که خمر و قمار و نشان های معبودان باطل و تیره های فال پلید است...»

«پس آیا الحال شما باز ایستادید».

خداوند ارحم الراحمین در باره ی شراب وضعیت تسلط آن بر نفوس را در نظر گرفته به تدریج حرمت آن را اعلام فرمود، آن هم پس از تقاضای آنها که عرض کردند: «اللَّهُمَّ بَيِّنْ لَنَا بَيَانًا شَافِيًا فِي الْخَمْرِ» یعنی، (خدایا! در باره شراب توضیح شفا بخشی بیان فرما). آنگاه آیه ی اخیر که حرمتش را اعلام داشت نازل گردید.

در دین مبین اسلام صورت ها و مظاهر رحمت الهی خیلی زیاد است، ولی مردم در طغیان غرق و سرگردانند.

خداوند در باره ذات با برکات نبی کریم ﷺ می فرماید: ﴿عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ﴾ [التوبة: 128].

«گران تمام می شود بر پیامبر در مشقت قرار گرفتن شما؛ او خواهان شماست و نسبت به اهل ایمان مشفق و مهربان است».

برای این که حکمت اسلام در تحریم مواد مخدر برای ما روشن گردد نگاه دقیقی بر آثار مواد مخدر می‌افکنیم که این‌ها چه تأثیری می‌گذارند بر امور پنجگانه‌ای که نگهداری و مراعات آن‌ها به اجماع واجب و ضروری است و آن‌ها عبارت‌اند از: حفظ دین، حفظ نفس، حفظ مال، و حفظ عقل.

و در این هیچگونه شک و تردیدی وجود ندارد که مواد مخدر بر این امور اثر معکوس خواهند داشت، زیرا که ارکان آن‌ها را شکسته و اساس‌شان را متزلزل و ویران می‌کند که این مطلب از امور آینده واضح می‌گردد:

۱- از این ضرورت‌های پنجگانه آنچه از مواد مخدر بیشتر متأثر می‌شود، عقل است. و آن (عقل) لطیفه است ربانی که انسان به وسیله آن راه‌های رشد و صواب را می‌بیند و به ذریعه آن‌ها به عبادت پروردگارش می‌پردازد، هرگاه از عقل در راه‌های صحیح و درست استفاده نشود خداوند آن را با اهتمام مورد نکوهش قرار می‌دهد، چنانکه می‌فرماید: ﴿وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ﴾ [الملك: 10].
«و اگر ما می‌شنیدیم و می‌فهمیدیم از اهل جهنم نمی‌گرفتیم».

و در جای دیگر می‌فرماید: ﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرًا لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ﴾ [ق: 37].

«در این پندی است برای کسی که قلبی داشته باشد یا گوش فرا دارد در حالی که حضور داشته باشد».

بدون شک این عقلی که توسط آن انسان سزاوار خلیفه الله شدن در روی زمین قرار گرفته و خداوند تمام کاینات را به ذریعه آن برایش مسخر گردانیده است با نوشیدن جرعه‌ای شراب، یا جویدن حشیش و کشیدن دود تریاک و خبایث دیگر در معرض قربانی شدن قرار گرفته است؛ پس وای بر کسی که عقلش را بخاطر نفعی موهوم یا نشئه‌ی زودگذر مذمومی قربانی کند، زیرا پشت سر آفاتی دربر دارد که انسان را در حضيض پستی واقع می‌گرداند، بلکه او را در حالتی بدتر از حالت حیوانات قرار می‌دهد، و آیا برتری او بدون از عقل و

اندیشه است؟ پس وقتی که کسی عقلش را از کار اندازد با مخلوقات دیگر مساوی قرار می‌گیرد و در ضرر رساندن به عقل و جنایت علیه آن، بین مسکر و مواد مخدر فرقی وجود ندارد.

چقدر زیاداند قربانیان مواد مخدر در تیمارستان‌ها، پس وقتی که حفظ و نگهداری عقل از امور لازم الحفظ پنجگانه است که تمام آیین‌ها و ادیان گذشته نسبت به آن ترغیب می‌کنند، پس چه می‌شود حکم اسلام، آن دینی که خاتم‌الادیان است. آیا اسلام این را می‌پسندد که کسی به سوی او منتسب باشد، دیوانه شود و چیزی نفهمد و یا به سوی دیوانگی کشانده شود، حاشا لله وحاشا لدینه آن یرضی بذلک أو یحله لهم.

ب- مواد مخدر از بین می‌برند آن دینی را که خداوند انسان را به خاطر آن آفریده است، چنانکه می‌فرماید: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ [الذاریات: 56].
«جن و انس را جز برای یگانه‌پرستی نیافریدم».

همچنان که مواد مخدر یا شراب چیزی گندیده (پلید) و از عمل شیطان است. خداوند می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَمُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ [٩٠] إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ ﴿٩١﴾ [المائدة: 90-91].

پس این‌ها از نماز و ذکر خدا باز می‌دارند و هرچه به این کیفیت باشد مانند حشیش، تریاک و غیره به خمر (شراب) ملحق گردیده در حکم آن داخل می‌شوند.
پس ضررهای مواد مخدر بیش از ضرر خمر است و شیطان استعمال‌کننده آن را از عبادت خدا از قبیل نماز، ذکر، تلاوت قرآن و غیره باز می‌دارد؛ زیرا این امور خواهان پاکیزگی، صفا و اخلاص‌اند، اما شخص معتاد به مواد مخدر فاقد عقل است و نمی‌تواند بین نظافت و نجاست و خوب و بد تمیز بدهد، پس از کجا به پاکیزگی و صفا نایل می‌آید.

این از حکمت الهی است که چیزهای پاکیزه را برای ما حلال و خبیث را حرام قرار داد. و بدین صورت تمام خیر و خوبی از آن ماست ولی بعض مردم از این خیر و خوبی که برای آنان در نظر گرفته شده غافل و بی‌خبراند.

ج- همچنین مواد مخدر وسیله از بین رفتن و ضایع شدن آن مالی است که خداوند آن را وسیله قیام مردم قرار داده چنانکه می‌گوید: «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَمًا» [النساء: 5].

«اموال خود را که خداوند وسیله قیام شما قرار داده است را به نادان ندهید».

و هر کسی که دست به مواد مخدر می‌زند از همه مردم بیشتر در سفه و نادانی غرق شده است، زیرا مال خود را به ضرر عقل و جان خویش صرف می‌نماید و در این راه از اسراف و تبذیر دریغ نمی‌ورزد تا آن که به فقر و فاقه مبتلا گشته نیازمندترین مردم قرار می‌گیرد.

اگر ما کسی را ببینیم که هرروز مبلغی از مال خویش را به آتش می‌کشد او را دیوانه و مجنون می‌گوییم و دست او را از اینگونه تصرف باز می‌داریم، پس چه می‌شود وضع کسی که بوسیله مال خویش عقل و جسم خویش را به آتش می‌کشد، آیا این سزاوارتر نیست که به او دیوانه گفته شود؟!

باز معتاد برای به دست آوردن مواد با هر وسیله‌ای که باشد خود را به کشتن می‌دهد اگرچه نوبت به دزدی، ربودن، قتل و غارت برسد؛ و این چیزی است که روزانه از معتادان مشاهده می‌شود و بین اجتماع شیوع پیدا می‌کند.

د- مواد مخدر راهی است برای از بین رفتن نسب و آبرو، و کسی که عقلش پریده و مغزش از بین رفته و دینش ضعیف و حیایش از دست رفته است، چگونه می‌تواند آبروی خود را حفظ کند.

و بعضی از اهل علم بیان داشته‌اند که معتاد به مواد مخدر دیوث است که بر حفظ آبروی خویش غیرت ندارد و باکی ندارد از اینکه بر نزدیکان و محارمش تعدی و تجاوز شود.

بعضی از افراد قابل اعتماد به ما خبر داده‌اند که بعضی از معتادان آبروی دختر کوچک خود را برای دریافت پول خرید مواد عرضه نموده‌اند، بدین شکل که نخست از فروشندگان مواد خریده و چون نتوانسته پول آنها را بپردازد فروشنده با ناموس دختر کوچکش معامله نموده است و او مجبور شده این را بپذیرد و حیا و آبروی او را از دست بدهد.

هـ- مواد مخدر بدن را تضعیف کرده و کم کم به هلاکت می‌رسانند، پس چگونه سازگاری دارد با آن حفظ و نگهداری نفسی که خداوند رعایت و حفظ آن را واجب قرار داده و فرموده است که آن را در معرض هلاکت قرار ندهید.

خداوند می‌فرماید: ﴿وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ﴾ [البقرة: 195].

«و خود را به دست خود در هلاکت نیندازید».

و می‌فرماید: ﴿وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ﴾ [النساء: 29]. «خودتان را نکشید».

و مواد مخدر راهی است برای کشتن نفس و انداختن آن در هلاکت، از اینجاست که قربانی‌های آن زیاد شده و بیمارستان‌های روان پزشکی از بیماران روانی پر هستند، و بسا اوقات معتادان با سکت قلبی از بین می‌روند.

پس آیا با وجود این همه بازهم می‌توان شک و تردید داشت در باره حرمت این وبای خانمان‌سوز که ضرورات پنجگانه‌ای را که خداوند حفظ آنها را واجب و تعدی به آنها را حرام داشته و از هرچه موجب تضعیف آنها شده منع نموده است، چه برسد به چیزی که آنها را کلاً از بین می‌برد؟

بخش پنجم:

در باره اقوال و فتاوی علماء در باره مواد مخدر

ترجیح دادم که کلام اهل علم را با وثوق و اعتماد کامل نقل کنم تا خوانندگان محترم قدیم و جدید ما نسبت به مواد مخدر آگاهی کامل داشته باشند.

اقوال و فتاوی اهل علم نسبت به مواد مخدر

ائمه مجتهدین و پیروان آنها تا قرن ششم نسبت به مواد مخدر هیچگونه بحث و صحبتی نداشته‌اند، زیرا این مواد تا آن زمان کشف نشده بود و پس از آن که کشف شد، و علماء نسبت به آن آگاهی پیدا نکردند؛ روی آن به حد کافی و شافی بحث نمودند.

شیخ الإسلام ابن تیمیه نسبت به حشیش می‌گوید: «... متقدمین در خصوص این هیچ بحثی نکرده‌اند، زیرا استفاده از آن در اواخر قرن ششم شروع شده است، همچنان که بعضی از شراب‌های مکر بعد از وفات آن حضرت ﷺ پدید آمدند، ولی همه آنها در کلمات جوامع کتاب و سنت داخل می‌باشند»^(۱).

در اینجا ما به خواست خدا نصوص و فتاوی بعضی از ائمه را که بیانگر نظریات آنها در باره مواد مخدر هستند، نقل می‌نماییم:

۱- امام تمرتلی حنفی در شرحش بر **قدروی** می‌گوید: «... خوردن بنگ، حشیش و تریاک جایز نیست و همه این‌ها حرام‌اند، زیرا عقل را فاسد می‌کنند تا جایی که در انسان هرزگی و بی‌حیایی و فساد پدید می‌آورد و او را از یاد خدا و نماز باز می‌دارد...»^(۲).

۲- صاحب **معین الحکام** می‌گوید: «... ظاهر این است که خوردن خواب‌آور برای عمل جراحی جایز است، زیرا این مأمون است و ضرر عضو مأمون نیست...»^(۳).

۳- علامه ابن عابدین می‌گوید: «... خوردن بنگ و حشیش حرام است، زیرا آنچه در عقل خلل آورد حلال نمی‌باشد...»^(۱).

(۱)- السیاسة الشرعية ص ۱۳۱.

(۲)- شرح الجوهرة، ج ۲، ص ۲۷۰.

(۳)- معین الحکام للطرابلسی، ص ۱۸۰.

- ۴- قرافی مالکی می گوید: «... تناول تریاک، بنگ و شوکران به آن حد که در عقل یا حواس اثر بگذارند جایز نیست...»^(۲).
- ۵- صاحب **تهذیب الفروق** فرموده است: «فقهائ عصر حاضر بر جلوگیری از گیاه معروف به حشیش که اهل فسق آن را مورد استعمال قرار می دهند، اگر در عقل خلل بیاورد، اتفاق نظر دارند...»^(۳).
- ۶- دسوقی فرموده است: «... مگر آنقدر که در عقل اثر بگذارد یعنی عقل را پنهان نماید که در آن تعزیر واجب است...»^(۴).
- ۷- در **مواهب جلیل** آمده است: «... متأخرین در باره حشیش دو قول دارند که آیا این از مسکرات است یا از مفسدات، ولی در جلوگیری از خوردنش اتفاق دارند...»^(۵).
- ۸- خطیب شربینی فرموده است: «... هر نوشیدنی که مقدار زیاد از آن نشئه آور باشد مقدار قلیلش حرام و نوشنده آن حد زده می شود، و از قید نوشنده، گیاه خارج گردید مانند حشیش که حرافیش آن را می خورند، و شیخین در باب الأطمعه از رویانی نقل کرده اند که، خوردن آن حرام است ولی در آن حدی واجب نمی شود...»^(۶).
- ۹- سید بکری فرموده است: «... هر شرابی که مقدار زیادش نشئه آور باشد مقدار کمش هم حرام است بنابه حدیث صحیحین، سپس فرمود: از قید محرمات جامد خارج

(۱)- رد المحتار، ج ۶، ص ۴۵۷.

(۲)- الفروق للقرافی، ج ۱، ص ۲۱۸.

(۳)- تهذیب الفروق بر حاشیه فروق، ج ۱، ص ۲۱۴.

(۴)- حاشیه دسوقی، ج ۱، ص ۴۶.

(۵)- مواهب جلیل، ج ۱، ص ۹۰.

(۶)- مغنی المحتاج، ج ۴، ص ۱۸۷.

گشتند، زیرا در آنها با وجود حرمت و نشئه آور بودنشان حد جاری نمی شود، بلکه از استعمال مقدار زیاد بنگ، حشیش و تریاک تعزیر واجب می شود». سپس بکری در تعلیل نوشته است: «... علماء حدود یکصد و بیست ضرر دینی و دنیوی برای حشیش نوشته اند...»^(۱).

۱۰- ابن حجر هیثمی می فرماید: «... وقتی این امر ثابت شد که مواد مخدر همه مسکر یا مخدر هستند، پس استعمال آنها مانند استعمال خمر (شراب) گناه کبیره و فسقی به حساب می آید، پس تمام آن وعیدی که در باره شراب آمده است در حق استعمال کنندگان مواد مخدر می آید، چرا که هر دو در عمل ازائه عقل باهم مشترک هستند...»^(۲).

۱۱- بهوتی می گوید: «... خوردن حشیش مسکر مباح نیست»^(۳).

۱۲- شیخ عبدالله بن شیخ محمد بن عبدالوهاب می گوید: «... وقتی این ثابت گردید، پس بدان که مسکری که عقل را زایل می گرداند بر دو نوع است:

یکی: آنچه در آن لذت و طرب وجود دارد. علماء فرموده اند: مسکر عام است که جامد باشد یا مایع و برابر است که مطعوم باشد یا مشروب و برابر است که از گندم یا خرما یا شیر گرفته شود یا از چیزی دیگر، و در همین حکم است حشیش که از برگ قنب ساخته می شود و نیز آنچه غیر از این بخاطر لذت و نشئه مورد استفاده قرار گیرد در حکم خمر داخل اند.

دوم: آنست که عقل را زایل نموده نشئه می آورد، اما لذت و طرب ندارد مانند بنگ و غیره...»^(۴).

(۱)- اعانة الطالبین، ج ۴، ص ۱۵۶.

(۲)- الزواجر، ج ۱، ص ۲۱۲.

(۳)- کشاف القناع، ج ۶، ص ۱۸۸.

(۴)- الدرر السنیة، ج ۶، ص ۴۵۲.

۱۳- شیخ محمد بن ابراهیم در پاسخ به استفتایی که در باره «قات» آمده بود، فرموده است: «... چون این مسأله جدیداً واقع شده است، حکم دادن به آن موقوف بر آشنا شدن با خواص، و شناخت منافع و زیانهای آن است و این که از این منافع و مضار کدام یک غالب است، و ما تا حد توان خویش آن مقدار از اقوال علماء را که در دسترس داشتیم مورد بحث و بررسی قرار دادیم، پس از این بررسی و سؤال از معتمدین به این نتیجه رسیدیم که باید از کشت و زرع و وارد نمودن و استفاده کردن از آن اکیداً منع شود، زیرا مفسد و مضار زیادی برای عقل و دین و بدن دربر دارد، و نیز به علت ضایع شدن مال و در فتنه قرار گرفته مردم بوسیله آن و باز داشتن آن مردم را از یاد خدا و نماز باید ممنوع اعلام گردد.

پس خودش بد و چندین بدی را به دنبال دارد، و وسیله در حکم هدف است و حال آن که ضرر و تفتیر و تخدیر بلکه اسکارش به ثبوت رسیده است و نباید به قول کسانی التفات نمود که اینها را نفی می کنند. سپس فرمود: آن بر حشیش حرام قیاس کرده می شود، زیرا در بسیاری از صفات باهم متحد هستند»^(۱).

۱۴- شیخ الإسلام ابن تیمیه می گوید: «... اما حشیش لعنتی مسکر، مانند سایر مسکرات است و مقدار مسکر آن به اتفاق علماء حرام است، بلکه هر آن چیزی که عقل را زایل کند مانند بنگ خوردنش حرام است، اگرچه نشئه آور نباشد، اما در مسکر حد، و در غیر مسکر تعزیر واجب است»^(۲).

۱۵- ابن القیم می گوید: «... اما تحریم بیع خمر شامل تحریم هر مسکر می باشد چه مایع باشد و چه جامد، عصیر باشند یا مطبوخ، لذا شیرۀ انگور، خمر، شراب کشمش،

(۱)- مجلة البحوث، عدد ۲۳، ص ۵۰، ۵۱.

(۲)- مجموعه فتاوی شیخ الاسلام ابن تیمیه، ج ۳۴، ص ۲۰۴.

خرما، ذرت، جو، عسل و گندم و لقمه لعنتی حشیش که لقمه فسق و قلب است نیز مشمول این حکم می‌باشند...»^(۱).

۱۶- ابن حجر عسقلانی می‌گوید: «... از مطلق قول رسول خدا ﷺ «كُلُّ مُسْكِرٍ حَرَامٌ» بر تحریم هر مسکر استدلال شده است اگرچه آن شراب و نوشیدنی نباشد، لذا این حدیث شامل حشیش و غیره می‌باشد...»^(۲).

۱۷- امام نووی در **مجموع** می‌گوید: «... رویانی فرموده است: خوردن گیاهی که نشئه می‌کند اما دارای شدت و طرب نیست، حرام است ولی بر خورنده آن حد واجب نیست»^(۳).

باز در روضة الطالبین فرموده است: «... اما آنچه غیر از اشربة و دارو که عقل را زایل می‌کنند مانند: بنگ، حرام‌اند...»^(۴).

۱۸- علامه ذهبی می‌گوید: «... حشیش ساخته شده از برگ «کنف» مانند خمر (شراب) حرام است و بر نوشنده آن حد واجب است، همانگونه که بر نوشنده خمر واجب می‌باشد؛ بلکه خبثات این از خمر هم بالاتر است...»^(۵).

۱۹- علامه زرکشی می‌گوید: «... بخش چهارم در باره حرمت این‌ها، و بر این ادله شرعی و عقلی زیادی وجود دارد...»^(۶).

و در جایی دیگر فرموده است: «... فقهای اصحاب ما و غیره بر این اجماع دارند که استعمال مسکر حرام است، اعم از این که گیاهی باشد یا غیر آن...»^(۱).

(۱)- زادالمعاد، ج ۴، ص ۴۶۳.

(۲)- فتح الباری، ج ۱۰، ص ۳۸.

(۳)- مجموع، ج ۹، ص ۳۰.

(۴)- روضة الطالبین، ج ۱۰، ص ۱۷۱.

(۵)- الکبائر، ص ۸۶.

(۶)- زهر العریش، ص ۱۱۵.

عظیم آبادی فرموده است: «... از بحث گذشته ثابت شد که «جوزة الطیب» نزد هر چهارم امام حرام است، اما نزد ائمه ثلاثه به نص صریح و نزد احناف به مقتضاء النص، زیرا این یا مسکر است یا مخدر، و در اصل حشیش بر جوزة الطیب قیاس کرده می شود...»^(۲).

۲۰- شوکانی در بحث در قول کسی که خمر را مختص به عصیر عنب دانسته می گوید: «... این گفتار او مخالف لغت عرب و سنت صحیح و اقوال صحابه است، زیرا صحابه به هنگام نزول تحریم خمر از دستور اجناب از خمر، چنین فهمیدند که هر مسکر حرام است...»^(۳).

۲۱- صنعانی می گوید: «... مسکر حرام است اگرچه از هرچیزی باشد و حتی اگر نوشیدنی هم نباشد مانند حشیش...»^(۴).

۲۲- مفتی دیار مصر شیخ عبدالمجید سلیم در پاسخ به سؤالی که پیش آمده می فرماید: «... بدون شک و تردید این مواد مخدر حرام هستند، زیرا منجر به ضررهای جسمی و مفسد زیادی می باشند؛ عقل را از بین می برند و بدن را ویران می کنند و ضرر و مفسد دیگری نیز به دنبال دارند، امکان ندارد شرع مقدس اسلام به استعمال چنین چیزی اجازه بدهد، در صورتی که چیزهای کم ضررتر را حرام می گوید»^(۵).

۲۳- فتوای هیئت علمای کبار کشور عربستان سعودی:

(۱)- زهر العریش، ص ۱۲۰.

(۲)- عون المعبود، ج ۱۰، ص ۱۲۶.

(۳)- نیل الأوطار، ج ۸، ص ۱۸۴.

(۴)- سبل السلام، ج ۴، ص ۵۰.

(۵)- فقه السنة، ج ۲، ص ۵۳۳.

هیئت علمای کبار مملکت عربستان سعودی بالاجماع قرار دادی به شماره ۱۳۸ در تاریخ ۲۰ / ۶ / ۱۴۰۷ ه.ق. صادر نموده‌اند که بر حسب مقتضای آن می‌توان قاچاقچی مواد مخدر را کشت و مروج آن‌ها را تعزیر زد تا بدین وسیله شر آن کوتاه گردد^(۱).

۲۴- کنفرانس عالم اسلامی بخاطر مبارزه با مسکرات و مواد مخدر جلسه‌ای در فضای جامعه اسلامیة مدینه منوره در مورخ ۲۷ - ۳۰ / ۵ / ۱۴۰۲ برگزار نمود و در پایان قطع نامه‌ای بشرح ذیل صادر نمود:

۱- مبارزه با مسکرات و مواد مخدر با تمام وسایل ممکن لازم است.

۲- استفاده از تمام انواع مسکرات و مواد مخدر حرام است^(۲).

این نصوص و فتاواهای ائمه اعلام دلایل صریح و واضحی هستند بر حرمت مواد مخدر، چه حشیش باشند یا غیر آن و چه مقدار کم باشد و چه زیاد؛ زیرا این‌ها مثل شراب‌اند اگرچه بعضی از آن‌ها مانند بنگ و تریاک پاک باشند و اگرچه حدی در آن‌ها واجب نگردد بلکه تعزیر آید.

و از روزی که حشیش در اواخر قرن ششم منکشف شد همه اهل علم نسبت به آن همین حکم را داده‌اند.

بلکه بعضی از علماء اجماع و اتفاق را بر حرمت بعضی از مواد مخدر نقل کرده‌اند و بعضی بر این، جزم دارند که آثاری که مواد مخدر به دنبال دارند بدتر از آثار مسکرات است، و از این ما می‌توانیم با کمال اطمینان اعلام داریم که مواد مخدر با تمام اشکال و انواعش حرام است و هیچ خوبی در آن نیست بلکه شر محض است، واجب است که انسانیت از آن با هر وسیله ممکن نجات داده شود.

(۱)- نص این قرار انشاءالله در آینده خواهد آمد.

(۲)- خلاصه این مطلب نیز در آینده می‌آید.

بخش ششم:

در داستان‌هایی واقعی از معتادان مواد مخدر

ترجیح دادم مجموعه‌ای از داستان‌هایی را که حقیقتاً به ثبوت رسیده است، در اینجا نقل کنم و اگر نه آنچه مطلقاً به اطلاع ما رسیده است نمی‌توان آن‌ها در اینجا نقل کرد؛ چرا که در یک کتاب هم نمی‌گنجند.

مواد مخدر

مواد مخدر آن سلاحی است که دشمنان اسلام آن را برای از بین بردن جوانان مسلمان بکار گرفته‌اند تا آن‌ها را سست نموده کوشش آن‌ها را پست و توان آن‌ها را به هدر دهند و پیش از همه دین آنان را از بین برده مستقبل آن‌ها را نابود بگردانند، ولی با وجود این دست بعضی از مسلمانان به سوی آن دراز است تا آن را تناول نمایند، پس زندگی‌شان بعد از بصیرت به تاریکی گراییده و بصیرت‌شان پس از نور خاموش گشته است و عقل‌های خود را بعد از درخشندگی به هدایت خدا بی‌کار ساخته‌اند؛ لذت و شهوت را معبود خود قرار داده به ارتکاب جرایم اقدام نموده و فرزندان خود را یتیم و همسران خود را بیوه کرده‌اند و تمام این امور از مشاهده جامعه دور نیستند، این‌ها چند نمونه از داستان‌های واقعی در جامعه مسلمانان است که بین آن‌ها هدایت و ارشاد، استقامت و اصلاح و دوری از موارد رذیلت و پستی و پرتگاههای فسق متصور بود، اما داستان‌های جامعه کفر بیش از حد است و در میان آن‌ها چنان چیزهایی وجود دارد که برای فکر و خیال بیش از حد بعید بنظر می‌رسند؛ نگارنده ضمن تحقیقات بر مجموعه‌ای از داستان‌هایی که هیأت‌های دولتی تدارک دیده بود، اطلاع یافت. از آنجمله بعضی سر خود را زیر چرخ‌های قطار گذاشته‌اند و بعضی همکلاس خود را به قتل رسانده سپس خود را از ۳۷ طبقه به پایین پرت کرده است و بعضی یگانه دختر شیرخوار خود را با لگد کشته است، و بعضی با خواهر خود عمل منافی عفت انجام داده است و بعضی ناموس همسر و دختر خود را برای بدست آوردن مواد فروخته است که از همه این‌ها در گذشته، داستان‌های واقعی را ذکر می‌کنم که بر این سرزمین و بین این جامعه با امن اتفاق افتاده است، لازم است که غافلان بیدار باشند که جنگ و مبارزه هنوز ادامه دارد.

داستان اول:

جوانی که یگانه پسر مادر است متجاوز از سی سال سن در اثر همراهی با رفیقان بد دست به استعمال مواد مخدر زد، در نتیجه معتاد شد و به سبب آن در انجام وظیفه‌اش خلل وارد شد و به کثرت مشکلات و غیبت از کار برکنار کرده شد؛ سپس در صدد آن قرار گرفت تا مادرش را فریب داده به بهانه ازدواج دارایی او را از دستش خارج کند و با آن مواد خود را تأمین کند، این عمل او ادامه پیدا کرد تا آن که عقلش مختل شد و شروع کرد به زدن مادرش و در نتیجه دستگیر و راهی زندان گردید.

داستان دوم:

شوهری که شراب و مواد مخدر را استعمال می‌کرد یک مرتبه همسرش را با خود به صحرا برد، و آنقدر شراب نوشید و مواد کشید که عقلش پرید و در تعقیب همسرش قرار گرفت تا این که او را گرفت و سرش را در داخل ماشین قرار داد سپس شیشه را بلند کرد تا به این وسیله او را خفه کند سپس موتور را روشن کرد، زن بیچاره در صدد شکستن شیشه قرار گرفته تا این که با مشاهده مرگ با چشم‌هایش موفق به شکستن شیشه شد و توانست کلید ماشین را بردارد، کلید را برداشته روی به بیابان فرار نمود و به عقب رخ نمی‌کرد و تمام شب در حرکت بود تا این که بوقت صبح به کشتزاری رسید و داستان شوهر را با مردم در میان گذاشت و بالاخره شوهرش دستگیر و به زندان انداخته شد.

داستان سوم:

مردی متجاوز از پنجاه سال دارای جمعی از اولاد و همسری بسیار نیک بود، خانواده او با امن و اطمینان در وسعت رزق زندگی می‌کرد، در یکی از سفرهایش با یک شخص بدی آشنا شد که او را به سوی هلاکت سوق داد؛ بدین شکل که بوسیله او انواعی از مواد مخدر را در منطقه ترویج داد، سرانجام دستگیر و راهی زندان شد، و چنان نیرو و عقلش تحلیل

رفت که نه کسی را می‌شناخت و نه به زن و فرزندانش توجهی داشت و نه نسبت به آنها سؤالی می‌کرد.

داستان چهارم:

شخصی با سن چهل و پنج سالگی با مادر و یک همسر و پنج فرزند زندگی می‌کرد ولی در اثر مواد مخدر با همسایگان مشکلات زیادی داشت. شبی زن و فرزندانش نزد خویشاوندان مادری خود رفته بودند، او تنها با مادرش در خانه مانده بود؛ او در اثر نشئه و استعمال مواد مخدر زیر سلطه شیطان قرار گرفته کارد را برمی‌دارد و به سراغ مادر [که بالای بام منزل خوابیده بود] می‌رود، مادر با شنیدن سر و صدا بیدار می‌شود می‌بیند که پسرش با کارد دارد از راه پله بالا می‌آید، از ترس فوراً به طرف دیگر راه پله پایین می‌آید و پسر به دنبالش می‌افتد تا این که مادر موفق می‌شود دوباره بالای بام برود، در آنجا با صدای بلند جیغ می‌کشد و همسایه‌ها را صدا می‌کند؛ همسایگان که می‌آیند می‌بینند که این پسر نافرمان از داخل منزل را قفل زده است، لذا آنان مجبور می‌شوند از بالایی دیوار حیاط وارد منزل بشوند و با سلاح او را تهدید نمایند و با وجود این به آنها دست نمی‌دهد و سرانجام با حيله و تدبیر بوسیله طنابی او را به زمین می‌اندازند و دستگیرش می‌کنند، مادر مسکین داد می‌کشد که او را بکشید چنین پسری نمی‌خواهم، زیرا من و فرزندانش همه از دست این در امان نخواهیم ماند...

داستان پنجم:

جوانی در حالی که مبلغی همراه دارد بیرون از شهر به سفر می‌رود و در دام رذایل می‌افتد، بدین وسیله به سوی سکر و مواد مخدر سوق داده می‌شود، و پس از برگشت به وطن در تلاش مواد مخدر قرار می‌گیرد اما به آن دسترسی پیدا نمی‌کند؛ خود را به دروغ بیمار نشان می‌دهد تا برای علاج به خارج برود. پدر مسکین باور می‌کند و تا یک سال کامل مبالغ

هنگفتی به او می‌دهد تا این که یکی از همراهانش حقیقت امر او را در اثر اختلافی که با او پیدا کرده آشکار می‌سازد.

داستان ششم:

مردی در روز ماه مبارک رمضان با همراهانش که با آن‌ها مواد مخدر استعمال کرده بود در خانه دستگیر می‌شود، در روز رمضان که مردم روزه بودند، برای خود غذا آماده کرده بودند؛ اما خداوند همسرش را بر او مسلط می‌گرداند و چون او نسبت به آبرویش احساس خطر می‌کند، به مأمورین اطلاع می‌دهد که آن‌ها آمده او را در حال ارتکاب جرم با همراهان شیاطینش دستگیر می‌نمایند.

بخش هفتم:

مبارزهٔ اسلام با مواد مخدر

و این بخش شامل یک تمهید و دو بحث است:

بحث اول: عبارت است از مبارزه با مواد مخدر از روی پیشگیری.

بحث دوم: عبارت است از مبارزه با مواد مخدر به صورت علاج.

تمهید

مبارزهٔ اسلام با مواد مخدر:

آرای کسانی که می‌خواهند بیماری مواد مخدر را به نحو بهتری علاج کنند با هم مختلف هستند، بعضی معتقداند که جهت معالجه مواد مخدر لازم است، چیزهایی ایجاد نمود که به جای این مواد استعمال شوند.

بعضی دیگر می‌گویند: فقط باید به علاج روانی پرداخت. گروهی دیگر اصرار دارند که در جلو مبادی اسلام و احکام، جوی ایجاد کرد تا اثرات آنها در نفوس سرایت کند.

و بعضی دیگر بر این باوراند که معالجهٔ اساسی این مشکل این است که باید نسل‌هایی را پدید آورد و پرورش داد و توجیه کرد تا آنها معتادان را توجیه کنند و سردست‌شان را گرفت و به خیر و صلاح آنها را سوق داد.

در قبال این آرای متفق و مختلف معالجهٔ این مشکل سهل و آسان است که به این دو صورت انجام گیرد:

نخست: پیشگیری.

دوم: علاج.

این مطلب را در دو بحث آینده توضیح خواهیم داد.

بحث اول:

مبارزه با مواد مخدر از راه پرهیز و پیشگیری

و این مشتمل بر سه مطلب می باشد:

مطلب اول: توجه به ترتیب افراد، خانواده و جامعه.

مطلب دوم: ایجاد کار، وادار کردن به کسب حلال و مبارزه با بیکاری.

مطلب سوم: نشان دادن ارزش های اسلامی در قلوب و تبلیغ عمومی نسبت به ضررهای مواد مخدر.

مطلب اول: توجه به تربیت فرد، خانواده و جامعه

منت های تربیت اسلامی این است که انسان در این جهان زندگی سعادت مندی داشته باشد که او را به سعادت ابدی جهان آخرت برساند. و برای تحقق بخشیدن به این لازم است که مسلمان پرورش و نشأت خوب و درستی داشته باشد و راه های خوبی را از والدین یا قیم و سرپرستی دیگر که بچه به او اقتدا می کند، یاد گرفته باشد.

بنابراین، لازم است که والدین بر حمایت و تمرین حقایق و ارزش ها و مبادی اسلام حارص باشند، پس وقتی که پیشوایی خوبی در والدین مسلمان وجود داشته باشد سعی بیشتر بر این خواهد داشت که فرزند بر آداب اسلامی و مبادی آن نشو و نما یابد، و این جد و جهد و کوشش آسان شده نتیجه خوبی را به دنبال خواهد داشت؛ زیرا طفل ارزش ها و آداب اسلامی را از محیط و فضای مناسب عملاً یاد می گیرد.

لذا لازم است که خانواده برای فرزندان چراغ هدایت باشد نه کلید گمراهی، و باید پیشوای خوبی برای افراد خانواده از روی گفتار و کردار خویش قرار گیرد تا تربیتش مثمر

ثمر و نتیجه خیر باشد و افراد خانواده بر مبادی خیر و فضیلت رشد کنند و اهداف تربیت اسلامی که متکفل سعادت دین و دنیای آنهاست تحقق یابد و آنها از لیزگاههای رذایل که بدترین و خطرناکترین آنها استعمال مواد مخدر است، کاملاً دور باشند.

همانگونه که اسلام توجه فوق العاده‌ای نسبت به تربیت فرد نموده است در عین وقت توجه بزرگی نسبت به ساختار خانواده و نشأت دادن آن موافق به اسلام و مبادی آن مبذول داشته است تا شایسته بدوش گرفتن بار امانت بزرگی نسبت به تربیت افرادش قرار گیرد.

از بارزترین مظاهر توجه اسلام و اهتمام آن نسبت به خانواده و جامعه و حفظ کردن آنها از وسایل شر و فساد تشمت و ویرانی امور آینده می‌باشند:

اول: دستور به انتخاب خوب در ازدواج:

برای ازدواج ایده آل و پایدار ماندن آن، زیر بناهایی وجود دارد که ساختمان ازدواج روی آن استوار گشته و آن نتیجه‌ای که از مشروعیت آن در نظر گرفته شده است بدست می‌آید. از جمله آن اساسها و زیر بناها امور ذیل می‌باشند:

۱- همسر باید مسلمان باشد:

زیرا امر ازدواج پس از رابطه عقیده قوی‌ترین و متداوم‌ترین رابطه است، لذا لازم است که دین زن و مرد یکی باشد تا امر ازدواج ثمره مورد نظر را بدهد و شائبه‌های اختلاف عقیده صفای آن را مکدر نسازد، و واقعیت‌های زندگی بهترین گواه بر این گفته ما می‌باشند؛ زیرا هرگاه بین زوجین اختلاف عقیده وجود داشته باشد راه سهل و آسانی برای مواد مخدر جهت سرایت در خانواده پدید می‌آید و مشکلاتی بر آن مرتب می‌گردند که حد و حصری نخواهند داشت.

۲- زن و شوهر هردو باید متدین باشند:

هدف از تدین زوجین این است که حقیقت دین اسلام را بفهمند و بتوانند احکام، آداب و فضایل آن را عملاً در خود پیاده کنند. و مبادی و منهج اسلام را کاملاً لازمه و زندگی خود قرار دهند و در این باره متوجه ساختن رسول خدا ﷺ [برای کسی که می‌خواهد ازدواج کند] کافی است، آن حضرت ﷺ فرمود: «تُنكِحُ الْمَرْأَةَ لِأَرْبَعٍ: لِمَالِهَا وَلِحَسَبِهَا وَلِجَمَالِهَا وَلِدِينِهَا، فَاظْفَرْ بِذَاتِ الدِّينِ تَرِبَتْ يَدَاكَ»^(۱).

«با زن بخاطر چهار ازدواج می‌کنند: ۱- بخاطر مالش. ۲- برای حسبش. ۳- بخاطر حسن و جمالش. ۴- بخاطر دینش، پس با ازدواج به زن دیندار پیروز باش و از غیر آن دستت به خاک بیفتد».

۳- هریکی از زن و مرد برای خود چنان همسری را انتخاب کند که خانواده‌اش به اصالت، شرف، صلاح و پاکیزگی معروف باشد:

زیرا مردم به منزله معادن هستند، کسانی که در زمان جاهلیت بهتر بودند در زمان اسلام هم بهترین‌اند، به شرطی که فقه و فهم داشته باشند؛ مردم بین خود تفاوت‌هایی از نظر شرافت و وضاعت، صلاح و فساد و خیر و شر دارند.

چقدر روابط زناشویی وجود داشته که در بدو امر بنابه انتخاب ناشایست یکی از زوجین دیگری را، ازدواج صورت گرفته و در نهایت سر به طغیان و نابودی زده‌اند، و این چیزی است که روزمره محسوس و مشاهده می‌شود^(۲).

(۱)- صحیح بخاری، ج ۷، ص ۹، مسلم، ج ۴، ص ۱۷۵.

(۲)- در این موضوع به جلد اول کتاب تربیت اولاد در اسلام، تألیف عبدالله ناصح علوان مراجعه شود، کتاب مذکور توسط مولوی عبدالقادر دهقان و عبدالکریم حسین پور به فارسی ترجمه شده، امید است که به زودی انتشار یابد (مترجم).

دوم: معاشرت خوب زوجین با یکدیگر:

خداوند می‌فرماید: ﴿وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا ۝۱۹﴾ [النساء: 19].

«و با زنان به معروف معاشرت کنید، پس اگر آن‌ها را ناگوار دانستید، شاید آنچه را شما ناگوار بدانید خداوند در آن خیر زیادی قرار داده باشد».

کلمه «معروف» در این سیاق، کلمه جامعی است که شامل تمام آن چیزهایی است که خوبی آن‌ها از نظر شرع و عقل شناخته شده باشد، از قبیل عادات و شمایل نیکو، اخلاق فاضله، ادای حقوق و واجباتی که خداوند آن‌ها را زیر سایه رابطه تنگاتنگ زناشویی لازم قرار داده است، علما و جوه زیادی برای معاشرت بالمعروف ذکر کرده‌اند که برخی از آن‌ها در ذیل نقل می‌شود:

۱- وسعت بکاربردن در نفقه اهل و عیال، چنانکه خداوند متعال می‌فرماید: ﴿لِيُنْفِقْ ذُو

سَعَةٍ مِّنْ سَعَتِهِ ۖ﴾ [الطلاق: 7]. «ثروتمند بر حسب ثروتش نفقه پرداخت نماید».

۲- مشوره گرفتن از همدیگر در تمام شئون منزل نسبت به فرزندان و غیره، در خانه‌ای که محبت و الفت در آن حکم فرما باشند و مادر و پدر در شئون زندگی دست بدست همدیگر بدهند سعادت و نیکبختی در آن رونق می‌گیرد و فرزندان در آن با بهترین وجه رشد و نشو و نما می‌یابند.

۳- چشم‌پوشی هریکی از زن و مرد نسبت به نقایص یکدیگر بویژه وقتی محسن و مکارمش بیشتر باشد، چه کسی می‌تواند از همه عیوب سالم باشد؛ زیرا کمال تنها از آن خداست. آن اسلام که به خانه به عنوان سکن، امن و سلامتی نظر می‌کند، و چون به علاقه و ارتباط زن و مرد نگاه می‌کند آن را به مودت، رحمت و انس ستایش می‌نماید و این پیوند را بر اختیار مطلق قایم نگه می‌دارد تا بر هماهنگی، ابراز همدردی و دوستی پایدار بماند... خود همین اسلام است که به مردان می‌گوید:

﴿فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا﴾^(۱۹)

[النساء: 19].

«پس اگر آنان (زنان) را ناگوار دانستید، شاید در آنچه شما ناگوار می‌دانید، خداوند متعال خیر بسیاری قرار داده است».

او چنین می‌گوید تا ارتباط زناشویی را محکم ساخته از گسستن آن با اولین اختلاف ممانعت کند، و تا گره ازدواج را محکم کند که با اولین درگیری باز نشود، و تا حقیقت این مؤسسه بزرگ را حفظ کند؛ از این که ملعبه و هدف نزاعهای احساساتی و حماقت آن میلی که به این سو و آن سو می‌پرد، قرار گیرد.

سوم: حل مشکلات خانوادگی در فضای خاص خانوادگی:

خداوند می‌فرماید: ﴿وَالَّتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَأَهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَأَضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا﴾^(۲۰) وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَأَبْغُوا حَكْمًا مِّنْ أَهْلِهِ وَحَكْمًا مِّنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا^(۲۱) إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا﴾^(۲۲) [النساء: 34-35].

«به آن زنانی که از نافرمانی آن‌ها احساس خطر دارید نصیحت کنید و از آن‌ها در خوابگاه کناره‌گیری کنید و آن‌ها را بزنید؛ پس اگر مطیع قرار گرفتند، علیه آن‌ها اقدامی نکنید، یقیناً خداوند غالب و بزرگ است. و اگر احساس خطر نمودید پس مقرر کنید حکمی از طرف مرد و حکمی از طرفی زن که اگر آنان اصلاح طلب باشند خداوند آن‌ها را موفق می‌گرداند، یقیناً خداوند بسیار دانا و خبردار است».

منهج اسلامی انتظار نمی‌کشد تا فرمانی بالفعل تحقق یابد و پرچم عصیان به اهتزاز درآید و بیم قوامیت ازین برود، بلکه لازم است که در معالجه مبادی نشوز و نافرمانی قبل از قوی قرار گرفتنش مبادرت ورزید؛ زیرا سرانجامش فساد و ویرانی این مؤسسه مهم است.

لذا برای سرپرست خانواده اجازه رسید تا برخی از انواع تأدیب را به خاطر مصلحت در برخی از اوقات بکار گیرد و این بکارگیری تأدیب از روی انتقام و شکنجه نباشد، فقط به خاطر اصلاح و پیوند شکاف در نخستین بروز نافرمانی باشد.

اسلام یگانه دین جاوید و کاملی است که مقتضیات زندگی را برآورده و مشکلات را معالجه می‌نماید.

اسلام حاضر نیست که در قبال بروز نافرمانی و ناگواری تسلیم شده به گسستن این عقد اقدام نماید، و مؤسسه خانواده را در جلوی افراد بزرگ و کوچک بی‌گناه که هیچ قدرت و توانی ندارند، از هم بپاشد. مؤسسه خانواده در نظر اسلام عزیز است به اندازه مهم‌بودنش در بنای اجتماع و در امدادش به خشت‌های جدیدی که لازمه نمو و رشد، ارتقا و امتداد آن هستند.

هرگاه فرد صالح و خانواده باهم پیوسته و با امن یافته شود جامعه‌ای چنان قوی پدید می‌آید که می‌تواند در برابر سیلاب‌های بنیانکن که هرچند خطرناک و با اسالیب خاص و وسایل مجهز روی آوردند مبارزه و مقابله نماید، و در عصر حاضر خطرناک‌ترین آن‌ها سلاح مواد مخدر است که آن را به وسیله آتش جنگ در تمام کشورهای اسلامی افروخته شده و در اثر آن جوانان اسلام بنابر غفلت داعیان مخلص، اولیای امور و معلمان نسل جوان، جوانان مسلمان در سرتاسر کشورهای اسلامی از بین رفته‌اند.

و حال آن که اسلام پیروان خود را بر طاعت و بندگی تربیت نموده و بر همین آن‌ها را برانگیخته است و برای آن‌ها توضیح داده است که هدف از آفرینش آن‌ها عبادت خداست، چنانکه خود خداوند می‌فرماید: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ [الذاریات: 56].

«یعنی ما جن و انس را بجز برای عبادت خود، برای امر دیگری نیافریده‌ام».

هرگاه انسان مسلمان با پروردگارش در ارتباط بوده و ایمان در وجودش قوی باشد، و به ادای فرایض و عبادات مقرر پرداختد، وقت فراغتی برایش باقی نمی‌ماند تا آن را با استعمال

مواد مخدر ضایع کند؛ زیرا بر انسان لازم است که نخست در این وقت نسبت به خود و این کاینات بزرگ و خالق عظیم خویش بیندیشد.

و در مرحله دوم طمانینیت و آرامش را احساس کند، زیرا او کسانی را در اطراف خود می‌بیند که با او در انجام عبادت و تذلل و لذت‌بردن در برقراری رابطه با خداوند جل و علا شریک هستند.

و هر اندازه که مسلمان از هم‌نشینان بد کناره بگیرد و به مکاید آن‌ها پی ببرد و به راه‌های اغوای آن‌ها آگاه باشد و نهایت خسارات و ویرانی مواد مخدر برای او واضح گردد، به همان مقدار ارتباطش با خداوند و تلاشش برای هم‌نشینان نیک و توجه به سوی عبادت به اعتبار مفهوم عامش اضافه می‌شود؛ چنانکه خداوند می‌فرماید: ﴿قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۳۳﴾ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ ﴿۳۴﴾﴾ [الأنعام: 162-163].

«بگو که: نماز و حج و زندگانی و مرگ من برای خداست که پروردگار جهانیان است. شریکی ندارد و به این امر شده‌ام و من نخستین مسلمانم».

مطلب دوم: در برانگیختن بر کسب حلال و مبارزه با بیکاری

در جامعه اسلامی هر انسانی موظف است کار بکند، مأموریت دارد تا در گوشه و اطراف زمین بگردد و از رزق خدا بخورد، چنانکه خداوند متعال می‌فرماید: ﴿هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِن رِّزْقِهِ﴾ [الملک: 15].

«اوست که زمین را برای شما هموار ساخت پس در اطراف آن بگردید و از رزق خدا بخورید».

این کار نخستین سلاح مبارزه با فقر و اولین سبب جلب ثروت و نخستین عنصر در عمران و آباد ساختن زمین است که به همین خاطر انسان در آن خلیفه قرار گرفت و خداوند به او دستور داد تا آن را آباد کند، چنانکه از زبان صالح عليه السلام خطاب به قومش نقل می‌فرماید:

﴿يَقُومُواْ لَآلِهَةٍ مَّا لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا﴾
[هود: 61].

«ای قوم من! خدا را پرستید که جز او معبودی دیگر برای شما نیست، (زیرا) پیدا کرد شما را از زمین و گردانید شما را باشنده در زمین».

اسلام به کسب حلال وادار و از کسب خبیث برحذر می‌دارد، از خلال مباحث؛ زیرا این مطلب به خوبی روشن می‌گردد.

۱- اسلام درهای عمل را بر روی مسلمانان به خوبی گشوده است، تا از آنجمله آنچه را که شایستگیش را داشته و نسبت به آن آگاهی داشته باشد اختیار نماید و هیچ کار مشخصی را بر او لازم نمی‌کند مگر این که مصلحت جامعه در آن متعین باشد.

۲- اسلام درهای کار را به روی مسلمانان نمی‌بندد مگر در صورتی که پشت سر آن ضرری برای شخص یا جامعه وجود داشته باشد، اعم از این که ضرر مادی باشد یا معنوی و تمام کارهای حرام در اسلام از این قبیل می‌باشند.

۳- اسلام هیچ چیزی از حقوق خاصه کسی که در اثر کسب و کار بدست آورده مصادره نمی‌کند، بلکه هرچه مسلمان بر کسب نماید مال خودش می‌باشد، کسی دیگر در آن شراکت نخواهد داشت مگر این که اموال او به حد نصاب زکات برسند؛ پس وقتی مال کسی به حد نصاب زکات برسد بر او واجب می‌شود تا زکات آن را به برادران فقیر خود بدهد، زیرا آن‌ها در موقعیت و مرحله‌ای زندگی را بسر می‌برند که قبلاً همین ثروت‌مند بر آن بود.

۴- اسلام از کاستن حق مسلمانی قطعاً جلوگیری می‌کند، بلکه وادار می‌نماید تا مزد کارگر قبل از خشک شدن عرقش داده شود، و مزد هرکس به اندازه کارش باشد نه کم و نه بیش، زیرا دادن مزد کمتر از استحقاق، ظلمی بحساب می‌آید که در اسلام از سخت‌ترین محرمات است.

معالجه اسلام برای انگیزه‌های بیکاری:

اسلام تمام انگیزه‌های نفسانی و عوایق علمی را که مردم را از کار و تلاش رزق و مسافرت در روی زمین باز داشته است معالجه ریشه کن نموده است، به گونه‌ای که انسان در قبال آن به خاطر اجلال و احترام می‌ایستد، آن برنامه شگفت‌انگیزی که بشر بعد از قرن‌ها در پستی و سرگردانی ماندن، آن را لمس می‌کند و از مظاهر این معالجه است آنچه در ذیل ذکر می‌شود:

۱- بعضی از مردم با این سوء تفاهم که ما بر خدا توکل می‌کنیم و از او انتظار روزی داریم روی از کار می‌گردانند.

اسلام این روش را اشتباه معرفی کرده و در برنامه درست و حساب‌شده خویش توضیح داده است که کار با توکل تعارض و منافاتی ندارد، بلکه لازم است که همراه با توکل اسباب را فراهم نمود، در این باره شعار مسلم این است که «بر توکل زانوی اشتر ببند».

حکمت خدای حکیم و علیم تقاضا دارد که این ارزاقی که در بیابان و دریا آن‌ها را برای مردم تضمین نموده است و روزی که مقدر کرده و وسایل معیشتی که میسر ساخته است بدون جهد و کوشش و کار بدست نیایند، از اینجاست که خداوند سبحانه خوردن رزق را بر رفتن رفیق بر در مناکب (نواحی) زمین قرار داده و فرموده است: ﴿فَأَمْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ﴾ [الملک: 15]. «بروید در نواحی آن و بخورید از رزق خدا» پسی هرکسی که راه می‌رود می‌خورد و کسی که توان راه رفتن را دارد و می‌نشیند، سزاوار است که نخورد^(۱).

۲- و بعضی به بهانه این که ما خود را از کار و امور دنیا بریده فقط به بندگی خدا می‌پردازیم، زیرا خداوند به همین خاطر ما را آفریده است؛ چنانکه می‌گوید: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ [الذاریات: 56]. «نیافریده‌ام جن و انس را مگر برای آن که پرستند مرا».

(۱)- مشكلة الفقر و كيف عالجه الإسلام، ص ۴۴.

به این گروه بشریت چنین تعلیم داد که در اسلام رهبانیت نیست و هرگاه در کارهای دنیوی نیت درست باشد و کارگر آن را درست انجام داده احکام اسلام را در آن مراعات کند خود همان کار برای خدا قرار می گیرد که مسلمان به وسیله آن به خدا تقرب جوید، بهتر و شایسته تر آن است که انسان برای خود و اهل و عیالش زحمت بکشد، بلکه خداوند پایه اینگونه عمل را بالا برده تا آن را نوعی از جهاد قرار دهد. چنانکه می گوید: ﴿وَعَاخِرُونَ يَصْرِفُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَعَاخِرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ﴾ [المزمل: 20]. «و دیگران که سفر می کنند در زمین طلب روزی می نمایند از فضل خدا و دیگران که کارزار می کنند در راه خدا».

بعضی از مردم به این خاطر دست از زحمت و کار می کشند که این ذلتی است یا این که در شهر و مسکن خودش کار گیر نمی آید و یا این که او زندگی خود را به وسیله زکات و صدقات بسر می برد، همه این ها در این نظریه خویش در اشتباه قرار گرفته اند، زیرا کار هرچه باشد زحمتی است شرافتمندانه.

زیرا «هرکسی را بهر کاری ساختند» و مردم در این سر هم برای یکدیگر خدمت می کنند که این از روش آبادساختن این کاینات است، جای شگفتی نیست اگر ببینیم که مشاهیر و بزرگان مسلمان به سوی حرفه و کارشان منسوب می باشند و گوش ها و چشم های جهان پر هستند از نام های درخشان: بزاز، قفال، زجاج، خراز، جصاص، خواص، خیاط، صبان، قطان و غیره از کسانی که آثار نمایانی در محکم ساختن تمدن جاوید اسلام از خود بجای گذاشته اند.

مطلب سوم: کاشتن نهال ارزش های اسلامی و تبلیغ عمومی ضررهای مواد مخدر

یقیناً کاشتن ارزش های اسلامی و واداشتن بر تمسک به اسلام و لازم گرفتن آن برنامه زندگی است، و بیان موقف استعمال مواد مخدر و تفصیل نتایجی که از آن بدست می آید از

قبیل ضررها و خطرهایی که امنیت فرد، خانواده و جامعه را تهدید می کند همه این ها بالاترین وسایل مشخصی هستند برای نجات از این مشکل خطرناک.

تجربه های بسیار اندکی که بعضی از داعیان با برخی از معتادان داشته اند ثابت کرده اند که این روش های ممتاز فایده ای دربر داشته است، زیرا بسا اوقات معتادان در خلال یک یا دو نشستی که با داعیان داشته اند دست از استعمال این مواد برداشته اند.

بنابراین، لازم است که مساجد رسانه های گروهی برنامه های درسی باشگاه های ورزشی و مؤسسات اجتماعی نقش مؤثری در متنفر ساختن و برحذر داشتن مردم از این سموم قاتل داشته باشند و اگر امامان مساجد بر این موضوع در سخنرانی های روز جمعه توجه نمایند و معلمان و استادان آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند و در توضیح آن شاعران و ادیبان با اسلوب سهل و جذب به سرودن اشعار و نوشتن مقاله و سخنرانی پردازند مقدار زیادی از خطرات این مشکل کاسته خواهد شد، و به طور قطع می دانیم که پیشگیری هستند، و این کار برای هر کس سهل و آسان است ولی با وجود این می بینیم که کوشش در این زمینه بسیار کم است. فإلی الله المشتکی.

بحث دوم:

در مبارزه با مواد مخدر به طریق معالجه

این بحث سه مطلب دربر دارد:

مطلب اول: مداوا با عبادت.

مطلب دوم: عقوبت (کیفر).

مطلب سوم: زحمت کشیدن در مبارزه با مواد مخدر.

مطلب اول: مداوی با عبادت

قبلاً بیان کردیم که یکی از راه‌های پرهیز از شرور مواد مخدر کاشت ارزش‌های اسلامی است.

و هرگاه این به پایه تکمیل برسد پشت سر آن مردم را به سوی عبادت تشویق و ترغیب نمایند و آن را محبوب دل‌ها قرار دهند تا در یک فضای ایمانی زندگی خود را بسر برند و کاملاً از فضای رذیلت و حب منکرات دور باشند، زیرا قلب انسان همیشه احساس نیاز به سوی خدا دارد و این شعور و احساس اصیل و صادقی است که جای آن را هیچ چیزی نمی‌گیرد بجز این که مردم ارتباط خود را با خدا برقرار نمایند. و به این سبب عبادت برقرار می‌شود بشرطی که به وجه مشروعی ادا گردد. پس نزد دل‌های سالم، ارواح پاکیزه و عقل‌های فهمیده چیزی برتر، لذیذتر، پاکیزه و خوشحال‌کننده‌تر از محبت خدا، انس به او و شوق ملاقات با او نیست و آن شیرینی‌ای که مؤمن در قلبش در نتیجه آن عبادت حاصل می‌کند هیچ حلاوتی بالاتر از آن نخواهد بود. این دل بجز با عبادت خدا و توجه به سوی او اصلاح نمی‌شود و فلاح و پیروزی را نمی‌یابد و به سکون و آرامش نایل نمی‌گردد.

و هرگاه محبت خدا در قلب جایگزین شود تمام محبت‌های ما سواش را هرچند مستحکم باشند بیرون می‌راند، از اینجا است که عبادت مفیدترین علاج برای بسیاری از امراض و سمها که یکی از آنها استعمال مواد مخدر است، می‌باشد و عبادتی که ما به سوی آن اشاره نمودیم، مفهومی است که این لفظ کامل و شامل آن را دربر دارد و کافی است که ما، در اینجا بر تعریفی که شیخ الاسلام ابن تیمیه بیان نموده است اکتفا نماییم، چنانکه می‌گوید:

(عبادت اسمی جامع است که شامل تمام آن چیزهایی است که خداوند آن‌ها را دوست دارد و می‌پسندد، از قبیل اقوال و اعمال باطن و ظاهر مانند نماز، زکات، روزه، حج، راستگویی، ادای امانت، نیکی و احسان با مادر و پدر، پیوند خویشاوندی، وفا به عهد و پیمان، امر به معروف نهی از منکر، جهاد با کفار و منافقین، احسان به همسایه، یتیمان، مساکین، مسافران و مملوکان چه از بهایم و چه از انسان‌ها، دعا، ذکر، قرائت قرآن و امثال این‌ها از عبادات دیگر.

و همچنین محبت خدا و رسولش، ترس خدا و توجه به سوی او، اخلاص در دین، صبر، حکمت، سپاس‌گزاری نعمت‌های خدا، رضا به قضای او، توکل بر او، امیدوار شدن به رحمتش، ترس از عقوبت و عذابش و امثال آن‌ها از عبادات خداوندی)^(۱).

پس تمام زندگی مسلمان عبادت خداست که در آن جایی برای انحراف و مجالی برای جلسات فسق و استعمال مواد مخدر وجود ندارد. چنانکه خداوند متعال می‌فرماید: ﴿قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٦٣﴾ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ ﴿١٦٤﴾﴾ [الأنعام: ۱۶۲-۱۶۳].

(۱) - العبودیه، ص ۲.

مطلب دوم: عقوبت (مجازات)

شریعت اسلام شریعتی کامل و جاویدانی است. بنابراین، قوانینی را پیاده نموده است که ضامن مصالح مردم در معاش و معادشان باشند، از جمله آنهاست مشروعیت بعضی از مجازات‌ها برای کسانی که در نظام اجتماعی خلل ایجاد می‌کنند و یا نسبت به آبروی فردی تعرض می‌نمایند یا بر حقی از حقوق خصوصی یا عمومی تجاوز می‌کنند.

و این کیفرها به نص کتاب، سنت اجماع و قیاس ثابت هستند.

ابن قیم رحمته الله می‌گوید: «از جمله حکمت‌ها و رحمت‌های خداوندی این است که کیفرهایی را در باره جنایاتی که بین مردم نسبت به یکدیگر واقع می‌شوند مشروع ساخت از قبیل جنایت در نفوس، ابدان، اعراض و اموال مانند: کشتن، مجروح ساختن، قذف و تهمت و دزدی، پس خداوند وجهات زجرهای مانع از وقوع اینگونه جنایت‌ها را مستحکم قرار داده و بر کامل‌ترین وجهی آن‌ها را مشروع ساخته است تا ضامن مصلحت جلوگیری و زجر همراه با عدم تجاوز از حدی باشد که مستحق آنست»^(۱).

تعریف عقوبت:

عقوبت در لغت عبارت است از آن جزایی که ولی امر یا نایب او بر کسی وارد می‌کند که مرتکب به مخالفت شرعی شده باشد، چنانکه به حقی خصوصی یا عمومی تعدی کرده باشد.

و این عقوبت مأخوذ است از فعل عاقب یعاقب معاقبة و عقوبة و عقابا. در **لسان العرب** آمده است: «عقاب و معاقبه عبارت است از این که به کسی در برابر کردارش سزایی داده شود، و اسم این سزا عقوبت است، و عاقبه بذنبه معاقبة و عقاباً أخذ به، و تعقب الرجل إذا أخذته بذنب کان منه...»^(۲).

(۱) - إعلام الموقعین، ج ۲، ص ۱۱۴.

(۲) - لسان العرب ماده عقب، ج ۱، ص ۲۱۹.

در تهذب اللغة آمده است: «عقاب و معاقبه عبارت است از: سزادادن به کسی مساوی با کردارش که اسم این عقوبت است، و يقال أعقبته بمعني عاقبته»^(۱) (أعقبته از باب افعال و عاقبته از باب مفاعله یک معنی دارند).

عقوبت اصطلاحی:

تعريفات اهل علم راجع به عقوبت، اهداف عقوبت دور می‌زنند به ویژه آنچه به ریشه‌کن کردن جرم و اصلاح مجرمان تمام می‌شود، برخی از آن تعریف‌ها در ذیل نقل می‌شوند:

علامه ماوردی حدود را چنین تعریف نموده است: «سزاهایی که خداوند بخاطر جلوگیری از ارتکاب محظورات و ترک مأمورات مقرر فرموده است»^(۲).

محقق ابن همام فرموده است: «موانع قبل الفعل وزواجر بعده»^(۳) یعنی، آن‌ها قبل از انجام کار مانع و بعد از آن سزا به حساب می‌آیند.

علامه ابن عابدین فرموده است: «تحقیق آن است که بعضی از مشایخ فرموده‌اند که آن‌ها قبل از انجام کار موانع و بعد از آن زواجر قرار می‌گیرند؛ یعنی با دانستن مشروعیتش مردم از ارتکاب کار بد خودداری نموده و پس از سزای انجام کار از تکرار ارتکاب باز می‌مانند...»^(۴).

از مباحث فوق می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که عقوبت عبارت از آن سزایی است که بخاطر مصلحت جامعه بر نافرمانی از امر شارع مقرر می‌گردد.

(۱) - تهذيب اللغة مادة عقب، ج ۱، ص ۲۷۷.

(۲) - الأحكام السلطانية، ص ۲۲۱.

(۳) - فتح القدير، ج ۵، ص ۳.

(۴) - رد المحتار، ج ۴، ص ۳.

هدف از اجرای آن اصلاح حال بشریت و نگهداشتن آن‌ها از مفساد و نجات‌دادن‌شان از جهالت و رهنمایی آنان از گمراهی به سوی هدایت و بازداشتن آن‌ها از ارتکاب معاصی و وادار کردن‌شان به طاعت و بندگی است^(۱).

اقسام عقوبت:

عقوبت بر دو قسم است: عقوبت اخروی و عقوبت دنیوی.

باز عقوبت اخروی نیز بر دو قسم است:

عقوبت مؤبد و عقوبت مؤقت.

۱- **عقوبت مؤبد:** آنست که خداوند به کفار و منافقین بر حسب تفاوت درکات‌شان به رفتن در جهنم قضاوت می‌فرماید، چنانکه می‌فرماید: ﴿يُرِيدُونَ أَن يُخْرَجُوا مِنَ النَّارِ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنْهَا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ﴾ [المائدة: 37].
«می‌خواهند از آتش جهنم بیرون شوند ولی نمی‌توانند از آن خارج شوند و برای آن‌ها عذاب همیشگی هست».

و نیز می‌فرماید: ﴿وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ﴾ [البقرة: 167].

«از جهنم بیرون نمی‌شوند».

و می‌فرماید: ﴿إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ﴾ [النساء: 145].

«همانا منافقین در پایین‌ترین طبقه جهنم قرار دارند».

۲- **عقوبت مؤقت:** آنست که خداوند به مسلمان گناهکار که بر ارتکاب گناه بدون توبه از این جهان فوت کرده‌اند سزا بدهد، چنانکه می‌فرماید: ﴿وَمَن جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَىٰ إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾ [الأنعام: 160].

(۱) - تشریح الجنائی الاسلامی، ج ۱، ص ۶۰۹.

«یعنی، هر کس اعمال بد بیاورد، پس کیفر داده نمی‌شود مگر به اندازه آن گناه و بر آنان ظلم کرده نمی‌شود».

عقوبت دنیوی نیز بر دو قسم است:

- ۱- **عقوبت مقدر از جانب شارع** که نمی‌توان در آن هیچگونه کمی و بیشی نمود.
- ۲- **عقوبت غیر مقدر** که می‌توان در آن کم و زیاد کرد و آن وابسته به صوابدید حاکم و وضعیت جنایتکار است، چنان کیفری که برای باز آمدن مجرم کافی باشد که آثار جنایتش از افراد یا جامعه زدوده شوند^(۱).

کیفر معتاد، توزیع کننده، قاجاقچی و کاشت کننده مواد:

نخست کیفر معتاد:

علماء در باره حرمت مخدرات باهم اختلافی ندارند و همچنین در باره شدید قرار دادن عقوبت بر تناول کننده‌اش نیز اختلافی نخواهند داشت؛ زیرا استعمال کننده در خلال استعمالش اقدام به هلاکت خود می‌کند حال آن که خداوند از این، در کتاب خویش بر حذر داشته است، چنانکه می‌فرماید: ﴿وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ﴾ [البقرة: 195]. «خود را به سوی هلاکت نیفکنید».

اگرچه استفاده کننده در اثر حماقت و نادانیش بر بزرگ‌ترین نعمت خداوند که مدار تکلیف است یعنی نعمت عقل تجاوز تعدی می‌نماید باز هم اهل علم در باره عقوبتی که او سزاوارش هست اختلاف نظر دارند که آیا عقوبت آن عقوبت خمر است یا عقوبت تعزیری است؛ در این باره دو قول از آنان منقول است و این دو قول مبنی بر اختلاف آن‌هاست، در این مورد که آیا مواد مخدر نشئه‌آور است یا خیر.

(۱) - بدایة المجتهد، ج ۲، ص ۳۹۵، الحسبة ابن تیمیه، ص ۵۹، شرح عقیده طحاوی ابن ابی العز، ص ۳۵۳، تشریع الجنائی، ج ۱، ص ۶۳۴، عقوبة أبي زهره، ص ۵۲ - ۶۳.

قول اول:

بعضی از علماء احناف شوافع، مالکیه و حنابلہ می‌گویند که: عقوبت مواد مخدر عقوبت خمر نیست، بلکه عقوبت تعزیری است که وابسته به صوابدید حاکم بر حسب حال استعمال‌کننده و آثاری که از آن‌ها مرتب می‌گردند. گاهی ضربۀ شلاق، گاهی زندان و گاهی به صورتی دیگر است البته حد سکر بر او اجرا نمی‌گردد، زیرا مواد مخدر مسکر و نشئه‌آور نیستند پس اسم خمر شامل آن‌ها نخواهد شد.

لذا مقایسه آن بر خمر از دو وجه مردود است:

یکی این که شرط قیاس در حدود مساوات است و این‌ها با خمر هیچگونه شباهتی ندارند؛ زیرا با استعمال شراب، عربده کشی و خشم پدید می‌آید که از مواد مخدر چنین چیزی پدید نمی‌آید، در شراب‌نوشی عقل غایب شده در شارب قوه و نشاط پدید می‌آید ولی مواد مخدر با وجود این که عقل را زایل می‌گردانند در وجود استعمال‌کننده سستی و خواب آلودگی پیدا می‌شود.

دوم این که مواد مخدر پاک هستند و خمر نجس است، البته اختلاف در این است که نجاستش حسی است یا معنوی، لذا مناسب است که بخاطر تأکید زجر اجرای حد بر شراب‌خوار واجب شود^(۱).

قول دوم:

گروهی از علماء معتقد هستند که سزای استعمال‌کننده مواد مخدر حد شراب است، از آنجمله: شیخ الإسلام ابن تیمیہ، ابن قیم، ذهبی، زرکشی و غیره می‌باشند؛ ایشان می‌گویند: دلایلی که در باره حرمت شراب وارد شده‌اند شامل تمام مسکرات هستند اعم از این که مایع باشند یا جامد، مأکول باشد یا مشروب و در این عموم مواد مخدر نیز داخل‌اند.

(۱) - فتاوی الکبری الفقهیه، ج ۴۳، ص ۲۳۳.

قول راجح:

به نظر من قول دوم راجح است که حکم مسکرات شامل مخدرات است و بر کسی که آن‌ها را استعمال می‌کند حد شرعی خمر واجب می‌گردد، بلکه من مایل به این هستم که اگر آن شخص با وجود اقامه حد باز هم از ارتکاب مواد باز نیامد حاکم می‌تواند بر حسب نظریه خویش بر او حکم تعزیر هم اجرا نماید حتی اعدام. والله اعلم.

هیئت کبار علماء در کشور عربستان سعودی به همین نتیجه رسیدند و قطع‌نامه‌ای به شماره (۸۵) در مؤرخه ۱۱ / ۱۱ / ۱۴۰۱ هـ.ق. صادر نمودند، در این قطع‌نامه آمده است:

«هرکسی که فقط دست به استعمال آن بزند در حق او حکم شرعی مسکر اجرا خواهد شد و اگر استعمال آن را به صورت مستمر ادامه داد و در حق او اقامه حدی میسر نگردید حاکم می‌تواند با اجتهاد خود عقوبت تعزیری بر او اجرا کند تا موجب زجر و خودداری قرار بگیرد، اگرچه به قتل تمام بشود.

ثانیاً عقوبت ترویج‌دهنده:

ترویج مواد مخدر باعث از بین رفتن اخلاق و ارزش‌ها در جامعه اسلامی است و این از باب ترویج منکرات و تعاون علی الإثم و العداون است که خداوند از آن در کتابش مردم را برحذر داشته است، چنانکه می‌گوید: ﴿وَلَا تَعَاوُنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ﴾ [المائدة: ۲]. «بر گناه و تجاوز همکاری نکنید».

بنابراین، مناسب است عقوبت به گونه‌ای باشد که زاجر و باز دارنده قرار گیرد، اگرچه بخاطر زجر نوبه به اعدام هم برسد. قطع‌نامه صادره هیئت کبار علمای کشور عربستان سعودی به شماره (۸۵) در مؤرخه ۱۱ / ۱۱ / ۱۴۰۱ هـ.ق، روی این نص صریحی فرموده است، چنانکه در آن آمده است: «هرکسی آن را رواج دهد چه بطریق ساختن یا وارد کردن به صورت خرید و فروش، هدیه، تحفه و امثال از راه‌های دیگر ترویج، اگر این عمل نخستین

بار اوست باید به شدت، تعزیر بر او چه با زندان کردن او، یا شلاق زدن، یا جریمه نقدی، و یا هردو باهم، بنابه رای قاضی اجرا شود.

و اگر این عمل از او به صورت تکرار انجام گیرد به گونه‌ای باید به او تعزیر زده شود که شر آن از جمله کوتاه شود اگرچه به اعدامش تمام بشود، زیرا او با انجام این عمل از مفسدین فی الأرض قرار گرفته و از کسانی بحساب می‌آید که جرم در قلوب آن‌ها ریشه دوانیده است و محققین اهل علم ثابت کرده‌اند که اعدام نوعی از تعزیر می‌باشد.

مرحله سوم عقوبت سوداگر مرگ:

قاچاق مواد مخدر آثاری بدی بر فرد و جامعه دارد، همانند آثار ترویج آن بلکه بیشتر از آن. بنابراین، کیفر قاچاقچی مثل کیفر ترویج‌دهنده یا برتر از آن باید باشد، هیئت کبار علماء در کشور عربستان سعودی به همین نتیجه رسیده است، در قطع‌نامه شماره (۱۳۸) مؤرخه ۲۰ / ۶ / ۱۴۰۷ هـ چنین آمده است: «... نسبت به قاچاقچی مواد مخدر، همانا کیفر آن اعدام است؛ زیرا او با این عمل خویش فساد بزرگی را در کشور داخل می‌کند که تنها منحصر به خود قاچاقچی نیست، بلکه در مجموع ضررهای جسمی و خطرهای سهمگینی بر ملت وارد می‌کند.

کسی که مواد ورودی را جلب یا از خارج دریافت می‌کند و به توزیع کنندگان و مروجین می‌دهد، نیز ملحق به قاچاقچی است...»^(۱).

مرحله چهارم عقوبت کشاورز:

کسی که به کشت و زرع مواد مخدر یا ساختن آن اقدام می‌کند او هم در ردیف مروجین داخل است. بنابراین، سزای او هم سزای مروجین می‌باشد، و آن وابسته به رأی حاکم است اگر او صلاح دید که با آتش کشیدن کشت و زرع و تلف نمودن مواد مخدر و تعزیر زدن

(۱) - مجله البحوث، عدد ۲۱، سال ۱۴۰۸ هـ ص ۳۵۶.

کشاورز به شلاق یا زندان یا جریمه نقدی شر او کوتاه می‌شود، می‌تواند این کارها را با او انجام دهد و اگر بازهم کشاورز کار خود را ادامه داد و از آن دست بردار نشد، حاکم می‌تواند او را تعزیراً به قتل برساند؛ زیرا کشت مواد مخدر از بدترین انواع فساد فی الارض و گسترش رذیله و اعلان مسکرات است و آن عقوبتی را که در حق مروج سابقاً ذکر نمودیم کاملاً بر کاشتکار منطبق می‌شود. والله أعلم.

مطلب سوم: کوشش‌های انجام شده در مبارزه با مواد مخدر

استعمال مواد مخدر قاچاق آن، تجارت و کشت و زراعتش از آن مشکلات بزرگی است که جهان را ویران می‌کند و از روزی که جهان به خطرات این مشکل پی برد، دارد زحمتهای پیاپی جهت برنامه‌ریزی نظام شدیدی برای استحکام نظارت بر آن و منحصر کردن استعمالش را فقط بر اغراض طبی و علمی به خرج می‌دهد. بنابراین، کنفرانس‌ها و جلسات زیادی بر این منعقد گشته است که از حجم این مشکل بکاهند و بسیاری از مراکز دولتی جهت این کار مقرر گردیده است.

کشور عربستان سعودی با وابستگانش از کشورهای دیگر عربی و دولت‌های اسلامی زحمتهای ممتازی در این میدان کشیده‌اند که زحمتهای و کوشش‌های جهانی و منطقه‌ای در امور زیر خلاصه می‌گردند:

نخست، برگزاری کنفرانس‌ها و معاهده‌های جهانی برای مبارزه با مواد مخدر:

۱- از زحمتهایی که در اوایل قرن نوزدهم انجام گرفت برگزاری نخستین کنفرانس جهانی بود که برای مواد مخدر (شانگ‌های به سال ۱۹۰۹ م) برگزار شد و ایالات متحده آمریکا در آن دعوت نمود تا حاضرین در کنفرانس، تحقیق و بررسی مشکل مواد مخدر و آثار پدید آمده از آن را به عهده بگیرند و بر این دعوت کنفرانس

چهارده کشور لیبیک گفت. در این کنفرانس قطعنامه‌هایی صادر گردید که باید برای جلوگیری از گسترش این دشمن خطرناک اقدامات ریشه کن انجام گیرد.

۲- کنفرانس دوم در «لاهای» به ۱۹۱۲ م برگزار شد و قرار داد اتفاقی در آن بر (معاهده جهانی افیون) به اتمام رسید که دولت‌های شرکت کننده بر نظارت تولید افیون خام و تقیید خام و تقیید صدور آن و استعمالش و منحصر کردن مواد مخدر بر اهداف پزشکی متعهد شدند.

۳- کنفرانس (ژنو) در سال ۱۹۲۵ م منعقد گردید و جمع حاضر در آن بر ممنوعیت تجارت و معامله افیون و تعزیر کسانی که به معامله آن اقدام می‌نمایند تأکید نمودند.

۴- کنفرانس دوم (ژنو) در سال ۱۹۳۶ م برگزار گردید و از مواد مهم قطعنامه آن این هم بود که مجرمان مواد مخدر باید به مأمورین انتظامی تحویل گردند و جهت پیگیری مواد مخدر، همکاری لازم با مأمورین انجام گیرد.

۵- سپس یگانه معاهده‌ای برای مواد مخدر در سال ۱۹۱۶ م انجام گرفت، این معاهده تمام معاهدات قبلی را در خود جمع کرد؛ سپس این معاهده در سال ۱۹۷۲ م حک و اصلاح شد تا نظارت‌های دولتی را محکم‌تر سازد.

۶- معاهده دوم و آن معاهده داروهای نفیس به سال ۱۹۷۱ م است که نظامی برای نظارت بر مواد دارای تأثیر بر روان و عقل، نظامی وضع کرد.

ثانیاً، انجمن‌ها و مراکز دولتی برای مبارزه با مواد مخدر:

۱- انجمن مواد مخدر

انجمن مواد مخدر در سال ۱۹۶۱ م با عضو، تشکیل شد که انتخاب آن‌ها از کشورهای تولیدکننده مواد مخدر و کشورهای سازنده آن مواد و کشورهای که مشکل استعمال و تجارت مواد مخدر را به دوش دارند، انجام گرفت.

۲- هیئت نظارت‌های کشوری بر مواد مخدر

این هیئت به موجب عهدنامه ویژه‌ای که در سال ۱۹۶۱ م تشکیل شد پدید آمد. از بارزترین اشیای مهم آن ممنوعیت کاشت مواد مخدر و تجارت آن و محدود کردن نیازهای پزشکی از آن و توزیع جهانی آن بود.

۳- صندوق بین‌المللی برای مبارزه با به کار بردن مواد مخدر

این صندوق در سال ۱۹۷۱ م پدید آورده شد و منابع درآمد مالی آن، تبرعاتی است که کشورهای عضو می‌دهند. از بارزترین کارهای مهم آن محدود کردن خطر مشکل مواد مخدر است، و آن جایگزین کردن کشتی مفید به جای کشت مواد مخدر و محکم‌ساختن وسایل مبارزه در کشورهای عضو و بالابردن سطح امنیت مبارزین در میدان‌های مبارزه است.

۴- سازمان بهداشت جهانی

مهمترین مسئولیت این سازمان جنبه بهداشتی مشکل مواد مخدر است که انواع مواد مخدر را تجزیه و تحلیل کرده مورد آزمایش قرار می‌دهد و ضررهای بهداشتی آن را واضح می‌سازد؛ همچنین برنامه‌های عملی را برای جلوگیری از همکاری با موسسه‌ها و هیئت‌های عامل در این میدان تقدیم می‌کند، همچنان که خدمات پزشکی، درمانی را برای نجات معتادان از مرگ حتمی انجام می‌دهد.

سوم، مراکز عربی برای مبارزه با مخدرات:

۱- دفتر بین‌المللی عربی برای شئون مخدرات که مقرش در اردن است، و آن تابع

مجلس وزرای داخلی کشورهای عربی است، این دفتر کوشش‌های بسیاری در راه

مبارزه با مواد مخدر دارد که می‌توان به عنوان مثال موارد ذیل را ذکر کرد:

گرفتن جلساتی در این باره گردش‌ها، تهیه کردن بحث‌های مفید و زمینه‌ساز دیدارهای

وسیع با عاملین در میدان مبارزه.

۲- کوشش‌های صادر شده از مجلس وزرای داخلی کشورهای عربی، از جمله:
الف- قانون متحد عربی برای مبارزه با مواد مخدر که آن را مجلس وزرای داخل
کشورهای عربی در دارالبیضاء سال ۱۹۸۶م به تصویب رساند.
ب- استراتژیک عربی برای مبارزه با استعمال اشیای غیر مجاز که آن را مجلس در سال
۱۹۸۶م به تصویب رساند، نتیجه نهایی آن همکاری جدی بین کشورهای عربی بر، بستن
مرزهای ترویج مواد مخدر و جایگزین کردن زراعت‌های مجاز بجای کاشت گیاهان مخدر
است.

۳- مرکز عربی برای تحقیقات و بررسی‌های امنیتی و تمرینی.
این مرکز کوشش‌های بزرگی برای در تنگنا قراردادن اعتیاد و ترویج مواد مخدر دارد،
شاید از بارزترین کوشش‌های مملوس آن، ترتیب‌دادن ملاقات‌های شاخص متخصصین
بزرگ، و استادان دانشگاه برای علاج این پدیده است، باز آن بحث‌های شاخص و توصیه
هدف داری که از این دیدارها برمی آیند، در کاستن حجم این مشکل سهم به سزایی دارند.

چهارم، مرکزها و هیئت‌های فعال در کشور عربستان سعودی در میدان مبارزه با مواد مخدر:

کشور عربستان سعودی یکی از آن کشورهایی است که در مبارزه با مواد مخدر همیشه
کوشش‌های شاخصی داشته و دارد، و این کوشش‌های به خرج داده شده از صمیم قلب هر
مسلمان عربستانی در این سرزمین پاک سرچشمه می گیرد، زیرا مبارزه با مواد مخدر وظیفه
شرعی هر مسلمان است که از جانب اسلام بر دوشش گذاشته شده است، هریکی حسب
امکانات و نیروهایی که خداوند به او بخشیده در این میدان زحمت می کشد.
هیئت‌هایی که وظیفه مبارزه در این کشور را انجام می دهند بر دو نوع‌اند: هیئت‌های
عمومی و هیئت‌های خصوصی.

هیئت‌های عمومی آن گروه‌ها و دستگاه‌های بزرگ و کوچکی هستند که در گوشه این کشور مستقراند، زیرا مسئولیت عمومی پیگیری معتادان، قاچاقچیان و مروجین مواد مخدر با تبلیغ جهت‌های خصوصی که متولی شئون آنهاست بر دوش آنان است.

هیئت‌های خصوصی بر دو نوع‌اند: ۱- هیئت‌های متخصص در مبارزه با مخدرات مثل اداره کل مبارزه با مواد مخدر و هیئت‌هایی که مخدرات و منکرات دیگر را بر عهده دارند، در اینجا مهم‌ترین هیئت‌های خصوصی که در مبارزه با مواد مخدر همکاری دارند، به طور اختصار ذکر می‌شوند:

۱- اداره کل مبارزه با مواد مخدر:

این اداره تابع وزارت کشور است و دارای زحمات موفقیت آمیزی است در پیگیری استعمال‌کنندگان، ترویج‌دهندگان و قاچاقچیان مواد مخدر در داخل کشور اعم از اهل خود کشور یا بیگانگانی که داخل کشور اقامه دارند.

این اداره هر نوع وسایلی که در امکان دارد، در تحقیق آنچه از امور مهم، مربوط به آن است بکار می‌گیرد؛ و همیشه از کل اتباع و اقامت‌کنندگان در کشور می‌خواهد که به خاطر حمایت کشور از بلاهای این زهر خطرناک با او همکاری داشته باشند.

این اداره تنها به دستگیری معتادان و رواج‌دهندگان مواد مخدر بسنده نمی‌کند، بلکه در ضمن سعی بسیار دارد تا مردم را از ضررها و مفاسد مواد مخدر آگاه سازد، بسا اوقات برای به اثبات رساندن این هدف بزرگ دیدارها و جلساتی منعقد کرده و نمایش گاههایی برگزار کرده است.

۲- اداره کل گمرک‌های کشور:

این اداره وابسته به وزارت دارایی و اقتصاد کشور است، مرکز اصلی آن در «ریاض» است و شاخه‌هایی در گذرگاه‌های مختلف زمینی، دریای و هوایی دارد و کارهای مهم بزرگی در پیگیری و بازرسی صادرات و واردات از این گذرگاه‌ها را انجام می‌دهد، شاید

کوشش‌های بزرگش در گرفتن مقادیر بزرگی از قاچاق مواد مخدر دارای اثر بزرگی در قلب اهل کشور باشد و از آن جایی که این اداره کاملاً وظیفه خویش را انجام می‌دهد، مردم در راحتی و اطمینان بسر می‌برند. امیدوارم که مسئولین، این اداره را با استخدام جوانان مخلص و ملتزم به اسلام و احکام اسلامی از نظر رفتار و برنامه زندگی تقویت کنند تا رسالت خویش را به خواست خداوند متعال به نحو احسن انجام دهد.

۳- سلاح حدود:

این دستگاه تابع وزارت کشور است و کارهای نمایانی در تعقیب قاچاق و قاچاقچیان مواد مخدر و... دارد. از آمارگیری‌های بزرگی که بیانگر کمیت مقادیری است که از سوی نیروهای سلاح حدود اعم از حدود زمینی و دریایی ضبط شده‌اند کوشش‌های آن واضح می‌گردد.

۴- مراکز بحث‌های مبارزه با جرم:

این مرکز وابسته به وزارت کشور است، این مرکز به عنوان یکی از مراکز پیشگیری از هرنوع جرم به ویژه جرم استعمال ترویج و قاچاق مواد مخدر به حساب می‌آید. وظیفه آن از خلال بحث‌هایی که در باره جرم، اسباب جرم، انگیزه‌های آن، راه‌های پیشگیری از آن، علاج و اماکن پخش و توزیع آن دارد، واضح می‌شود. این مرکز مجموعه‌ای از بحث‌های مهم را تقدیم جامعه کرده است که بسیاری از محققان و متخصصانی که در جلوگیری از گسترش مواد مخدر در جهان همکاری دارند، از آن‌ها استفاده کرده‌اند.

۵- وزارت بهداشت:

شاید از بارزترین کارهایی که این وزارت در رابطه با مبارزه با مواد مخدر انجام می‌دهد، جنبه‌ی علاجی آن باشد که این وزارت علاج معتادان را در بیمارستان‌های مخصوص به این هدف به عهده دارد، بیمارستان‌های امل (امید) در کشور با کوشش خستگی ناپذیر، سهم

علاج بسیاری از کسانی شده‌اند که در دام مخدرات افتاده‌اند که در نتیجه این افراد از این بیمارستان‌ها به حالتی خارج شده‌اند که خود عامل سازندگی و اصلاح در اجماع قرار گرفته‌اند در حالی که قبلاً کلنگ‌های انهدام قرار گرفته بودند، و این نعمت بزرگی است که حمد و منت از آن خداست.

۶- وزارت ارشاد:

زحمات و کوشش‌های وزارت ارشاد در مبارزه با مخدرات با پخش و انتشار مجله، رسایل و کتب و برنامه‌های صدا و سیما در تبلیغاتی که شامل اضرار این مواد و نتایج مهلکی که اجتماع با امن و مطمئن را متزلزل می‌گرداند، ظاهر می‌شود؛ این وزارت کوشش‌هایی قابل لمس انجام داده و امیدواریم که این زحمات را ادامه بدهد و خط مشیی را مشخص کند تا فرهنگیان برگزیده کشور از جمله علماء، اساتید دانشگاه و... بر آن عامل شوند^(۱).

۷- هیئت‌های امر به معروف و نهی از منکر:

این هیئت‌ها در پیگیری استعمال‌کنندگان و ترویج‌دهندگان مواد مخدر نقش مهمی را بازی نموده و بحمدالله تا حد بزرگی موفقیت حاصل کرده‌اند که شاید این از اخلاص مسئولین و کارکنان این هیئت‌هاست که این همه زحمات را به خاطر خدا و امید ثواب متحمل می‌شوند، این زحمات از بین آن کمیت‌هایی که هیئت‌ها ضبط کرده و از لوحه‌های تقدیر و مدال‌هایی که افراد هیئت‌ها در مناسبت‌های عمومی و خصوصی کسب کرده‌اند، ظاهر می‌گردد.

این‌ها مهم‌ترین مراکزی هستند که کوشش‌های بارزی در مبارزه با مواد مخدر دارند، شاید عامل تشویقی و جایزه‌هایی که این موسسه‌ها از مسئولین دولت دریافت می‌کنند تأثیر بزرگی در چسبیدن به کار و دریافت جایزه داشته باشد.

(۱)- همان مدرک، ص ۲۰۳ و مابعد آن.

منهج بارز اسلامی در مبارزه با مخدرات بر دو عنصر مهم قایم است:

یکی: پیشگیری [با مفهوم عام] زیرا اسلام به سوی هر وسیله مجازی که انسان را از مخدرات حفاظت کند، دعوت می‌دهد؛ مگر این که سبب انتهاک امری حرام یا سبب تهاون به امر واجبی باشد.

دوم: علاج است، و این با راه‌ها و روش‌هایی که متکفل ریشه‌کن کردن این زهرهاست انجام می‌گیرد، اگرچه این با استیصال بعضی از میکروب‌هایی باشد که دوست دارند با حساب دیگران در اجتماع زندگی کنند.

هرگاه توجه درست در خانه، مدرسه، خیابان، و بازار و مسجد حاصل شود و هر مسئولی با بهترین وجه انجام مسئولیت بکند، هرگز مواد مخدر به سوی اجتماع راه پیدا نخواهند کرد، هرچند مجرمین و بازیگران نقشه بکشند.

بخش هشتم:

مؤلف محترم در آغاز این بخش جدول‌هایی درج کرده بود که میزان معتادان از اقشار مختلف و مقدار استعمال از هرنوع مواد را مشخص می‌کرد، اما چون این جدول‌ها متعلق به کشور عربستان سعودی بود، از ترجمه آن خودداری کردم.
(مترجم)

خاتمه

از نگاه دقیقی که بر بیانات گذشته داشتم نتایج زیر بدست آمد:

۱- تمام گروه‌هایی که تعلقی به مواد مخدر دارند چه از نظر استعمال یا ترویج یا قاچاق، تأکید دارند که مواد مخدر سبب مهم مشکلات خانوادگی، اتفاقات رانندگی، جرم‌های هجوم و حمله‌ای، ربودن اموال مردم و تجاوز بر اموال، آبرو و ممتلكات است.

۲- بیشترین آمار معتادان از جوانان و کارگرانی که از خارج می‌آیند تشکیل می‌شوند، علت استعمال فرار کردن از آن زندگی‌ای است که در آن بسر می‌برند. و بعضی از کارگران خارجی آن را به خاطر در دام انداختن بزرگ‌ترین تعداد ممکن از جوانان استعمال می‌کنند آن هم به علت بغضی و کینه‌ای که نسبت به امن و سلامتی این بلاد اسلامی دارند.

۳- هدف بیشتر قاچاقچیان و ترویج‌دهندگان مواد مخدر تثبیت غرض‌های پست‌شان از طمع دنیوی یا فساد اخلاق یا بدست آوردن متاع زایل شونده است.

۴- بسیاری از معتادان کسب و کاری ندارند، و [به گمان‌شان] به خاطر وقت‌گذرانی و پرکردن اوقات به استعمال مواد مخدر روی می‌آورند. کاش می‌دانستند که آیا برای مسلمان وقت فراغت وجود دارد؟! کجا وقت فراغت دارد، در حالی که تمام زندگیش در صورتی که با نیت صالح و صدق با خدا باشد، عبادت است. خداوند می‌فرماید: ﴿قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ [الأنعام: 162].

«بگو که: نماز و حج و زندگانی و مرگ من برای خداست که پروردگار جهانیان است».

۵- مخدرات مشکلی جهانی قرار گرفته‌اند که نیازمند به خرج دادن کوشش‌های بزرگ که الآن از طریق هیئت‌ها و مراکز انجام می‌گیرد، برای از بین بردن این دشمن ویرانگر نیستند.

۶- وقتی که هر گوشه‌ای از جهان به خطر جدی بودن مخدرات برای امنیت کشورها و ملت‌های آن‌ها پی برد، در راه مبارزه با آن سهم شد و کشورهای غرب و شرق شروع به همکاری نمودند تا این مشکل را از بین ببرند که در نتیجه بسیاری از معاهدات دولتی جهت سهم شدن در پیگیری و تعقیب قاچاقچیان و ترویج‌دهندگان مواد مخدر، تشکیل شد.

۷- خانه مسلمان اثر بزرگی در منع گسترش مواد مخدر دارد، هرگاه ملاحظه و مراقبت (مواظبت) از جانب اولیای امور یافته شود و آنان در پی انتخاب هم نشینانی خوب برای اولاد خود باشند، هرگز مواد مخدر به خانواده آن‌ها راه نخواهد یافت.

۸- مسجد نقش مهمی در تبلیغ و توجیه دارد، لذا مناسب است که ائمه و سخنرانان مساجد موضوع خود را بر بیان اضرار مواد مخدر متمرکز ساخته، مفاسد و حوادث خطرناکی را که بر امنیت جامعه طوفان می‌کنند و آن را متزلزل می‌سازند، بیان کنند.

۹- اساتید باید در این میدان کوشش‌های خویش را به ثمر برسانند، در هر مدرسه و دانشگاهی صدها طالب و دانشجو وجود دارد، چقدر که نسبت به زیان‌های مواد مخدر و برحذر داشتن از آن‌ها در مدارس بحث و توجیه شود به همان نسبت باذن‌الله نتایج خوبی بدست خواهد آمد.

۱۰- همچنان لازم است که نیروهای اعضای هیئت تدریس در دانشگاه‌ها و مراکز بحث و تحقیق به ثمر رسانده شود تا ثمره آن‌ها بحث‌های اصیل قرار گیرد که از آن‌ها هیئت‌ها و مراکزهای فعال در مبارزه با مواد مخدر استفاده کنند.

و بالاخره رسانه‌ها در معالجه این قضیه پیچیده اهمیت بزرگی دارند. بنابراین، بر مسئولین رسانه‌هاست که آن (رسانه) ها را جهت ادای رسالت بر کامل‌ترین وجهی بکار ببرند تا با

هیئت‌ها و مراکز مبارزه با مواد مخدر همکاری داشته به وسیله صدا و سیما و مطبوعات هر نوع کوششی که از طرف دست اندرکاران مبارزه انجام می‌گیرد پخش کنند و برنامه‌های مختلفی را در تبلیغ توجیه مناسب با کوچکان، بزرگان و زنان ترتیب دهند تا شهرها و بندگان خدا از امنیت برخوردار شده صفا و صمیمیت سایه خود را بر مردم بگسترانند. (ضمناً) از تجربه‌های کسانی دیگر که از آن دور نیستند استفاده کنند، خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ۝۲﴾ [المائدة: 2].

«به نیکی و تقوی با همدیگر همکاری نمایید و بر گناه و تجاوز همکاری نکنید، و از خدا بترسید، همانا خداوند سخت عذاب‌دهنده است».

پایان زمستان ۱۳۷۹

گشت: سید حسین پور

ضمیمه

فتوای علمای اهل سنت در باره‌ی حرمت مواد مخدر

استفتاء:

چه می‌فرمایند علمای اندیشمند و مفکران اسلام در باره‌ی مواد خانمانسوز مخدر؟ لطفاً سؤالات زیر را با دلایل واضح نمایید.

- ۱- آیا استعمال آن از نظر شرع اسلام جایز است یا خیر؟
 - ۲- کشت گیاهانی که منبع تولید مواد می‌باشند چطور است؟
 - ۳- تجارت آن چه حکمی دارد؟
 - ۴- پول بدست آمده از آن از روی شرع حلال است یا خیر؟
 - ۵- استفاده از پول بدست آمده از مواد مخدر در کارهای خیر، مدارس، مساجد، و غیره شرعاً چطور است؟
- بینوا بالدلائل أجرکم علی الله.

الجواب مبسلاً ومحمدلاً ومصلیاً ومسلماً:

- ۱- استعمال مواد مخدر از نظر شرع مبین اسلام حرام است. بر این مسئله مذاهب اربعه متفق‌اند حتی شیخ ابن جماعه بر آن اجماع نقل کرده‌اند.
- در کتاب (جوهره) آمده است که «خوردن بنگ و گیاه حشیش و افیون حرام است، البته حرمت شراب از این‌ها بالاتر است...» و در نه‌الفائق هم آمده است: «قول محقق آنست که

در عنایه نقل شده بنگ مباح است، زیرا که این گیاهی است؛ اما مقداری که نشئه بیاورد حرام است»^(۱).

در الفقه الاسلامی چنین آمده است: «هرچیز که سبب از دست رفتن عقل باشد حرام است اگرچه غیر از شراب‌های مایع باشد مانند بنگ، گیاه حشیش و افیون، زیرا که در این‌ها حقیقتاً ضرر وجود دارد حالانکه در اسلام ضرر و ضرار وجود ندارد»^(۲).

در کتاب البحر الرائق آمده است: «مشایخ و علمای هردو مذهب یعنی احناف و شوافع فتوی داده‌اند که گیاه حشیش حرام است که فروشنده آن قابل تأدیب است، حتی فرموده‌اند که، شخص قایل به حلال بودن آن زندیق است. و ابن همام نوشته است که حدادی می‌نویسد: گیاه حشیش، بنگ و افیون حرام است و تصریح کرده‌اند که استعمال‌کننده را باید تعزیر کرد». از این خوب روشن می‌شود که بنگ و افیون حرام‌اند و حکم علاج از این مستثنی است، و در فتاوی بزازیة آمده که علت مذکور به طرف حرمت اشاره دارد»^(۳).

علامه ابن عابدین رحمته الله می‌فرماید: در فتح القدر آمده است که علماء مشایخ احناف و هم شوافع بر حرمت حشیش اتفاق کرده‌اند اگرچه قبلاً اختلاف داشتند. علامه مزنی رحمته الله بر حرام بودن و علامه اسد ابن عمرو بر حلال بودن آن فتوی داده‌اند و از متقدمین در این باره هیچ قولی نقل نشده است، زیرا در عهد آنان وجودی از آن نبود، آنگاه که فساد و مضرات آن ظاهر و مشهور گردیده علمای هردو مذهب احناف و شوافع به حرام بودن آن فتوی دادند^(۴).
در تعلیقات ردالمحتار آمده است: «به هرحال در باره مخدرات یعنی، گیاه حشیش، افیون، مرفین، کوکائین، هروئین، جوزبویا، انبه و زعفران بر این فقهای مذهب اربعه اتفاق

(۱) - شامی، ج ۶، ص ۷۵-۷۷.

(۲) - الفقه الاسلامی و ادلته، ج ۶، ص ۱۶۶.

(۳) - البحر الرائق، ج ۳، ص ۲۶۶.

(۴) - رد مختار، ج ۴، ص ۴۴۵.

دارند که استعمال آن مقدار که عقل از آن متأثر شود حرام است و همین حکم را دربر دارد هر آن چیزی که عقل را محجوب و به بدن ضرر وارد نماید».

و بر این حکم علامه قرافی و ابن تیمیه اجماع نقل کرده‌اند و ابن جماعه فتوی داده‌اند که گیاه حشیش بدون از اختلاف حرام است، و علامه ابن عابدین رحمته نقل کرده است که هر شخصی که قایل به حلال بودن بنگ و حشیش باشد زندیق و مبتدع است؛ و علامه ابن تیمیه رحمته فرموده‌اند که، این گیاه خودش هم ملعون است و کسی که آن را استعمال کند هم ملعون است و حلال گوینده هم ملعون است که باعث ناراضی خدا و رسول خدا و بندگان مؤمن خداست؛ و در این، چنین مفاسدی یافته می‌شود که در شراب نیست لذا حکم بر حرمت این واضح و اولی‌تر است و مسلمانان اجماع دارند که مقدار مسکر این‌ها حرام است^(۱).

علامه ابن عابدین رحمته نقل کرده است که هر شخصی که قایل به حلال بودن بنگ و حشیش باشد زندیق و مبتدع است.

علامه ابن نجیم رحمته هم می‌فرماید: برخی از فقهاء قایل‌اند که حلال‌داننده بنگ و گیاه حشیش زندیق است^(۲).

۲- در باره کشت گیاهانی که منبع تولید مواد مخدر هستند، از آن جایی که منابع تولید این‌ها مصارف دیگر هم دارد مقللاً پزشکان در تولید داروهای مسکن آن را به کثرت بکار می‌برند، پس حکم کشت منابع مواد مخدر به اعتبار محل صرف متفاوت می‌باشد؛ چنانچه کشت برای استعمال در داروسازی باشد مباح است و اگر برای موارد ناجایز باشد، حرام است.

(۱)- التعلیق بر حاشیه رد مختار، ج ۶، ص ۷۶-۷۷، چاپ بیروت و فتاوی شیخ الإسلام ابن تیمیه ج ۳۴، ص

۲۵۴، و مجموعه فتاوی، ج ۲، ص ۲۶۵.

(۲)- البحر الرائق، ج ۳، ص ۲۶۶.

البته بازهم بنابر فساد زمانه اجازه کشت آن عمومی نیست، بلکه حکومت وقت انتظام کاشت مقدار لازم را در اختیار خود داشته باشد.

باید دانست که حکم مذکور فقط تا حد کشت و زرع است، اما از گیاه آن تریاک، هروئین و... درست کردن حرام است چه سازنده، دولت باشد یا ملت.

علامه عبدالحی رحمته الله در مجموعه الفتاوی می نویسد: کشت دانه خشخاش درست است اما افیون درست کردن و فروختن آن حرام است^(۱).

بنده ضعیف می گوید: [و بالله التوفیق] کشت و زرع نبات گیاهانی که منبع تولید مواد مخدر می باشند حرام است، زیرا که در این اعانت بر معصیت و گناه وجود دارد در حالیکه در قرآن مجید آمده است: ﴿وَلَا تَعَاوُنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ﴾ [المائدة: ۲]. که در گناه و دشمنی یکدیگر را اعانت نکنید. و بدیهی است در این تعاون بر معصیت است و شامل به ترویج دادن مخدرات و نشر کردن رزائل در صفوف مسلمین و با مجرمین تعاون کردن و نیز راضی بودن بر تعاطر مردم، و راضی بودن بر معصیت هم معصیت است چنانکه ظاهر است.

در حاشیه ردالمختار آمده: «این زراعت سبب مودی است به حرام و هرچه مودی به حرام باشد حرام است» فهذه ايضاً حرام بانتاج القضية^(۲).

و در ذخیره احادیث، احادیثی ملاحظه می گردد که از آن ها چنین برمی آید (هرآنچه که الله تعالی انتفاع از ذاتش را حرام قرار داده اند بیع و ثمن آن هم حرام است، چنانکه در صحیح بخاری و مسلم می آید) خداوند لعنت کند بر یهود، الله تعالی شحم (چربی) حیوانات را بر آن ها حرام کرده بود آن ها چربی را فروخته از ثمن آن استفاده نمودند^(۳).

(۱) - مجموعه الفتاوی، ج ۲، ص ۲۶۵.

(۲) - البدائع الصنائع، ج ۷، التعليق علی ردالمختار، ج ۶، ص ۷۶.

(۳) - بخاری، ج ۳، ص ۱۱۰، مسلم، ج ۵، ص ۱۴.

فقهای کرام صراحت نموده‌اند که فروش انگور به شخصی که از انگور شراب درست می‌کند حرام است، چنانکه به حرام بودن فروش اسلحه در زمان فتنه تصریح کرده‌اند؛ حالانکه زراعت مخدرات و فروش آن ممنوع‌تر است.

پیامبر اسلام ﷺ ارشاد فرموده‌اند: (خداوند لعنت کرد بر شراب، و سازنده، نوشنده، نوشاننده، فروشنده، خریدار، حمل‌کننده و کسی که برایش حمل شده و از ثمن آن استفاده‌کننده) همه‌ی این‌ها ملعون هستند^(۱).

۳- و ۴- معامله و تجارت مواد مخدر نیز ناجایز و حرام است، لذا پول بدست آمده از تجارت آن نیز حرام است.

در فتاوی شامیه آمده که از ابن نجیم رحمه الله در باره فروش گیاه حشیش سؤال کرده شد، جواب دادند که جایز نیست و منظور از جایز نبودن همان حلال نبودن است^(۲).

حرام بودن فروش شراب شامل حرام بودن فروش هر مسکر (نشئه‌آور) است، خواه مایع باشد یا جامد... و لقمه ملعون است و... در آمد فاسق^(۳).

ابن نجیم مصری رحمه الله می‌فرماید که: علماء فتوی داده‌اند که گیاه حشیش حرام است و تاجر آن مستحق تأدیب است.

بنده ضعیف می‌گوید: از حدیثی که امام بخاری رحمه الله و امام مسلم رحمه الله روایت کرده‌اند که آن حضرت ﷺ فرمودند: «اللّٰه تعالی بر یهود لعنت کند، اللّٰه تعالی شحم (چربی) را حرام کرد، باز آن‌ها آن را فروخته از درآمد آن استفاده نمودند»^(۴).

(۱)- رواه الطبرانی فی کبیر، ج ۹، ص ۵۰.

(۲)- ردالمحتار، ج ۶، ص ۴۵۴.

(۳)- زاد المعاد، ج ۴، ص ۴۶۳.

(۴)- بخاری، ج ۳، ص ۱۱۰، مسلم، ج ۵، ص ۴۱.

واضح گردید که هرچیزی که خداوند متعال انتفاع آن را حرام قرار داده‌اند فروخت و درآمد آن هم حرام است. پس این هم دلالت می‌کند بر تحریم خرید و فروش مواد مخدر، و از این حرمت تجارت و حرمت شغل قرار دادن هم واضح گشت.

درآمد مواد مخدر حرام است، زیرا که الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ﴾ [البقرة: ۱۸۸]. «مال‌های یکدیگر را به طریقه باطل نخورید».

چنانکه اهل تفسیر ذکر نموده‌اند، خوردن مال به طریقه باطل بر دو نوع است: اول، برداشتن مال مردم به ظلم، دزدی، خیانت، غصب و امثال آن. دوم، گرفتن مال مردم به طریقه نامشروع مانند قمار، یا معامله ربا، و همچنین فروش آنچه را که خداوند انتفاع آن را حرام قرار داده که این شامل بر مواد مخدر هم است، زیرا که همه این‌ها است اگرچه از سوی مالک رضامندی هم باشد.

بر حرمت تجارت مواد مخدر احادیث زیادی یافته می‌شود از آن‌ها حدیث دارقطنی است که جناب نبی اکرم ﷺ ارشاد فرمودند که: خداوند متعال وقتی چیزی را حرام می‌کند، ثمن آن را هم حرام قرار می‌دهد^(۱).

فقه‌های کرام صراحتماً نوشته‌اند: فروختن انگور، به شخصی که از آن شراب درست می‌کند حرام است، چنانکه تصریح نموده‌اند که در زمان فتنه فروختن اسلحه حرام است و زراعت مواد مخدر و فروش آن به درجه اولی حرام است، به درستی که راست گفت پیامبر اسلام ﷺ که، خداوند متعال لعنت فرستاد بر شراب، و سازنده، نوشنده، نوشاننده، فروشنده، خریدار، حمل‌کننده و بر کسی که برای او حمل کرده می‌شود و بر شخصی که از درآمد آن استفاده می‌کند^(۲).

۵- در باره پول حرام فقه‌های کرام می‌فرمایند که: بدون نیت ثواب، به قصد بری الذمه شدن به نیازمندان بدهد، خرج کردن آن در مصارفی که نیت ثواب را داشته باشد هم درست

(۱)- سنن دارقطنی، ج ۳، ص ۷.

(۲)- طبرانی فی کبیر، ج ۹، ص ۵۰.

نیست^(۱). فقهای کرام می‌فرمایند، اگر شخصی فوت کرد و درآمد او از مال حرام مانند: شراب فروشی، ظلم، رشوت ستانی بود، برای ورثا استعمال کردن آن مال و برداشتن از آن جایز نیست... بلکه آن مال را به صاحبش برگردانند ورنه صدقه کنند، زیرا وقتی که برگردانیدن کسب حرام، بر مالک آن مشکل باشد، باید آن را تصدیق کرد^(۲).

(۱) - و تفصیل آن در مجموعه فتاوی ج ۲، ص ۱۹۳.

(۲) - رد المحتار، ج ۹، ص ۵۵۹، امداد الفتاوی، ج ۴، ص ۱۴۲-۱۴۴، مجموعه فتاوی، ج ۲، ص ۱۹۳، احسن الفتاوی، ج ۴، ص ۲۸۳.

حرف آخر

در آخر بحث دلیلی که جامع تمام ادله باشد ذکر می‌شود و آن این که اگر در باره مواد مخدر از طرف شارع، هیچگونه دلیلی بر حرام بودن آن نمی‌بود، بازهم از طریقی دیگر حرام است و آن منع کردن والیان امر (دولت) است که والیان امر استعمال، تجارت، زراعت، و هم حمل و... آن را ممنوع قرار داده‌اند و برای آن قوانین مقرر کرده‌اند، و اطاعت از والی امر واجب است در حکمی که در آن نافرمانی خدا و رسول خدا ﷺ نباشد، بر این مسئله تمام مسلمین اجماع دارند چنانکه علامه نووی در شرح مسلم باب طاعة الأمراء ذکر نموده‌اند.

از این تأیید می‌شود که ضرر مواد مخدر از مسکرات هم بیشتر و ممنوعیت شدیدتری را دربر دارد، و به همین خاطر مقننین، قانون تند و سختی وضع کرده و زراعت، تجارت و استعمال آن را ممنوع قرار داده‌اند و سزاهایی برای متخلفین مقرر کرده و شدیداً مراقب آن هستند و... که این همه دال بر ممنوع بودن مواد مخدر است^(۱).

والله أعلم وعلمه أتم، والذي ظهر لي حررته على التكلان عليه.

محمد زکریا دھواری از

دارالافتاء حوزه علمیه عین العلوم گشت سراوان

۲۹ محرم ۱۴۲۲ هـ ق برابر با ۱ / ۴ / ۸۰ خورشیدی

تصدیقات علمای اہلسنت

الجواب صحیح. سید محمد یوسف حسین پور.

خادم حوزه علمیه عین العلوم گشت.

المجیب مصیب. محمد دھقان.

(۱) - حاشیہ ردالمحتار للشامی، ج ۶، ص ۷۷.

الجواب صحیح. محمد علم حسین بر مدرس حوزه علمیه گشت.

الجواب حق و صواب. عبدالرحیم هاشمزی.

مدرس حوزه علمیه گشت.

موارد فوق مورد تأیید است سید عبدالکریم حسین پور.